

معماری کوشان



آکادمی علوم و فنون
مرکز بین المللی تحقیقات کوشانی



شماره سوم سال هشتم
خوت - ۱۳۶۴



در این شماره

- | | | |
|-------|---|--|
| (۱) ص | ترجمه محمد احسان آرام | امپرا توری کوشا نیها |
| (۶) | س. موخود پاد یای
ترجمه محقق فیروزی | زیورات دوره کوشانی |
| (۲۸) | کلوش فیشر
ترجمه امیری | اسپ سواری درپرتو کشفیات
جدید هیکل تراشی کوشانی |
| (۳۵) | معاون محقق نیکسیر
احمد حسن دانی | نگاهی بر تمدن و فرهنگ کوشانی
د کوشانیانو هنر او |
| (۴۶) | ترجمه زهری محقق
ب. ن پوری | مدنیت ته یوه کتنه
کتابشناسی کوشانی |
| (۶۱) | ترجمه حمید الله صدیقی
Secular architecture
of Kusana Period | Dr. Amita Ray |

شماره سوم سال هشتم حوت ۱۳۶۴

شرح روی جلد : پیکیره ستوکی راهبین بودایی مکشو فه تپه شترهده

از منابع یو نسکو
ترجمه محمد احسان آرام



امپراتوری کوشانیها

امپراتوری کوشانیها آسیای مرکزی در نخستین قرون تاریخ ما همدراز رومیها، چین و پارتها بوده و اکنون از لابلای او هامسر بر آورده تا مقام شایسته خود در تاریخ جهان احراز کند .

دوهزار سال پیش آسیای میانه، افغانستان، هند شمالی، پاکستان غربی و ایران شرقی یک دولت واحد و پهناور را پایه گذاری کردند که تمام سواحل، بحیره اورال را تا هند بهم پیوست . این امپراتوری که خود را کوشان مینامید با امپراتوری های بزرگ آن عصر روم، پارتها و چین همسری میکرد و یکی از حلقه های مهم نظام سیاسی رادر دنیای کهن تشکیل میداد .

امپراتوری کوشانیها در تاریخ تمدن آسیای شرقی صحنه یک سلسله رویداد های مهمی بود این نه تنها حیثیت سمبول وحدت سیاسی بین بسیاری از مردم و نژادهای مختلف را داشت بلکه بطور کلی دوران نوینی را در انکشاف فرهنگ آسیا و جهان عرضه نمود .

دوران بزرگ هنر گند هارا به عصر سلسله کوشانیها تعلق دارد . در عصر کوشانیها بود یزم به سرعت از هندوستان در سراسر امپراتوری پخش و از همان آغاز به چین انتشار یافت .

هنرمندان کوشانی با مهمترین نوآوری آن عصر

مجسمه سازی بودائی را غنابخشید. تصویر بودا را بشکل انسان در آوردند، کوشانیها نه تنها از ایجاد مفکوره های بزرگ عصر و پیروزمند یهای هنری در قلمرو خود پشتیبانی بعمل آوردند، بلکه با مراکز بزرگ فرهنگ دنیای باستان نیز تماس نزدیک برقرار ساخت و شاهراه مهم بین چین و روم را، تحت نظارت خویش قرار دادند.

در اوایل عهد مسیح امپراطوری نیرومند کوشانیها در شرق چین و در غرب با پارتها همسرحده بود و مراکز قبلی پراکنده و دور افتاده فرهنگی دنیای باستان از جزیره بریتانیا تا سواحل بحر آرما در تحت اداره روم، پارتها چینیها و کوشانیها قرار داشت این چهار امپراطوری بزرگ توسط یک سیستم پیچیده وابستگی های نزدیک و تبادل دلات در بینشان همبستگی برقرار ساخته بودند، نخستین شاهراه بارزگانی بنام شاهراه ابریشم شهرت داشت که از چین تا مدیترانه امتداد مییافت و از قلمرو کوشانیها و پارتها عبور میکرد.

بیش از هزار سال، قبل از آنکه کشتیهای واسکو دوگاما بصورت منظم در بحر هندو بحر احمربه شنا افتد. این مناطق توسط رومیها فتح و نواحی غربی هند با کوشانیها متعلق بود. در عین زمان راههای مهم خشکه در سراسر آسیا با آنها از آسیای مرکزی تا اروپای شرقی و شهرهای قدیمی سواحل بحیره سیاه گشوده بود، سکه های حکمرانان کوشانی در کیف، حبشه، سکاوندنیای و همچنان در شهرهای امپراطوری روم قدیمی بدست آمده و بعلاوه سکه رومی اگوست تیسریوس - روبرو جنوب هند کشف شده است

سکه های کوشانی از منطقه گمه (جنوب غرب اورال) و ظروف نقره ای از خوارزم در شرق اورال از پیوندهای آنها با همسایگان شمالی حکایت میکند، در روی ظروف ساخت صنعتگران شهر قدیمی این ساحه که امروز بنام دوشنبه (مرکز تاجکستان شوروی) یاد

میشود ، تصویری دیو نیزوس نیز تمثیل گردیده است . استخوان های حکاکی شده هندی عصر کوشانیا از پومپئی کشف و آلات شیشه ای رومی از عصر سلطنت کوشانیا در بگرام شمال کابل در اثر حفاریات از ته خاک بدست آمده است .

عصر کوشانیا نه تنها ادامه ساده روابط متمدن بین شرق و غرب بوده ، بلکه از لحاظ کیفی مرحله تازه ای از انکشاف و تکامل این روندهای مهم تاریخی و فرهنگی بشمار میرود . پیش از یک قرن میگذرد که دانشمندان برای نخستین بار مطالعات خود را در باره عصر کوشانیا آغاز کرده اند منشاء و ظهور کوشانیاها با وجود تدریجات زیاد داشتهای تاریخی مهمی که توسط یونانیهای قدیم ، رومی ها و چینی ها بجا گذاشته شده ، تا این زمان در لابلای موهومات قرار داشت . امروز تلاش های پیگیر دانشمندان و محققین کشور های مختلفی به اضافه کشفیات باستان شناسی متدرجا گذشته پوشیده آنها را روشن میسازد . اگر بر مطالعاتیکه یونسکو در باره مدنیتهای آسیای مرکزی که یک بخش آن راجع به کوشانیاها اختصاص یافته نظر اندازیم . به سال ۱۹۶۸ در شهر دو شنبه به اشتراک محققان کشور های مختلف کنفرانس بین المللی ای در باره تاریخ باستان شناسی و فرهنگ آسیای مرکزی در عصر کوشانی دایر نمود .

تاریخ کوشانیا دورانی را که تقریباً شامل پنج قرن پیشو ددر بر میگردد . این دوران از زمانی سقوط دولت یونان و باختر در قرن دوم یا اول قبل المیلاد تا ظهور امپراتوری یفتلیها یا هون های سفید در آخر قرن چهارم یا اوایل قرن پنجم میلادی طول میکشد . معلومات پیرامون سالیهای اول دولت کوشانیا بسیار کم است . ولی امروز بصورت عمومی این واقعیت تأیید میشود که دولت کوشانیا بواسطه بادیه نشینان که شهرزاده گان حکمروای آنها به خود نام سلطنتی کوشانی (یادداشت های تاریخی چینی ها کوجی

شوان
گردید. Kapi - Shuang اختیار کرده بودند تا سیس

این مساله که بادیه نشینان بطور یقینی که ها بودند تا هنوز بصورت قاطع حل نگردیده است. اما شواهد دست داشته امروز بر قبایل از نواحی شمال آسیای مرکزی که با قبایل دیگر چون یوچی ها ، سا کها رو شنسی می اندازد که این قبایل با هم متحد میشدند تا سلطنت یونان و باختر را سقوط دهند . در فعلیت هاییکه برای این منظور راه انداخته میشد ، ممکن کوشانیها تمام قبایل دیگر را که شامل این اتحادیه بودند ، رهبری کرده باشد که پس از آن دولت جدید باکتر یا بدین نام مسمی شد . اولین حاکم آنها بنام کجولا کد فیزس میباشد. وی خود را شاه شاهان اعلام نمود و بطرح نخستین پالیسی بزرگ که اتحاد باختر و سفدیانه را بوجود آورد پرداخت . وی قلمرو تحت نفوذش را به امتداد دره کابل و کشمیر بطرف جنوب و سعیت بخشید .

جانشین وی ویماکد فیزس نیز به توسعه قلمرو خود در نواحی جنوب و جنوب شرق ادا مه داد و نفوذ فرهنگی خود را در بنارس بخش کرد .

در عصر کنیشکا بود که کوشانیها به اوج مرحله ارتقایی فرهنگی نایل آمدند . همچنان تذکر اشکال مختلف نام های کنیشکا در تاریخ ما عموما برای خوانندگان کمی تردید پیش میکند که وی یکی از حکمرانان بزرگی بود که در دنیای باستان مقام برازنده داشت .

کنیشکا بعنوان یکی از بزرگترین حاکمان هنر و مذهب شناسان شده ، وی گندهارا را به سرزمین واقعی بودائی میدل ساخت . اگر دقت شود شکلیائی مذهب نیز یکی از مشخصات برجسته تمدن کوشانیها میباشد کنیشکا چهارمین شورای بودائی ها را بر گذار نمود . و بطور عمومی اعتقاد بر این است که طریقه بزرگ در بودیزم در زمان سلطنت وی قوام یافته است .

اضمحلال قدرت یونانی‌ها به هیچ وجه منجر به انحطاط ارزش‌های سیاسی و فرهنگی باختر و مناطق همجوارشان نگردد، سلطنت‌های یونانی قبلا در باختر و هند مقارن قرون اول و دوم میلادی از تمدن مدیترانه جدا و به يك گروه جنگی برایشان به حال متشتمت تبدیل گردیده بودند.

چقدر جای حیرت است که عنعنات قدیم محلی یا جا نشین‌شان همان کوشانی به جای حکمرانان یونانی قوه محرکه تازه میباید. نفوذ مشترك فرهنگی یونان و باختر به عصر هخامنشی‌ها در قرن چهارم ق.م زمانیکه اولین مهاجرین دنیای هلنستیک در این نواحی ظهور و مستعمرات خود را بر پا داشتند، میرسد. همچنان باختر در طرح سکندر کبیر جهت وحدت بین یونان‌ها و مردم شرق سهم مهمی داشت. این حقیقت که کوشانی‌ها الفبای یونانی را برای تحریر زبان باختری اتخاذ کردند در واقع يك حادثه بزرگ و پر اهمیت تاریخی میباشد.

نویسنده : سمنات موخوپادیای
مترجم : عبدالواسع فیروزی

زیورات دوره کوشانیها

دانش ما در باره استعمال زیورات و جواهرات در دوره و ساحت قلمرو کوشانی از دو منبع منشاء می یابد .
الف) نمونه های زیورات اصلی که در جریان کاوش و حفاریات بدست آمده .

ب) تقلید یکه از اینگو نه زیورات در بیکره های اشخاص مرد و زن در مجسمه های (فلزی، سنگی ستوکی و پارچه های عاج) و مسکوکات ، مهرها و غیره صورت گرفته است .

نمونه های زیورات کوشانی در بسیاری مناطق ساحله قلمروان چون متهورا ، گندهارا ، دره شیخان ، کاپیسا (بگرام) باختر (شمال افغانستان) دلبرزین تپه و غیره و بعضی محلات دیگر در آسیای میانه اتحاد شوروی یافت گردیده است . مجسمه های آراسته با زیورات در تمام ساحله امپراطوری کوشانی بشما هده میرسد . جهت تسهیلات لازمه نمونه های زیورات اصلی یکه از دو شهر مختلف دو ساحله مختلف امپراطوری کوشانی بدست آمده مورد بررسی قرار میدهیم ، درین بخش مکشوفه های تاکسیلا و لبرزین تپه را به طور مقایسه ای به بحث خواهیم گرفت .

زیورات مکشوفه تاکسیلا :

گوشوارها : يك گوشواره طلائی که مرکب از دو پارچه است پارچه فوقانی با پارچه تحتانی تو سط یک چنگک بهم وصل و در آخر آن يك لوله ای استوانه ای شکل دیده میشود . پارچه فوقانی بشکل چو کات مر بعی از يك میله عریض طلا سا خته شده که در بالای آن يك حلقه طلا با دو چنگک وصل شده است . نقشه چو کات از نظر طرح هنری متناظر بهم و همچنان هر چنگک با يك حلقه كوچك دانه نشان تزئین گردیده است . تزئین چو کات عبارت از يك گل مرکزی با سه برگ پاشان و در اطراف چهار گلبرگ و گلپای تزئینی دیگر که همه با فیروزه مر صع گردیده اند . گل وسطی بسیار ظریف مر صع گردیده و به شکل يك گل دارای پنج گلبرگ فیروزه نشان بالای ظرف کعب دار طلائی بنظر میرسد پارچه تحتانی گوشواره حصه وسطی آن بشکل امفورا بوده و به هر دو جناح آن شکل کودکی سوار بالای حیوان بالدار دیده میشود در حصه پائین آن چهار دانه زنجیر بافته شده که در انجام آنها مروارید و ورقه های برگ مانند نازک تزئینی با خوشه های مر صع قرار دارد ، بنظر میرسد . امفورا بشکل مهره طلائی ملیله کاری مر صع با دانه های فیروزه بالای قاعده سه بعدی که از قسمت زیرین آن پنج دانه مهره کوچک کروی شکل طلا که از هر يك خوشه های دارای چهار نگین آویخته شده ، بمشا هده میرسد . در قسمت بالایی امفورا میله استوانه ای بشکل مهره طلائی دانه نشان دیده میشود .

گوشواره طلائی بشکل مدور : ما بس جالب و قابل توجهی نماید . حصه وسط صفحه مدور این گوشواره با يك گل تزئین گردیده و اطراف آن با حلقه مهره ها ، طومار و زنجیر بشکل متحد المر کز محاط شده است . توك های گلبرگ با زواله طلا و حلقه تزئینی وسطی با مهره اکثرا فیروزه پر کاری شده است . گلبرگ های اطراف دانه نشان و گلبرگ های وسطی ساده بنظر میرسند . يك جوره گوشواره طلائی دیگر نیز بهمین شکل تزئین یافته ، اما گل آن فاقد

گلبرگ میباشد. برگهای نوکدار و گل بشکل دایره مکمل نیم کره‌یی ساخته شده و اطراف آن بوسیله مهره های نفیس با دو سیم تاب خورده بهم تزئین یافته است. در حصه پائین چهار دانه زنجیر که دارای انجام های مهره‌یی و ورقه‌های نوکدار طلا اند آویخته شده است. جوړه دیگر گوشواره طلا بشکل میله مستطیل است که روی آن شکل هلال و شبدر که تقریباً قسمت بیشتر روی صفحه را گرفته، نصب گردیده اند. هلال و شبدر در بین دایره کنده کاری ایکه بواسطه سیم مهره دار نفیس پر شده قرار دارد. در قسمت پائین میله پنج دانه ورقه نازک کوچک مدور (پولی‌گک) با سیم آویخته شده‌اند. گوشواره شکل چسپک: این جوړه گوشواره متشکل از یک چسپک هلال مانند مسطح معقه قیدک (گیره) و یک دکمه‌یی که در بینه یک حلقه متحرک آویزان شده است، میباشد. چسپک به شکل ورقه نازک طلا ریخت گردیده گیره بواسطه یک حلقه به آن پیوسته است در آن یک گل پنج برگ، دو قلب و یک خط باریک تزئین یافته است. دکمه گوشواره با دانه‌های نفیس مرصع گردیده و در پنج حصه خوشه‌ها بشکل آویخته مرصع بادانه‌های ریز قرار دارد. حلقه ایکه به دکمه اتصال می‌یابد با دو قطار مهره‌هاییکه از هم باظرافت کاری خاصی مجزا شده‌اند، تزئین یافته است در قسمت بالائی چسپک حلقه کوچکی قرار دارد، که بواسطه آن این زیور بگوش آویخته میشود.

کره‌ها و دستبندها :

- اشکال کره‌های دستبند و بازو بند طلا و نقره‌یی به پنج نوع میباشد.
- الف - کره‌هاییکه از یک پارچه سیم قطور ساخته شده انجام هایشان ضخیم و باز اند.
- ب - کره‌هاییکه از یک پارچه سیم ساخته شده و انجام هایشان بطور ماریچ تاب خورده است.
- ج - کره‌های سیم و فلز نازک که انجام‌های آن پهن گردیده‌اند.

د - کره های سبک يك پارچه که انجام های آن بقسم کله شیر ساخته شده است .

و - دستبند های دهانه باز معه گیره های مربع شکل (قید ك) که باج و هر تزئین شده اند .

- دو دانه کره يك پارچه که از سیم ضخیم نقره ساخته شده و انجام های شان بشکل سه بعدی برجسته اند .

- دو دانه کره يك پارچه دیگر از سیم ضخیم نقره انجام های شان بشکل دکه های مکعب مانند اند .

- یکدانه کره از سیم يك پارچه طلا است که انجام های آن بطور مار پیچ تاب خورده و از طرف داخل پهن میباشد .

- چهار دانه کره طلایی که از قسمت داخلی میان خالی بوده و انجام های شان بشکل دهنه ترومیت باز اند . این کره ها از ورقه نازک طلا روی لاک ساخته شده و انجام های شان توسط ورقه دیگر طلا که از آن جدا ساخته شده محکم میشوند . عین شکل در آسیا میانه اتحاد شوروی نیز یافت میشود .

- هشت دانه کره طلایی دیگر که انجام های شان بشکل دهانه ترومیت ساخته شده از قسمت تحتانی دهانه ترومیت توسط وسیله محکم کننده و بند یا گیره بهم وصل شده اند . بند یا محکم کننده طوریست که میتوان آنرا به هر اندازه مطلوبه عیار نمود . چهار دانه کره طلایی یا بازو بند دیگر انجام های شان بشکل کله شیر ساخته شده اند . کله های شیراز پارچه های جدا بوده خطوط متعدد و مواج به گونه یالان در آن تزئین یافته و قسمت عقب با کنار چین خورده بشکل دو لایه گردیده است .

طوق ها

يك طوق طلایی میان خالی که از ورقه طلایی نازک روی میله لاک ساخته شده است انجام های پیشروی طوق بشکل دهانه ترومیت میباشد . این طوق از دو نیم دایره ای که انجام های عقبی آن باریک و بوسیله يك میخک و حلقه کوچک بهم وصل گردیده ، ترکیب یافته

است طوق دیگر متشکل از يك پارچه سیم طلاست که انجام های سیم باریک گردیده و تقریباً در حدود دو - سوم طوق از سیم پیچ پوشا نیده شده است . گیره پیشرو با علامت تری رتنا تزئین گردیده است این نمونه ها از تاکسیلا ((بدون شك محل بود و باش مردمان ملیت ساکها یا پارتهای)) بدست آمده اند .

زیورات مکشوفه دلوزرین تپه .

گردن بند طلائی مرصع مکشوفه دلوزرین تپه که دارای ترکیب پیچیده ای از شیوه های مختلف جواهر سازی میباشد در آن پنج قیطان دیده میشود که هر کدام با هشت سیم بافتگی به دو فرو رفتگی لوله های منحنی شکل محکم شده اند .

سه دستبندی که بشکل منحنی بیضوی ساخته شده در حصه وسط خود بشکل دایره ضخیم و مقعر گردیده اند . نوع دیگر عبارت از دستبند های طلائی دارای ساختمان مار پیچ شکل اند که تقریباً به نیمه دوم قرن اول میلادی مربوط میشوند . در ساختن این نوع دستبند ها زرگر نخست سیم ضخیم طلا را روی قالب های منقوش گذاشته کنارهای آنرا پهن می ساخت تا تمام جوانب صفحه مقابل با لای قالب بطور کامل بچسبند و بعد روی دست از آن دستبند میساخت . يك طوق که از براده طلا بالای میله لاک (؟) بطور يك پارچه ساخته شده ، دارای انجام های پهن بوده ، ضخامت لوله طوق بتدریج از قسمت عقب بطرف پیشرو بیشتر شده و اساساً شکل نعل را دارد . انجام های آن باورقه نازک جدا محکم گردیده است زیور دیگر گوشواره هر کب از سه بخش است . بخش اول حصه بالای یعنی حلقه مدور گوش ، بخش دوم حصه پائینی بشکل پارچه سه گوشه یا دایره دارای تزیینات مارپیچ و بخش سوم حصه وسطی میله استوانه ایی شکل است که آویز به آن نصب میباشد . میله استوانه ایی کاملاً با گل و برگ های مخصوص تزئین یافته است . گوشواره های نوع تابدار در تاکسیلا یافت میشود . اما نوع استوانه ایی آن محلی و محدود بوده بگمان

اغلب منشاء با ختری داشته باشد. گل سینه ، این زیور از ترکیب دو نیم حصه سه پارچه شکل نعل مانند دور هم قسمی ساخته شده که در حصه وسط نگین خانه ای را تشکیل داده و یک نگین بزرگ در آن نصب است . زیور مذکور همچنان از زمحل قبل الذ دریافت شده و تاریخ آن به حدود نیمه دوم قرن اول میلادی میرسد . شبا هت این زیور گل سینه که بر گردن آویخته میشود از بعضی جهات با تزئیناتی که در سنگ معروف ایرتام (Airtam) بکار رفته ، یکسان میباشد .

دو پارچه مدور طلایی ، یکی از دلوزرین تپه و دیگری از تاکسیلا بدست آمده است . پارچه مکشوفه دلوزرین تپه دارای شکل یک قوچ کوچک بوده که شکل حیوان در مرکز صفحه قرار داشته و با طرح برگهای سه گوشه بی محاط شده است . پارچه مکشوفه تاکسیلابادانه های مروارید تزئینی یافته و در حصه وسط صفحه مجسمه هر تی (Hariti) که ساقه گل و تنس را بدست گرفته نقش

گردیده است . پیراهن کلان ساده کو تاه بی آستین آن بالای سینه با دو نگین مدور محکم شده که منشاء آن هیلنستی است . این زیور فعلا در موزیم ویکتور یا البرتلندن گذاشته شده است . هنر مجسمه سازی و نقاشی نیز به جهات و زوایای مختلف صنایع زرگری و زیور سازی دوره کوشانی روشنی می اندازد . چنانچه اشکال یا مجسمه های انسان در سنگ و گل ، پارچه های مجسمه و مجسمه های ایستاده بحالت آزاد و تعداد کمی تصاویر دیواری چون تصویر مردی بارش سیاه و طفل کوچک مکشوفه دلوزرین تپه که از چندین جهت تاریخ آن به دوره کوشانی نسبت داده شده ، پوشیدن و استعمال انواع مختلف زیورات را نشان میدهند این خود بطور موجه قابل پذیرش است که مجسمه سازان وقت بادر نظر داشت ملاحظاتی زیورات معمول در پیکر تراشی گو شیده اند تا بواسطه علایم و مفاهیم مقارن زیور مجسمه های ساخته شده را آراسته بان نشان دهند بنامطالع این مجسمه ها ممکن است

بعضی مفکوره های طرز کار بردو استعمال گونه های مختلف زیورات را در دوره گوشانی به ما بدهد. در بدن انسان قسمت های مختلف چون پیشانی، گوش بینی گردن، بازو، ساعد، انگشتان، ران، چار بندو پاها برای پوشیدن زیورات عام اند، گاهی به این قسمت ها پیوستگی قفسه سینه، شکم و سینه علاوه شده است، چنانچه این امر هنگام مطالعه زیورات مختلف بدن در برجستگی های مجسمه نیز ملاحظه دارد.

زیورات سر :

الف - روبان بچیث يك بخش کامل پوش سر ،
 ب - روبان بچیث تزئینی جداشتمل بر دو قطار مهره بعضاسه قطار)
 ج - تزئینات پیشانی .

زیورات گوش :

بطور عموم زیورات تزئینی-گوش بصورت مار پیچ یا آویخته بگوش پیوست میباشد (انواع مختلف زیورات گوش که در مجسمه های دارای تزئینی زیوری مشا هده گردیده قرار ذیل اند .
 الف - حلقه دایروی شکل دانه نشان با جواهر یا مروارید .
 ب - گوشواره هلال مانند .
 ج - گوشواره مرکب از يك قطار دانه ای مروارید یا مهره ها .
 د - گوشواره فلز کروی شکل یا نگینه بزرگ .
 ه - گوشواره مربع شکل دارای طرح لوتس
 و - گوشواره ساقه یا برگ شکل یا یکدانه مروارید یا مهره خورد .

ز - گوشواره شکل گل لاله .

ح - گوشواره شکل صفحه دایروی .

ط - گوشواره شکل مار پیچ مانند چله یا حلقه گوش .

ی - گوشواره شکل گل نیمه شکفته .

ک - گوشواره شکل معکوس - گل لوس .

ل - عده یی از مروارید یا مهره‌ها که به یک تار یا سیم جیل شده باشند .

ن - گو شواره یی دارای اشکال شیر .
زیورات گردن :

اقسام زیورات گردن که در مجسمه‌ها بشما هده رسیده عبارت اند از :

الف - گلو بند مشتمل بر یک یا چند قطار مروارید یا مهره و یا دانه های جوا هر همرا ه یا بدون نگین وسطی .

ب - گلو بند مشتمل از یک یا دو قطار دانه های مروارید یا مهره که بالای سینه افتیده است .

ج - گلو بند مرکب از دو قطار مهره دارای دو فوا صل مر بع شکل .

د - طلای زنجیر بافت دارا ی چندین فا صله که در مرا سم اپاوتیا استعمال میشود .

و - دسته زنجیر هائیکه از مکارو یا در حصه وسط دارای یک سنگ گردیده در انجام دارای یک نگین موخا **Makarmakha** کشف قیمتی مثلث شکل اند .

و - گروهی از زنجیر ها که در انجام های خود اشکال سر دو حیوان عظیم الجثه را دارند .

ز - گروهی از زنجیر ها که دارای اشکال حیوان بالدا راند و در حصه وسط شان یکدا نه نگین استوانه یی شکل آویخته شده است .

ح - قیطان طلایی پیچ خورد ه دارای انجام شکل پرنده .

ط - زنجیر دارای طر ح ریسمان .

ی - گروهی از زنجیر ها دارای انجام مدور و وسط دا نه نشان .

ک - زنجیر دارای مهره یا نگین مستطیل شکل به طرح گل .

زیورات بازو :

زیورات بازو مشتمل بزیرواتی است که روی بازو ، ساعد و بند

دست استعمال میشوند از جمله زیورات بازو سه نوع بازو بند که بنام های (۱) زیورات بازو یا بازو بند، (۲) بازو بندی های روی ساعد (۳) دستبند ها و قرارذیل اند.

الف - بازو بند معه بند .

ب- بازو بند مهره دار .

ج - بازو بند دارای صفحه بزرگ مدور محاط با دانه های کوچک مروارید یا طرح لو تس .

د - بازو بند دارای نکین های نصب برجسته .

هـ - بازو بند دانه نشان برجسته محاط با صفحه مدور دارای طرح توس

و - بازو بند مربع شکل .

ز - بازو بند دارای بخش مهره دار بشکل بادامی .

ح- بازو بند دارای طرح مستطیل دانه نشان محاط بایک صفحه مدور .

ط - بازو بند مزین با طرح هندسی و دانه نشان برجسته .

ی - بازو بند مزین با خطوط موج و مرصع برجسته .

ک - مجموع چند حلقه کره که بجای بازو بند استعمال شده .

ل- بازو بند دارای نوک (سر) دانه نشان مقوس .

دست بند های بالای ساعد:

|| انواع دستبند ها بیکه در مجسمه ها بمشاهده رسیده

مشمول اند بر :

الف - دستبند دارای طرح مهره یی .

ب - دستبند ساده میان خالی .

ج - دستبند دارای طرح لو تس

د - دستبند دارای طرح مهره یی با تزئین برگ .

هـ - دستبند دارای طرح مهره یی و خطوط موج .

زیورات دور کمر :

زیورات دور کمر اقسام کم داشته و مشتمل اند بر .

الف - کمر بند مهره یی باگیره، مزین با طرح لو تس دارای سه

قطار یا سه لامهره

ب - کمر بند مهره یی با گل کمر بند (گیره)، کمر بند از چهار قطار مهره تر کیب یافته است .

ج - چهار قطار مهره که به گل کمر بند یا گیره منتهی شده و از آن يك آویز برگ مانند آویخته شده است .

د - کمر بند مهره یی نوع ساده بدون گیره دارای دو قطار مهره .
زیورات پا :

زیورات پا که در برجستگی های مجسمه نشا نداده شده سه نوع اند .

الف - پازیب ساده .

ب - پازیب بشکل مهره یی .

ج - پازیب دارای طرح مدور دانه نشان .

نمونه های زیورات مختلف که در مجسمه ها نشا نداده شده اند:
زیورات سر :

بعضی از زیورات را که زینهای پوشند در مجسمه های هریتی در در چندین صفحه هنر گندهارا دیده میشود . در مجسمه هریتی مکشوفه سکیری يك تاج دارای طرح قطعات مربع کوچک در سه طبقه تقریباً بشکل تزئینی مرتبه یی دیده میشود . در مجسمه هریتی دیگر مکشوفه تخت بهایی تاج بشکل مدور بوده دارای طرح خطوط متقاطع است . تاج با برا آمده گسی قبه سر در پیش و يك جغه در عقب تزئین یافته است . قطار های مروارید خم شدن تاج را بطرف عقب نشان میدهد . در قسمت سر مجسمه های بو دیستوا مربوط حوزه گندهارا چندین نوع نیم تاج یا رو بانیکه قبلاً ذکر شده می یا بیم پارچه بسیار تزئین شده آن سر مجسمه میتر یا مکشوفه شهر بهلول است این پارچه که با اشکال پرنده ها و صفحه تزئینی آراسته شده میتواند تأثیرات تزئینی هنر هیلنستی و اقتباس آن را در باختر منعکس سازد . پرنده ها بحالت دهان باز نشسته بنظر میرسند و بالهای شان بشکل برگ اکانتوس دیده میشود .

روی صفحه یا دانه‌ها مرصع و روی دیگر با گل لوتس که از باختر اقتباس یافته تزئینی گردیده است. تمام پارچه طوری بنظر میرسد که بالای يك حلقه فلزی نصب و به‌دورسر می‌چرخد. تاج یا روبان دیگر که بسیار کم تزئین دارد بسر مجسمه بودیستوای در حالت نشستۀ مکشوفه تخت بهایی دیده‌میشود در قسمت عقب آن يك میخ بریده شکل و در حصه وسط يك شکل ستوپه مانند قرار دارد و دو قطار مهره بالای آن شکل گمان‌یاهلال را ساخته است اطراف روبان با دسته‌های گل (شبه مجسمه بودیستوا مکشوفه شا بازگری) تزئین یافته است.

زیورات گوش:

يك گوشواره که بشکل صفحه مدور بگوش اندرا دیده میشود در آن حالت شستشوی او لیکن مرتبه بودا روی صفحه نشاء داده شده است.

در گوشواره ناگارا جا اپالاه بروی صفحه شکل سه گوشه بی‌پره مانند بعوض آن نشاء داده شده است در حالیکه گوشواره‌های بودا و اندرا در میان دیگر امان‌صحنه از لودیان تا نگوی، بشکل دسته یا خوشه گل آویخته شده است.

در صفحه مکشوفه شهر بهلول که بودا را در صحنه دهرمه کراپراور تنامود را ترسیم نموده (از نظر مارشال بقسم مجزه بی‌شراوستی) گوشواره‌های گوش اندرا بودیستوا بشکل خوشه‌های انگور تزئین یافته‌اند. همچنان یک نوع جهمکا یا مرواریدها در گوش‌های مجسمه بودیستوا مکشوفه شهر بهلول دیده میشود.

در گوشه‌های مجسمه مایتریا مکشوفه تاکسیلا حلقه‌های مدور گوش با کله شیر که حصه بالای تمام نر مه گوش را پوشا نیده مزین گردیده است. در حالیکه مجسمه مایتریا مکشوفه شهر بهلول دارای گوشواره تزئینی بسیار پرکار میباشد. در آن يك میله ایست که از بین نر مه گوش گذشته و به دو انجام آن شکل سر دو حیوانیکه به دهان‌شان خوشه‌های مروارید گرفته‌اند

دیده میشود در بین این دو سربیکدانه برگ اکانتوس قرار دارد. در گوش های مجسمه بود یستو امکشوفه تخت بهایی يك حلقه زیر گوش دیده میشود که در آن يك صفحه فلزی پهن مزین بامرواریدها آویخته شده است. گوشواره ها نیکه در مجسمه های زن بکار رفته نیز دارای طرح های متنوع میباشد. در بعضی مجسمه های زن از تیرا کوتا از نوع گندهارا حلقه گوش چسبیده معلوم میشود در حالیکه آویز مجسمه های غیر گندهارایی، گوشواره ها بشکل مدور آویخته نشانداده شده است. چنانچه در مجسمه زن مکشفوفه سر کپ گوشواره بشکل حلقه مرکب از یکتعداد مهره ها دیده میشود دو مجسمه زن روی صفحه مکشفوفه جمال گری که حالت ریاضت کشیدن بود یستو (۹) در آن تمثیل گردیده است، یکی بطرف راست بودا قرار داشته، شاید سوچتا باشد در گوشهایش يك صفحه مروارید مانند بود و دیگری که بطرف چپ بودا قرار دارد در یک گوش صفحه مدور و در گوش دیگر خود خوشه مروارید را بشکل خوشه انگور دارا میباشد یک نوع گوشواره مدور که در دور و حواشی خود دارای طرح تزئینی است بگوش مجسمه زن خوابیده روی صفحه مکشفوفه تخت بهائی دیده میشود. در حالیکه در مجسمه زن دیگر آن صفحه یکنوع گوشواره سه گوشه بی در یکی از گوشهایش بنظر میرسد. در گوش های مجسمه هریتی مکشفوفه دره شیخان شکل دکمه بی رابشکل زیور گوش تقریباً مشابه به مجسمه هریتی مکشفوفه سیکری می یابیم. پارچه های زیور تیکه از حقریات بدست آمده دارای انواع متعدد بود و بطور عموم آنها را به حلقه ها، چسپک ها، آویز ها و زیر گوش می توان تقسیم بندی نمود.

يك گوشواره زیبا از نوع چسپک در گوش مجسمه يك زن خوابیده که از ستویه دهرم راجیکای تاکسیلا بدست آمده دیده میشود. در آن تزئینی نوع چسپکا بشکل صفحه مدور که از آن سه قطار

مهره آویخته شده ، بکــــــــــــــــاررفته است .
از حلقه ها ساده ترین آنهاسیم های مدور مسی است که در حصه
وسط ضخیم و انجام ها باریک اند . حلقه ها دارای دهانه باز جهت
داخل نمودن به سور خپای نرمه گوش میباشد .

زیورات گردن بند .

زیورات گردن بند جواهر سازی دوره کوشانی را نیز
میتوان تحت چندین دسته چون طوق ها ، گلو بند ها گردن بندها ،
گلو بند های متقا طوع غیره تقسیم بندی نمود . گردن بند ها نیز به
چند نوع میباشد . مانند گردن بند های مرکب از پارچه های فلز
گردن بند های دانه نشان و گردن بند های قطار های مهره ها ، همین
طور گلو بند ها از قطار های مهره و پارچه ها یا ورقه های فلز
میباشد . زیورات گردن که در مجسمه های نوع گند هارا بکار
رفته چندین نوع بوده و مشتمل بر طوقها ، گردن بند ها حمایل گردن و غیره
اند بعضی از آنها از ورقه های نازک فلز با طرح های تزئینی و یا
مرصع ساخته شده در حالیکه بعضی دیگر از ترکیب مهره ها و پارچه
های فلز ساخته شده اند .

در یک مجسمه بودیستوا که از شهر بهلول بدست آمده ، در آن
طوق از ورقه فلز پهن با طرح گلهادیده میشود ، برگهای گل بطوردانه
نشان مزین گردیده و یک گردن بند دراز که به طوق چسپنده پارچه
های حصه وسط آن بسیار پر کار تزئین شده است همچنان در آن
یک رشمه زیور مانند مرکب از سه قطار مروارید بطرف گردن و
حصه بالایی شانه راست بالارفته است .

علاوتاً یک تسمه متقا طوع بشکل یچناپاوینا که دارای چندین آویزه
بصورت طومارچه های طلسم اند نیز دیده میشود .

طوق دیگر مربوط به مجسمه اوالو کیتشورا (Avalokitesvara)
مکشو فته تخت بهایی است . این طوق طور یست که در کنار
های اطراف خود دانه های خورد شکل دانه نشان داشته و حمیل
دراز آن با قطار مروارید که در وسط دارای میله لوله یی و انجام آن

با دو پارچه گروهی شکل محافظافته ترکیب گردیده است. قطارهای سه لره مروارید از شاخچه بطرف بازوی راست مانند یجنا پاوتیا بشکل دایروی بالا رفته است. تسمه یا بند متقاطع آن عین نوعی است که در مجسمه بودیستوای شهر بهلول دیده میشود.

در مجسمه های زن نیز طوق ها و حمایل گردن بمشامده میرسد. در مجسمه طاق ستو پدهرم راجیکا گردن بند پهن مزین بایک حمیل دراز مرکب از دو قطار مهره که سینه ها را از هم جدا ساخته دیده میشود. همینطور در صفحه تمثیلی برای (Bride) به

سیدهار تا مکشوفه تخت بهایی زنی بمشاهده میرسد که گردن بند مدوری پوشیده و شباهت زیاد به طوق های مدور مکشوفه تا کسیلا دارد. در مجسمه هریتی مکشوفه سیکری طوقی دیده میشود که در آن طرح بریده خال خستی بکار رفته و یک حمیل دراز زنجیره فلزی قابل انحنای بادو پارچه تزئینی شده بدو جناح و یک آویزه بیضوی شکل در حوضه وسط آن قرار دارد. حالانکه مجسمه هریتی مکشوفه شهر بهلول دارای یک طوق از ورقه فلز پهن با طرح مختلف مستطیل شکل و یک حمیل دراز از سیم قابل انحنای بدون آویزه میباشد. همچنان در مجسمه هریتی مشکوفه تخت بهایی طوق مشابه از پارچه فلز پهن بایک حمیل دراز مزین بادانه های مروارید دیده میشود. اما مجسمه هریتی مکشوفه اسکاره دره دارای گردن بند پهن میباشد که در وسط آن طرح گل لو تس و درحواشی طرح گلهای دیگر کار شده است قسمت بالایی آن دارای حاشیه ای طرح مهره پی و قسمت پایینی دارای تزئینی مهره و پیچ که با دو خط مسطح محافظ گردیده، میباشد. حمیل دراز آن متشکل از سه قطار مروارید بشکل یک حلقه گل دیده میشود. در مورد صندوقچه های طلسم (طومارچه ها) میتوان گفت تقریباً به شکل گلوله که در حوضه وسط خود استوانه ای و به یک انجام شکل قبه مانند اند پارچه های زیادی وجود دارد اکثراً با اشکال ملیله کاری و تزئینات بسیار ظریف دیده میشود احتمالاً این طومارچه ها بشکل گردن بند

طلسم شبیه گردن بند یکه از بالای سینه مجسمه بودسیتوا که بقسم یچناباو تیا گذشته است استفا ده میگردید .

مهره های پراگنده گردن بندها متشکل از چندین نوع مواد و طرح میباشد مهره های فلزی از نوع طلا ، نقره ، مس و مفرغ و مهره های غیر فلزی از نوع سنگ های نیمه قیمتی چون عقیق ، لعل ، لاجورد عقیق رنگا رنگ ، بلور و غیره اند ، که بطور عموم به اشکال مختلف ، کروی ، پیازی ، خمره یی ، نیم خمره یی نیم کره یی ، بیضوی ، مخروطی ، مکعبی و شکلی حیوانی بطور میان خالی ساخته شده اند . اگر چه اشکال عمده آنها کروی ، مخروطی ، خمره یی و پهن میباشد ، در بین مهره های شکل حیوانی اکثر اشکال شیر دیده میشود و بعضی دیگر به اشکال قچ ، فیل ، لاک پشت و غیره ساخته شده اند علاوه تا مهره های شکل پرند ه گان نیز ساخته شده اند ، مانند کبوتر و مرغابی .

زیورات بند دست و بازو .

استعمال زیورات بند دست و بازو را بدوره کوشانی درهندو - ستان از روی مسکو کات راجوبولا (Rajubula) که در آن مجسمه گاجا لکشمی با پوشیدن دستبند و بازو بند نشاء داده شده است بوضاحت میتوان دید ، الهه شهر پوشکلاوتی که مسکوکات ازلیس گاندو فرس نقش گردیده . شاهر را با پوشیدن کره بند دست و بازو بند نشاء داده است . بنابراین چنین بنظر میرسد که پوشیدن کره به بند دست و بازو بین مردها و زنهار سوم و متداول بوده است .

در بین مجسمه ها ، یکی هم مجسمه بودیستوی ماتیر یا مکشوفه شهر بهلول میباشد که دارای بازو بند مقبول بشکل سپر بوده نگین های خورد و ریز به دوره آن نصب گردیده است بازو بند مذکور در وسط با طرح گل و حصه فوقانی آن بشکل چتیدارای یک خالیگا مستطیل شکل جهت نصب نگینه به همان شکل میباشد . این زیور توسط یک بند مزین به بازو بسته شده است .

بازو بند مشابهی در مجسمه دیگر مایتر یا مکشوفه شهر بهلول دیده میشود که تزئین آن کمی فرق دارد. درین مجسمه دو دانه کره مزین که بدست پوشیده بنظر میرسد بازو بند یکه در بازوی مجسمه بودای مکشوفه شهر بهلول دیده میشود نوع یا شکل آن اندکی فرق داشته و بند آن نیز دارای تزئین مختلف میباشد در بند دست آن دو دانه دستبند یا کره مزین بنظر میرسد. به این ترتیب میتوان گفت چندین نوع زیورات بازو بند دست را که آنوقت متداول بود دیده میتوانیم. زنها معمولاً بازو بند های تزئینی پرکار را نمی پوشیدند، ازین نوع بازو بند ها بیشتر مرد ها آنها را در بازوی راست خود بسته می نمودند پوشیدن کره های ساده و تابدار بین مرد ها و زنان معمول بود و اطفال نیز به بازو بند دست کره می پوشیدند. چنانچه در یک مجسمه طفل مکشوفه شهر بهلول دیده شده است.

انگشترها :

یکنوع انگشتر طلایی مکشوفه تاکیلا که دارای ساختار حلقه ساده از یک پارچه بوده به نظر ما شکل مورد استقاده قرار داشت. نوع دیگر انگشتر طلایی دارای جای نگین بشکل بیضوی هموار است که دارای جناح های پهن بوده و بطرف پائین عرض آن کم شده می رود گرچه بطور عموم در انگشتر مجسمه های کوشانی انگشتر دیده نمیشود، اما بعضی را عقیده بر آن است که انگشتر دارای جای نگین در بعضی مجسمه های این دوره هم مشاهده رسیده است.

تسمه های کمر و کمر بندها :

تسمه کمر و کمر بند در مجسمه های مکشوفه از ساحات مختلف امپراطوری کوشانی هم مشاهده می رسد. مجسمه زنیکه از سرکپ بدست آمده دارای کمر بند ساده از دو رشته بوده و در مجسمه دیگر این زیور متشکل از سه قطار مهره با یک پارچه مربع شکل که حصه وسط آن

باطرح گلبزرگ ها تزئین یسافته می باشد. در مجسمه زن درحالت خوابیده دستویه دهرم راجیکا کمر بنداز چهار تظار مهره های مدور که در حصه وسط آن گیره مستطیل شکل قرار دارد ترکیب یافته است، عموماً در مجسمه های مرد همگی تراشی گند هارا پوشیدن کمر بند هیچ دیده نمیشود، شاید ناشی از تأثیرات آرامل خار جی باشد. در بین زیورات نوع کمر بند ها که توسط مارشال تشریح گردیده یکی هم شکل زنجیر مانند است که پارچه های آن شکل مرتبه دار مر لان یاشر نه بوده متناوب با باهمدیگر به عقب رفته محکم گردیده اند. زنجیر دیگر از پارچه های هلال شکل دو لاساخته شده و یک زنجیر هم از پارچه های شکل سو سن یا زنبق ترکیب یافته است همچنان یک زیور با پارچه های شکل ماهی و گیره های برونزی از تاکیلا بدست آمده که بیشتر به اجزای متشکله کمر بند می ماند تا اجزای چیز دیگر.

زیورات پا :

در مجسمه های مربوط به مجسمه سازی گند هارا و متهورا به زیورات پا نیز بر میخوریم. در مجسمه زن از سنگ شیبست مکشوفه سر کپ، زن بحالت پوشیدن پازیب تزئین شده است. پازیب های ساده در بچک های پای یک زن در صفحه مکشوفه سوات که در آن حالت شستشوی کود کی بودا ترسیم شده دیده میشود. مجسمه هریتی مکشوفه تخت بهایی با پوشیدن پازیب هایی که دارای دهنه باز شکل گیره (چنگک) میباشد، تزئین گردیده است در پا های مجسمه بودیستوا مکشوفه تخت بهایی حلقه ها بشکل پازیب متشکل از مهره های فاصله دار دیده میشود که انجام های آن بشکل مستطیل تزئین یافته اند. به این ترتیب میتوان گفت زنها عموماً پازیب می پوشیدند و مردها بعضی اوقات پای بند ها را جهت نگهداری کفش های پا استعمال می نمودند.

در دوره کوشانی مسکوکات، مهرها و جواهر حکاکی شده به تعداد زیادی ساخته شده است. زیورات روی مجسمه ها، مهرها

وجواهرات از نتایج بخش فوق به صورت عمومی میباشد. یک قسمت جواهر تزئینی به اشکال جعبه های جواهر، ظروف و غیره اشیای قیمتی قابل استفاده بود. اینها بعضاً با سنگ های قیمتی مرصع و تزئین شده اند یک جام نقره بی دارای رسم منظره درامه ایر پیوس که در برلین قدیم گذاشته شده در آن بعضی مجسمه ها با بعضی زیورات تزئین یافته اند.

ظرف دیگری در کلکسیون گیورکاین نیویارک میباشد. این دو ظرف از دلو زرین نپه بدست آمده اند.

مهرها از فلز نجیبه صرف برای انگشترهای مهر پادشاهان و ملکه ها بکار میرفت مهرهای رسمی در پلاسمس برنج و حتی مواد ارزان قیمت کهنه میشد. مهرهای بسیار عام مهرهای سنگی بود. مهرهای حکاکی شده بسیار کم رواج داشت و شاید بقسم تورید آمده باشد روش حکاکی بدوره ساکا-کوشانی در افغانستان و پنجاب متداول یافته نمونه های بهتر آن از تاکسیلاو مناطق مختلف شمال غرب هندوستان یافت شده است. در بین صندوق های اشیای متبرکه یافت شده از سادات مختلف بودایی امپراطوری کوشانی که دارای جواهر و اشکال مختلفه اند. جعبه تبرکات مکشوفه بسماران افغانستان از طلای یا قوت نشان ارتباط به شیوه شمال غرب هند داشته و با نمود طلا قنما های دارای مجسمه های اشخاص برجسته مختلف که یکی از آنها بودا میباشد تزئین گردیده است این آثار و دیگر مواد نوع کاربرد شیوه های تخنیک را در تغییر دادن شکل طلا با ضرب چکش سوراخ نمودن و حکاکی به اسلوب های خاتم کاری، برجسته کاری، دانه ریز و هلیله کاری نشان میدهد.

فن و صنعت :

دو عنصر اصلی که زیور از آن ساخته میشود ورقه فلز و سیم بود. هر یک از چندین بخش جداگانه ساخته شده و توسط لحیم بهم وصل و بعد با در نظر داشت شیوه های مختلف تزئین میگردد. ((فلز ورقه)) یک اصطلاح صنعتی است. اشاره به ورقه فلزی

میشود که توسط ضرب چکش پهن و نازک شده باشد. چون طلا فلز نرم است اگر سرد هم باشد به آسانی میتوانند چکش بخورد و حتی اگر درز یا شکسته باشد به حرارت کم میتوانند بهم وصل شود. سیم عنصر اصلی دوم بود که در زیور سازی بکار میرفت، سیم از تارهای بسیار باریک فلز متورق که با کوشش زیاد بشکل حلقه های مطول در آمده ساخته میشود. سیم بمقا صد زیادی استقا ده میگردد از آن بمنظور تزئین مليله کاری (جالی بافت) استقا ده میشد اما در ساختن زنجیر ها برای گردن بند بسیار کم استقا ده شده است.

در بین کارهای تزئیناتی زیورات آنها نیکه به ورقه طلا تاپه یا مهر شده مثل حکاکی پشت صفحه و آنها نیکه روی ورقه طلا علاوه شده مثل حکاکی مليله کاری یادانه سازی فرق موجود است. نمونه بسیار عام نوع اول که از ازمینه قدیم به این طرف رایج است صنعت برجسته کاری است. درین نوع تزئین عمل چکش زدن و کوبیدن در ورقه فلزها از طرف عقب صورت گرفته و بعد با ابزار قلم زنی بروی صفحه نقش تکمیل میگردد. از اینکها گاهی به تزئین مشا به چند بارچه ضرورت احساس میشد این شیوه چندان عملی نبود بنا برای این مقصد از روش بهم پیوسته که بنا م تاپه زنی یاد میشود استفاده گردیده تزئین تهیه شده این روش در حقیقت مشا به با تزئین شیوه قبلی است و قالبی که از آن تهیه میگردد به آسانی میتوانست برای گرفتن کاپی های متعدد بکار رود. این شیوه برای مهرکنی کار را بسیار سهل ساخته و بدون اشکال میتوانستند مهر ارا بروی ماده سخت مثل برونز بسازند بعد از آن میتوان کارهای گوناگونی را که با کاربرد عناصر تزئینی روی یکپارچه ورقه طلا صورت گرفته ملاحظه نمائیم که بطور عمومی در آن چهار نوع صنعت بکار رفته مهنا کاری، مليله کاری دانه ریزودانه نشان.

در بسیاری حالات از ترکیب این شیوه های گوناگون نمونه های بسیار پیچیده یی ایجا دگر دیده است .

مینا کاری و ملیله کاری صنایع مشابه اند برای تزئین مینا تور طرح مطلوب بسیار خفیف در پشت صفحه نقر شده بعد قسمت های عمده طرح با باریکه های طلا بروی سطح لحیم میگردند . به این ترتیب اکثر خانه بندی های مینا تور نامیده شده از چندین نوع و اندازه تشکیل و با چسب خمیره ما نند پر گردیده . جای تزئین نصب سنگ های نیمه قیمتی یا شیشه رامی سازنده از بهترین کار این بخش پارچه های سنگ یا شیشه های همسان ساخته شده یی اند که کاملاً به اندازه خانه بندی مینا تور ساخته شده و بواسطه ورقه یا تکه باریک طلا در جایش نصب و محکم گردیده اند .

در ملیله کاری سیم ها به شکل عناصر تزئینی روی یک پارچه فلز ورقه لحیم شده اند .

دانه ریز کار برد دانه های بسیار کوچک طلا مستقیماً روی ورقه فلز که با مهارت بجای معین لحیم گردیده است . طرح های ساده آن بادست و طرح های پیچیده آن با اسلوب های خاص کار برد وسایل ساخته میشود . این طرح ر و ی صفحه سنگ یا فلز حک گردیده روی آن دانه های خورد به یک شکل ریخت میگردد . بعد بوسیله یک حلقه کوچک که در یک انجام دارای پوش یا پیروس یا چرم چسپیدار است از صفحه برداشته میشود . مرحله دیگر شیوه کار برد استعمال مخلوط در عمل لحیم کاری و گذاشتن قالب روی ورقه فلز است .

بعد از برداشتن پوش یا پیروس پارچه جهت لحیم کاری آماده شده و تا اندازه یی این روش نسبتاً پیچیده میباشد . اما استفاده از این روش بخاطر یی حایز اهمیت است که قالب روی صفحه را میتوان گهگاه دو باره مطابق میل بکار برد .

روش مرصع کاری نصب و جایجا کردن سنگ های رنگین یا شیشه ها در یک زمینه حجره مانند میباشد که توسط پارچه های سیم قطعات باریک یک پارچه و یا قطار دانه ها به اتمام رسیده اند . مرحله آخری در

تهیه زیور سازی یکجا نمودن تمام عناصر بهمد یگر توسط لحیم کار-
یست . این عمل عبارت از یکجا نمودن دو پارچه فلز یکنوع توسط
کاربرد فلز غش دار (لحیم) است که دارای درجه ذوبان کمتر نسبت
به فلز میباشد .

این اسلوب ها بدوره کوشانی ها شناخته شده بود . مثلا لها و
نمونه های زیادی مویید این حقیقت است . نمونه های بسیار بارز شکل
دانه ریز آن که از تاکسیلا یا فت شده مسمی به دانه نشان دایروی
بوده و تمام سطح را دانه های ریز پوشا نیده است . از نمونه های
بهترین آن گوشواره ها و گلو بند های ساخته شده ایست که قبلا
بدان اشاره گردید . که در آنها دانه ها قسمت های برای مدگی
(برجستگی) آویز یا زیور را بطور نفیس پوشا نیده است .

روش تزئین در زیورات طلا و نقره را که هنر مندانشان دو
ساکا - کوشانی از مردم یونان و روم آموخته بودند روش ملیله
کاری بود . این روش با لحیم کاری سیم ظریف در سطح فلز صورت
میگیرد . سیم چه ساده باشد یا تابدار میتواند به شکل زنجیر
یا مهره در آید .

مثالها این نوع که از تاکسیلا یافت شده قبلا ذکر گردید .

از آنچه موادیکه میسر است میتوان گفت نمود های جدید زیورات
مثل اشکال برگ اکانتوس پنجه پی پیچک ، خیزا سبی ، گل نسترن ،
طوماری ، طرح خط خطی راه راه مسلسل ، بعضی حیوانات افسانه
یی و مجسمه ها در هنر هندی به دوره ساکا - کوشانی راه یافته
بود . همچنان چندین روش جدید ساختن زیورات را می یابیم
که شاید تا شناخته بود و یا پیش از آمدن ساکا - کوشانی ها در هند
بسیار معروف نبودند .

بطور مثال : کار دانه ریز یا ساختن زنجیر های باارک طلا یا
نقره یا کار لحیم کاری یا ملیله کاری ظریف یا ساختن لو له های
کوچک به انجام سیم جهت آویختن مهره ها یا حکاکی نفیس روی سنگ
و احجار کریمه یا برجسته کاری و قالب گیری پارچه های زیورات یا

کار تزئین پشت صفحه یا مهره‌های حک شده و غیره را میتوان یاد آور شد. در این جای شك نیست که بعضی نمودها و شیوه‌های ساخت توسط کوشانی‌ها بتدریج در مرکز هندوستان راه یافته و در هنر بعدی جواهرسازی هندبه تحلیل رفته است. چنانچه این حقیقت از زیورا تیکه روی مجسمه‌های متهورا بنظر میرسد. روشن میگردد. این مجسمه‌ها مربوط به زمان جلوسشان کوشانی در شمال هندو ساکاشتراپا در غرب هند بود که طرح‌های غیر هندی در زیورات به تدریج راه خود را به قلب مملکت باز نمود.

ABBREVIATIONS:

- ASIAR: Archaeological Survey of India, Annual Report.
 BAG: J. Marshall, the Buddhist Art of Gandhara, (1960).
 CHI: E. J. Rapson (ed.), the Cambridge History of India, Vol. 1, (1922).
 DAK: J. M. Rosenfield, the dynastic Art of the Kushanas, (1967).
 HJ: J. Anderson Black, A History of Jewels, (1974).
 KCLFR: B. N. Mukherjee, Kushana Coins of the Land of the five Rivers, (1978).
 L: G. A. Pugachenkova, Les Tressors de Dalverzine Tepe, (1978).
 MS: G. N. Mukherjee, Mathura and its Society, (1981).
 Ocherkee: Ocherkee Iskustva Srednei Azii, (1982).
 T: J. Marshall, Taxila (in three volumes), (1951).

مولف : دکتور گلوش فیشر
برگردان از غلام رحمن امیری

اسپ سواری در پرتو کشفیات جدید هیگل تراشی کوشانیها

اسپ در آسیای مرکزی نیز دمردمان کوچی و زارع عامل مهم اقتصادی و همچنان سمبول شان و شوکت بوده است. در ادبیات و هنر افسانوی هند از سرودهای ویدی تا زندگی در باری مفلول این حیوان معروف جلال و حشمت شاهانه شناخته شده است. در فرهنگ مسلط عصر کوشانیان هنر مندان گندهارا در اراکنتکا (Kartika) (نریان شهزاده، سیدهارتا، بودیستوا) عقاید موروثی شمال غرب هند را با مفاهیم کریگوروم ترکیب و مروج نموده اند.

درین اواخر دانش ما از هیگل تراشی گندهارا از طریق برخی نشرات و مجموعه های آثار هنری که از دیر زمان در موزیم ها انبار شده و از روی کاوشهای که در زمینه بعمل آمده غنی تر گردیده است، درین مقاله مادر مورد بعضی نقش های برجسته و تصاویری سخن خواهیم گفت که تا حال کاملاً به شناخت نیامده است و بیشتر این نقش ها علاقه خاص هنر مندان این عصر را به ترسیم اسپ نشان میدهد.

شهزاده سیدار تا قبل از ازدواج در جریان مسابقات ورزشی، مثال تیراندازی و غیره مهارت جسمانی خود را که بشکست

رقیبا نش می انجامید نشان میدهد چنانکه روی اکثر ابدات مذهبی گند هارا سیدارتا در حال تیراندازی بهدش بصورت استاده روی زمین تمثیل گردیده است و در متون مذهبی و تاریخی را جمع بوضوح شهزاده سیدارتا بحیث تیر انداز به تفصیل صحبت نشده است. ولی هیکل تراشی گند هارا با در نظر داشت منازعه افسانوی او این شهزاده را بالای اسب در حالی که با کمانش هدف را نشانه میگردد ارائه نموده است این پارچه مربوط گمیت وادی سوات بوده و فعلا در موزیم وکتور یا البرت لندن حفظ میشود به گونه موقت نمیدانم که کدام روایتی کتبی یا تجسمی از بودیستوا در حال تیر اندازی بصورت نشسته برزین اسپش (کنتکا) وجود دارد و اینکه این اثر مربوط ذهن فردی هنرمندی از گند هارا بوده است. متکی باین امر که در مراحل گذشته هنری هند چنین فرآورده های هنری بسیار زیاد و بدون تذکر نام هنرمند آن صورت میگرفت و صاحبان تولید بیشتر از همه توجه باین داشته اند که هنر پیشه از موضوعات و پیکر های مذهبی نسخه های فراوان تولید نمایند ولی این واقعیت امکان آنرا از بین نمیبرد که عده از هیکل تراشان این عصر مفاهیم و ذهن و علاقه شخصی خود را در این نمونه ها بجا بگذارند. هنرمند گمیت در ایجاد هیکل شهزاده در حال تیر اندازی از بالای اسپش ممکن از مشاهدده بازی شبیه آن از محیط همجواری خود الهام گرفته باشند در عین زمان از معیار های سبک قدیمی عنعنوی شرق و غرب درین نمود ها استفاده نموده است.

هیکل تراش گند هارا در تراش سیدارتا بصورت یک تیر انداز بالای اسب غالباً افسانه های مهارت جوانی شهزاده را در اسب سواری و فیل سواری بخاطر آورده است. چنانچه نقاشی های بعدی نمونهای از رام کردن فیل را توسط بودیستوا در دوره طفولیش از طریق سوار شدن در گردن آن به شناخت میاورد. در نقش برجسته دیگر گندهارا که از کندهار واقع باختر شمال افغانستان بدست آمده بودیستوا بر اسب سوار از خانه بطرف مکتب به مشاهدده میرسد

همچنان در طرح و نقش دیگر صحنه برخورد بودا را با پیری و کهولت توضیح میکنند و مر بو طبمکتب هنری آسیائی میباشد تأثیر سپورت مین های گند هارا ملاحظه میشود.

نقش دیگر از حفريات سوات چنین میرساند که هنرمندی از گند هارا در تمثیل شکل ابتدائی بودیستوا بالای اسب بار دیگر ابتکار شخصی خود را بکار برده است به نظر من این یگانه نمونه است که مفهوم (Lalitavistara) در آن توضیح گردیده است.

صحنه های مواجه شدن شهزاده سید هارتا با چهار پدیده پیری، مرضی، مرگ و راهبی در هند قدیم و گند هارا زیاد تمثیل شده است و لی معمولاً این صحنه ها یک نوع ترسیم شده و شهزاده را سوار بر کنتکا و یا در حال سفر در گادی که توسط اسب ها کشیده میشود و پی در پی یک انسان معمر، مرضی، یک نعش و یک راهب را ملاقات میکند نشان میدهد. بر علاوه از کندز (شمال افغانستان) پارچه بدست آمده که دو مضمون سه بعدی منحصر به فرد را نشان میدهد در یکی آن ها شهزاده سوار بر گادی خویش که با دو اسب کشیده میشود و در دیگری که توسط یک راهباز دومی جدا میگردد نشان یک مرد مرضی، معمر و نعش بگونه سمبول تجسم یافته است. ارائه این اشکال صحنه های مشخص تاریخی و دینی دنیای مدیترانه را بخاطر زنده میکند. در این صحنه دو اسب از پرو فیل بمشا هده میرسد و اسپی که بطرف راست قرار دارد سر خود را به طرف اسب دومی دور داده و مشرف بر یک حصه زیاد این صحنه میباشد.

دریک لوح دیگر بودا بصورت برجسته بشکل یک سوار کار بر پشت اسب دیده میشود از برجسته گی تصویر چنین بر می آید که در اندیشه هیکل تراش تمامیل زیاد ی به تمثیل بودا بالای حیوان وجود داشته است. روایتی Mahavata (۱) باین مضمون

وجود دارد که بودا برای هفت هفته در بیشه زیر درخت (Kanthaka) روزه گرفت. درین وقت اتفاقاً دو سوداگر از قریه اوکالا (Ukala)

بنامهای تره پوشا (Trapusha) و بهلیکا (Bhallika) با قافله بزرگ تجار تی از سمت جنوب میامند و اکنون سوداگران که توسط دو نر گاو کشیده میشود در جلو کاروان قرار داشت. تصادفاً تولد یکی از این گاوها بر برج فلکی سو جیته (Suiata) از دیگرش به صورت فلکی کرتیکه (Kishirika) اتفاق افتاده بود بنا بر این یکی بنام سو جیته و دیگرش بنام کرتیکه یاد میشود. در جریان سفر جا ئیکه کدام خطری از قبیل حمله شیر، پلنگ، ببر، گرگ، فیل، رهن و یا طغیان دریا و غیره کاروان را تهدید میکرد نر گاوها توقف نمود و جلوتر با نسو نمیرفتند با این ترتیب سوداگران میدادستند که خطری هست و به جستجوی آن بر میخاستند.

درین سفرهم در عرض راه سو جیته و کرتیکه به پیشه ای رسیدند که توسط قوه سحرآمیز اقارب تره پوشا و بهلیکا که به خدا یان تبدیل شده بود متوقف گردیدند. وقتی آنها توقف کردند، همه افراد کاروان ترسیده و آماده جنگ شدند. ولی خدایان (Devas)

به سخن آمدند و گفتند سوداگران نه ترسید هیچ خطری شما را تهدید نمیکند، بودای عالیرتبه اینجا در جنگل ساکن شده و برای هفت هفته روزه گرفته است، او ضرورت بکام غذائی دارد و از کمک شما در زمینه قهردانی بعمل خواهد آمد.

باشنیدن این کلمات تره پوشا و بهلیکا برای رفع خستگی و سد جوع بودا غسل مخلوط با روغن آوردند و ایشان توسط خدا یان بحضور عالیرتبه متعال معرفی شدند. در لوحه سنگی مشهور تخت بهایی که فعلاً در موزیم پشاور موجود است گادی تره پوشا و بهلیکا در حال توقف دیده میشوند. این لوحه بطور روشن عنعنه دوره کوچگیری سا سانیان را در آسیای میانه که نر گاوها گادی را میکشیدند توضیح میدهد.

لوحه دیگری درین اواخر از حفریات چتپات سوات بدست آمده که منظر جالب توجه کاروان تجار تی را نشان میدهد در منظره گادی با گاو هادر حال توقف به ملاحظه میرسند نر گاوهای کوهاندار که

یوغ در شانه شان گذاشته شده بایک انسا ن تنو مند که میگو شد پای نر گاه را بزمین نهد در یسن منظره جلب توجه میکند ، گادی را ن دستار بسر دارد و به تعجب جانب انسا نیکه طرف اومی آید می نگرد در مقابلهش شخص دیگری بر اسپ سوار دیده میشود که سر خود را جانب منظره عقبش دور داده و میگو شد اسپش را متوقف سازد . رهبران کاروان که نر گاوها را متوقف می بینند قاصدی بهر طرف برای جستجو می فرستند این صحنه غالباً به حکایت افسانوی (Avalokitesvara) ارتباط خواهد داشت .

هیكل تراشان گند هارا داستان انتقال بقایای (خاکستر) بودا را با اشكال هنری خویش بصورت متداوم روایات قدیمه هند زنده نگه کرده اند بر حسب این شیوه هنری اشکال اصلی و مهم در یک صحنه چندین بار تکرار میگردد . همچنان حوادث زندگی و مرگ بودا را بر دیوارهای ستوپه معمولاً طوری نقش میکردند که عبادت کنندگان حین طواف بدور ستوپه در صورتیکه دست راست خود را جانب ستوپه قرار میدهند در ختم طواف همه نقوش از نظر عابد گذشته خواهد بود . در اکثر این نمودها انتقال بقایای (خاکستر) بودا بر اسپها ، فیلها و یا اشترها که از راست بچپ با قدمهای موزون برافزاده و از نیمرخ نمایش داده شده تمثیل گردیده است چنان است طرز العمل نمایش مرگ بودا ، انتقال بقایای او و طواف ستوپه که حسب معمول بمشاهد میسرند . ولی اخیراً با اثر سروی و حفاریات اینالویها در سوات دو نوع جدید نمودهای گریگو - رومن در ارتباط با انتقال بقایای بودا کشف گردیده که در نتیجه آن گنجینه معلومات ما راجع به پیکرنگاری وسعت بیشتر یافته است :

۱ - یکی از این نمودها گادی را که توسط اسپها کشیده میشود نشان میدهد و همچنان در آن اشخاص عالی رتبه در حال که جعبه های تبرکات را بدست دارند دیده میشوند . این نمود مطابق عنعنه و رسم شرقی در حال حرکت از راست به چپ بطرز نیمرخ تمثیل نگردیده بلکه از مقابل نشان داده شده است (این طرز نمایش

اکثر اوقات در گادی های چار عراده ئی **guadriga** خاص دنیای مدیترانه بکار برده شده است (در طرح این صحنه غالباً از روشهای بعدی گریکو - رومن الهام گرفته شده است). این گادی تو سطح چهار اسپ گشیده میشود را نندگان و سر نشینان آن رزو برو ارائه شده است. اسپ ها چار نعل گام بر میدارند و به حالات مختلف قرار دارند جور ه اسپ ها سمت چپ بطرف جور ه اسپهای جانبی راست می بیند، که معمولاً در چنین حالات دو حیوان درونی گادی چار عراده ئی بیکدیگر می نگرند. در مجموع گادی با دریوران، اشخاص واسپ های آن از مقابل نشان داده شده است.

۲- موضوع دیگر که ضمن سروی مشاهد شده است عبارت است از یک پارچه در موزیم محلی سیدو شریف که تاکنون بی نظیر بوده و خیلی جالب توجه میباشد، درین پارچه از راست بچپ یک ستون پایه - دسودو - کورنتین در حاشیه و سه نفر بر اسپها سوار بمشا هده میرسند در دستهای چپ این سه نفر جعبه تبر کات و بدست های راست شان (**Bridking**)

قرار گرفته است. پاهای چپ پیشروی اسپ های شان با لایوده و از راست به چپ جانوران او از رو برو ترسیم گردیده و سر های خود را بطرف راست دو ردا ده اند حیوان ۳ از نیمرخ نشان داده شده است که سر خود را به طرف چپ دور داده و بعقب نگاه میکند باینصورت با اسپ رو برو قرار گرفته است. در صحنه عقبی در بین پوز اسپ دوم و آرنج سوار کار علائم خفیف یک انسان که جعبه تبر کات را نقل میدهد به مشاهد میرسند.

بر اساس ویژه گی های ظاهری این پارچه میتوان آنرا با گادی چهار عراده ئی (**guadriga**) مربوط بدنیای مدیترانه که تازه مطالعه گردیده بخصوص بانگادی چار عراده ئی که انتیک و باستانی قلمداد شده مقایسه کرد. درین گادی دو اسپ داخل رو بروی هم دیگر قرار گرفته اند و اسپ طرف راست به نقطه نامعلوم

نگاه میکند . همچنان مقایسه این پارچه با گادیهای چارعراده‌ئی که پیشروی عرا ده جنگی قرار گرفته اند و در آنها چارپایان بصورت نیمرخ ارائه گردیده و سرهای خود را بطرف یکدیگر دور داده اند صورت گرفته میتواند از موضوعات فوق چنین قیاس شده میتواند که :

الف : بطرف چپ این گر و پ شبیه باینها سوار کار چارم تراش شده بوده که اسپش غالباً بطرف خارج می نگریست .

ب : هنرمند بارائه تصاویر گادیهای چار عرا ده ئی گریگو - رومن وارد بود .

ج : مالک و رکشاپ یا هیکل تراش خودش در انتقال بقایای بودا سوار کاران بطرح گادی های چار عرا ده ئی مدیترانه علاقه داشته و صنعت گران غالباً از مراکز هنری هم جوار در تمثیل این داستان الهام گرفته اند.

در نتیجه باید گفت که موجودیت و استعمال زین ، افسار ، قبضه ، رکاب و دیگر تزئینات مربوط به اسپ از طریق کاوشهای تاریخی در آسیای مرکزی جلوتر از هزاره اول ثابت گردیده و تا عصر کنونی شهرت خود را حفظ کرده است . پراچ اسپ و بخصوص سیمای اسپ افغانو بازی بزرگشی آنرا بحیث جزئی از کلتور ترك - ازبك مکتب هنری گندهارا ریکارد کرده است . بنا بر این ما باور مندیم که در اشکال ولو چه های گندهارا انسا نهایی سوار بر اسپ و قمچین در دست شباهت به بزرگش های دارد که اکنون در جریان بزرگشی درین سر زمین دیده میشوند .

نگاهی بر تمدن و فرهنگ کوشانی

تمدن کوشانی بیش از یک قرن نمی شود ، که در آسیای مرکزی نقطه عطفی برای دانشمندان و پژوهشگران تاریخی شده است و همه این دلپیستانان عناصر تاریخی گذشته برای این اصل یکجا عقیده مند اند که نقاط مبهم و روشن نشده ، با وجود تلاشهای زیادی که گردیده ، هنوز هم در زمینه تمدن و فرهنگ کوشانی وجود دارد ، که با یاد کلید های رمز آن با تحقیقات و کاوش های باستان شناسی و گرد همایی های علمی بدست آید .

دانشمندان گوناگون از نقاط مختلف جهان و به ویژه کشورهای منطقه به شمول کشورهای دوست اتحاد شوروی بنیاد فکری و تبعات خویش را بیشتر بر منابع چینی ، هندی ، هلنی و یونان باستان متوجه دانسته و از روی شواهدی که شناسایی ، گنجه شناسی ، باز یافت های هنری و عناصر کرونولوژیک حقایق را بدست آورده اند . که این حقایق می تواند دستاویزی برای آینده گردد ، تا هاله شک و تردید از این تمدن وسیع و کهن دور شود .

حکمرانان کوشانی در حدود قرن های اول تا چهارم بعد از میلاد سرزمین های چون پاکستان شرقی هند شمالی ، ایران شرقی و افغانستان را تحت سلطه خویش داشته و از بحیره ارال تا بحر هند وسعت خاک شان پهن گردیده است .

با یاد گفت که این تمدن عظیم در سیر حوادث تاریخی آسیای مرکزی نقشی تعیین کننده داشته و از خود نقش های برجسته در شیارهای

زمان کهن بجا گذاشته است یکی از آن نگا می توان تذکر داد آنست که در حدود این فرهنگ گسترده اختلاط و نزدیکی نژاد ها و مذا هب گوناگون به چشم خورد و این می رساند که شاهان کوشانی از انعطاف پذیری خاص برخوردار بوده اند و در قلمرو خویش زمینه پویندگی نژاد ها و ادیان زیادی را مجال داده اند و بیش از پیش باعث رشد فرهنگ و هنری پر غنا شده اند .

از همان آوان نخستین که کوشانی ها در مناطق شمال باختر قد علم کردند و توانستند بر رشد کمی و کیفی خویش دست یازند ، با امپراتوری های همسایه روابطی وسیع را برقرار نمودند و پیوند تجاری ، سیاسی ، اجتماعی را به وجود آوردند .

ناگفته نباید گذاشت که کوشانی ها با ایجاد تمدن نی شکوهمند ، در جوار تمدن های عظیم دیگری چون چین و پارت بسر می بردند ، که این تمدن ها تاثیرات بارز فرهنگی و ابعاد دیگر خود را بر این تمدن باختر نیز به جای گذاشته اند . همچنان تمدن کوشانی حلقه و صلی بین روم ، پارت و چین بوده ، که این هر چهار روزه فرهنگی سرزمین های چون جزایر انگلیس تا سواحل بحر آرام را زیر پوشش خود داشته و اندیشه های مردم این حدود را به هم گره می زده اند .

البته مهمترین مسأله پیوستگی بین این تمدن ها نخستین شاهراه معروف جهان نبوده که بنام راه ابریشم یاد می گردید و این راه که در مسیر خود سرزمین های کوشانی پاوت را در می نوردید ، چین را به مدیترانه وصل می کرد و باعث اختلاط و نزدیکی تمدن های چهارگانه و هم عصر بیک دیگر می گردید .

در قبال این مسیر تجاری ، راه زمینی دیگری نیز وجود داشت ، که از استپ های آسیای مرکزی گذشته و امپراتوری کوشانی را به شرق اروپا و شهر های باستانی سواحل شمال بحیره سیاه پیوند میدهد . البته در دوران کنونی به اثر مطالعات و تحقیقات باستانشناسی که صورت گرفت سکه های از دودمان کوشانی در کیف حبشه

واسکا ند نیای بدست آمده، که این مناطق در آن آوان تحت سلطه روم بوده اند و بر عکس سکه های از امپراتوران رومی چون اگوستوس و تبریوس در مناطق از هند دستیا ب گردیده که این همه پیوند تجاری این مناطق و فرهنگها را به هم می رساند .

همچنان در همین ردیف يك تعداد سکه های کوشانی که از منطقه کاما جنوب شرق ارال کشف شده و کاسه نقره یی که از خوارزم پیدا گردیده ، نمایانگر ارتباطی است که بین امپراتوران کوشانی و شرق ارال وجود داشته است .

به همین و تیره پیدا یس يك تعداد ظروف کلالی که از دوشنبه پایتخت تاجکستان اتحاد شوروی بدست آمده و تصویر دیونیزوس بر روی آنها نقش شده و عاجهای معروف هندی که از پومی حاصل کشفیات است و همچنان ظروف چای نوشی روم که از کاخ بسا شکوه کوشانی در بگرام باز یافت گردیده ، نمایانگر خصوصیات ویژه این تفاهم تمدن های گوناگون در آن زمان است . که کوشانی ها به حیث نقطه مرکز حلقه پیوست این فرهنگ های مختلف قرار گرفته اند .

در امپراتوری روم تصویر شخصیت رومانی میترا همچون مساله جات و ابریشم شرق که به وفرت دیده می شد ، دست به دست می گشت و بر عکس نمونه های از هنر روم در قفقاز ، هندوستان آسیای مرکزی و هند و چین پیدا می شد و از نگاه ارتباط سیاسی سفرای از دربار امپراتور کوشانی در محفل مجلل شرکت نمودند که از طرف ((تراجان)) امپراتوری روم پیش از پیروزی معروفش بر قبایل ((داشتین)) در اواخر سده اول میلادی بر پا گردیده بود .

نکته یی که در این جا قابل یادآوری می نماید ، اینست که شاهان کوشانی و سلسله حکمفرماییشان که معرف و حمایت گر پیوندهای متنوع شرق و غرب گردیده بود و از نقاط مختلف جهان هنرمندان و پیرایشگران و معماران و پیکرتراشان و رامشگران و اهل فنون بدور خود جمع آورده بودند باعث آن شدند

که نظر به خصوصیات اجتماعی و محلی منطقه فرهنگی و ویژه کوشانی را بوجود آورند، که نمایشگر حیطه وسیع هنر این سا مان در آن عصر پر شکوه گردد. و همین مسأله است که نقاط نظر محقیقین و کوشان شناسان را به خود معطوف داشته و در پی آن اند تاهنر ویژه کوشانی را بشناسند و از روی این کلید معرفت کوشانی به پروبلم ها و نکات روشن نشده و به خصوص معضله کرو نولوژی عصر کوشانی دست یازند.

طوریکه پیشتر گفته آمده از آن هنگامیکه پژوهندگان ابعاد کوشان هنر و فرهنگ کوشانی بای درین راه گذاشته اند، فقط یک قرن پیش نمی گذرد و درین مدت کوتاه البته نقاط قابل ملاحظه پی روشن گردیده و دریافت های تازه بی درین مسیر هویدا گردیده است که این به ذات خود بر علاقمندی همگان افزوده و موضوع قابل جستجو را دلچسپ تر ساخته است.

از آن زمان، یعنی از حدود میلاد مسیح که کوشانی ها بشکل ابتدایی و قبیلوی خویش زیر نام یوچی ها به باختر آمدند و قبیله کیوشانک بر چهار قبیله دیگر پیروز آمد و کیو تسکیو یا کجولا کد فیزس نخستین شاه کوشانی قدرت را بدست گرفت تا آخرین شاه شان ((واسو دیوای دوم)) تقریباً پنج قرن را حکمران این سلاله دربر گرفت شروع قدرت کوشانی ها با سقوط دولت یونان و باختری با آخرین پادشاه آن ها هرمایوس مصاف بود و دوام نفوذ تمدن این دوره با شکوه تا به قدرت رسیدن یفتلی ها هون های سفید یعنی اوایل قرن پنجم میلادی دوام کرده و از خود در شیارهای زمان جای پای را گذاشته اند که در زمان مابس جالب و قابل توجه مینماید. نخستین اقدامات و مهاجرت ها و جاگزینی کوشانی ها بنا بر یوچی بسی تاریک و مبهم می نماید. همچنان مسیری را که این قبیله همپا با دیگر قبایل کوچی از زیر نام های مختلف از کا شجر چین تا سنکیانگ امروز طی نموده اند. زیاد نا شناخته مانده است و لی

آنچه تا حدودی محقق می نماید آنست که این طایفه نخست در سر راه خویش شمال در یای اکسوسامو را در نور دیده و در حدود سال های میلادی یا پیش از آن به جنوب دریای مذکور یعنی باختر شمال افغانستان پائین آمده اند.

نخستین شاه سلسله کوشانی کجولالد فیزس بعد از آنکه به قدرت رسید و هر مایوس را مطیع خویش نمود، با صلاحیت تمام و با درایت کامل دست به استحکام و توسعه قدرت خویش و حدود نفوذ خود را تا سفید یانه که مرکز آن سمرقند بود، و سعت داد و ارتبای را بین حکومت خویش و حکمروایی سفید یانه به وجود آورد. و در جنوب نیز تا دره کابل و کشمیر در هند پیشروی کرد. بعضی را عقیده بر این است که هر مایوس کدام شاه مستغلی نبوده بلکه یک حکمران محلی تحت حکمروایی کجولالد فیزس بوده که در زمان نخستین شاه کوشانی با وی همکاری نزدیکی داشته است.

دو مین کسی که بعد از کجولالد فیزس در دوران کوشانی به قدرت رسید و یما که فیزس بود. این شاه نیز مانند سلف خود دست به توسعه نفوذ و حدود کشور خود زد و متوجه جنوب گردید و با گوشه های زیاد خود به طرف جنوب و جنوب شرق پیشروی کرد و توانست افق فرهنگی کشورش را در بنارس امتداد دهد. در زمان این شاه ارتبای بین این امپراتوری و خوارزم پیدا بود و همچنان پیوندی را با چین که در آن آوان قدرت بزرگی نیز بود به وجود آورد.

کنیشکای بزرگ شاهی مقتدر و با نفوذ در سلسله کوشانی به شمار می رود، که این نفوذ و قدرت وسیعش او را تا سرحد موجودی افسانوی بلند می برد و حتی برایش قدرت روحانی می بخشید در باره کنشکا روایات و اساطیر زیاد بیان گردیده. ولی آنچه حقیقت می نماید، آنست که او واقعا از اقتدار بی حد و برخوردار بوده و در زمانش طوایف زیاد، مذاهب زیاد و نژادهای زیاد را به خود جلب کرده بوده است.

کنشکا که دین بودایی را ساخت در حمایت خود داشت و آن را حتی

آئین رسمی قرار داده بود توانست با استفاده از این آئین هنر و فرهنگ هند را به باختر انتقال دهد و گندهارا سرزمینی شکوفان بودیزم و هنر و تمدن و فرهنگ اصیل کوشانی گردانند. در زمان همین شاه کبیر کوشانی بود که شورای چهارم بودایی در کشمیر برگزار شد. که درین شورا از هر فرقه و هر آئین بودایی فقه‌ها و دانشمندان گرد آمده بود و روش‌ها یا نایا چرخ کوچک به روش مهیانا یا چرخ بزرگ بدل گردید کنشکا ادعای نمود که چرخ بزرگ رو حانیت بودایی زیر حمایت وی قرار دارد و همین باعث گردیده بود که مردم از وبه حیث حامی دین بودایی حمایت کنند و او را تا سرحد موجودی افسانوی و اساطیری بلند ببرند.

طوریکه پیشتر گفته آمدیم با توسعه و حمایت دین بودایی در زمان کنشکا گندهارا و دیگر حوزه‌های فرهنگی و هنری دارای خصوصیات ویژه محل گردید و از زیر تأثیر هنر یونانی و رومی و هلنستیک بدر آمد. البته این ناشی از انقراض حکمروایی یونان و از هم‌پاشیدن سلطه یونانی و از هم‌پاشیدن سلطه یونان و باختری نیز بود، که هنرمندان از هر نوعی که بودند بالاخره ابعاد و خصوصیات کارهای محلی را منعکس نمودند و ((گندهارا)) را به گونه‌ای که نوینی از هنر اصیل کوشانی به‌جا نیان آشنا سازند.

البته حکمروایان یونان در قرون اول و دوم میلادی از آن تمدن اصلی مدیترانه‌یی خود جدا شدند و رفته رفته زیر نفوذ عناصر محلی آمدند و هنرمندان نیز درین وتیره در باختر و هند دست به کار ابداعات هنری محلی زدند و شهبکارها و گنجینه‌های را از هنر کوشانی به وجود آوردند، که نمونه‌های آن در بگرام، هده، سرخ کوتل و دیگر نقاط به خوبی مشاهده دیگر نقاط به خوبی مشاهده این

مدعا است.

نفوذ فرهنگی یونان و فرهنگ محلی باختر دو بعدی از تمدن آن زمان است که با هم تا تیرات متقابل داشته و تا زمان هخامنشیان یعنی

قرن چارم قبل از میلاد این نائیرات دو گانه بالای هم به ملا حظہ میرسد که در چنین دوران نخستین اقدامات اقوام ملی در شرق جان میگیرد و نفوذ خود را در باختر بجامی گذارند سر زمین باختر به اسکندر مقدونی کمک نمود، تا نزد یکی هلن و شرق را که مورد دلخواه و نظرش بود. جا مه عمل پیو شاند و زیر تا ئیر همین پیوند فرهنگی است که کوشانی ها از رسم الخط یونانی برای تثبیت افاده زبان خویش کار گرفته و هنر و فرهنگ خود را بدین وسیله نضج بخشیده اند.

پس در همین روال سه خط موازی از هنر و صنعت چون فرهنگ باختری، فرهنگ هلنی و هنر کوشانی با رسم و رواج ها، عنعنات و دور نما یه های ویژه محلی مناطق چون افغانستان، هند، پاکستان و ایران در آسیای مرکزی به هم گره خورده و بین قرون یک تا چهار بعد از میلاد تمدن خیره کننده کوشانی را تبارز داده است.

نزد یکی و به هم گره خوردن هنر و فرهنگ های متنوع از گوشه های مختلف و خلط آن با عناصر محلی کشور های این منطقه را در آسیای مرکزی داخل یک واحد سیاسی و اجتماعی در آورده و آنها را در مقابل هجوم فرهنگ های بیگانه مقاوم ساخته است و همین مقاومت باعث آن گردیده تا این تمدن بنام کوشانی تجارت، اقتصاد، فرهنگ، سیاست منوط به خود را حفظ نموده و آن را به حیث مودلی مستقل به جهان عرضه دارد.

طوری که پیشتر هم گفته شد، تمدن کوشانی با این خصوصیات خود، مردمان دارای نژادها عقاید و مذاهب گوناگون گرد یک حلقه جمع نموده و آنها را مشتق و احدا ساخته است و این یکی دیگر از بهترینها و برتری های این تمدن به حساب می رود که مورد توجه زیاد علاقمندان و محققین این دوره میباشد.

این همبستگی و پیوستگی مردم مان گوناگون را به گونه مسالمت آمیز شواهد و اسناد دست داشته و سفرنامه های زایرین چینایی، هندی و غربی به خوبی نشان می دهد. طوریکه در

زمان کنشکا بزرگ سکه های رواج داشته که در آنها ارباب انواع والبه های یونانی، هندی و ایرانی به چشم می خورد. درین سکه ها، میترا مدافع حقیقت، آورد خشم الهه باروری بوده و سمبول های از شیوه خدای هندیان، بودا، انا هیتا سیرا پیس از جمله خدایان هلن مصری در گنجینه های فرهنگی و مذهبی این سامان بخوبی شاهد این مدعا است.

زمانیکه آثار و گنجینه های بازیافت شده از دستاورد های صنعتگران و هنرمندان کوشانی ملاحظه می شود، به نظر می خورد که تنوع در آنها به وفرت و جود دارد و این وفرت و کثرت محتوی و مضمون در کار هنرمندان کوشانی در حوزه گند هارا و متبو را نمایان گر همان امتزاج مذاهب، نژاد ها و سلیقه های مختلف است که ویژه گی های خود را در گنجینه های هنری حفظ نموده است. از طرف دیگر آزادی ایمان و عقیده که در دوران کوشانی و به خصوص در زمان کنشکا وجود دارد، باعث آن گردیده، تا ذهنیت ها و تصورات ابتکار آمیز هنری اوج گیرد و تحت تأثیر و حما به تشویق آمیز کنشکا ابداعاتی افتخار آمیز از هنر و فرهنگ به وجود آید زیرا هنرمندان حوزه گند هارا ی کوشانی با استفاده ازین آزادی های عقیدتی بر علاوه اینکه عنعنات و خصوصی خاصیت دیگران را تبارز می دادند، خود دست به ابتکارات وسیعی می زدند که تا امروز نشانه های دست هنر آفرینشان در بگرام، هده، سرخ کوتل و گوشه های دیگر شاهد این مدعا است.

طوریکه در سطور گذشته هم گفته آمد، آئین بودایی در زمان کوشانی ها پیشرفت شایانی نموده بود، حتی این مذهب توسط این امپراتوری به بسیاری نقاط آسیا توسعه پیدا کرد، که از آن جمله چین، جاپان، تایلند، کمبودیا و بنام و بعضی نقاط دیگر آسیای جنوب شرقی را نام برد. با این وسعتی که دین بودایی در زمان کوشانی ها بدست آورد، باعث نگردید تا دیگر ادیان در تنگنا و محدودیت قرار گیرد، بلکه برعکس شان کوشانی و به ویژه کنشکا

برای توسعه نفوذ دیگر آئین های هندی و محلی همت می گماشتند. چنانچه درین وقت ادیان شیوا یزم برهمنیزم زر دشتی ، جنیزم و غیره نیز با کمال علاقمندی پیروان آنها رواج داشت نکته یی که باعث توسعه روز افزون دین بودایی در زمان کوشا نی گردید، این بود که فقهای این آئین تنها به خواندن دساتیر بودا اکتفا نمی کردند ، بلکه بخش های ازین دستور ها را به سانسکریت بدل می ساختند و حتی بران ها تعبیر ها و تفسیر های زیاد نیز می نگاشتند چنانچه شعورای چهارم دین بودایی که در آن بیش از پنجم صد فقیه بودایی شرکت ورزیده بودند ، در این آئین تغییرات اساسی را به میان کشیدند و چرخ کوچک ((هینا یانا)) را به چرخ بزرگ ((مهینا)) بدل ساختند این تغییرات فاحش و طرز نقلی های وسعت طلبانه در فرهنگ و هنر بودایی به ویژه در معماری آن به خوبی دیده میشود طوریکه معماری دوران کوشا نی تحت تاثیر بودیزم شباهت کمتری با معماری پیش از دوران کوشا نی و یا آغاز آن دارد .

آسیای مرکزی که در آن فرهنگ کوشا نی موازی با آئین بودایی رشد می گیرد ، حلقه پیوستی بین شرق نزدیک و شرق دور می گردد و این حلقه یک پوشش سطحی فرهنگی نبوده ، بلکه در عمق جریان داشته و ذهنیت مردمان را در آن زمان به هم نزدیک ساخته و فرهنگ آنها را با رور از غنامندی خاص نموده است .

این مساله که امپراتوری کوشانی دارای یک مرکز به خصوص هنری بوده ، تا مدت زمانی در محراق توجه دانشمندان کوشان شناس قرار داشت . ولی بعدا که کشفیات باستان شناسی در هند باعث نمودار شدن مکتب هنری متهورا گردید و در نقاطی چون تکسیلا و بوتاکارا ، پیشاور سرخ کوتل ، آسیای مرکزی امیرتم ، خلچایان ، دلورزین تپه ، هده و غیره گنجینه های از هنر کوشا نی پدیدار گشت . معلوم شد . که هنر کوشا نی با حفظ اصالت محلی خویش پیوند های با هنر روم ، یونان و هند و آسیای میانه شوروی داشت و از جوانب گوناگون تأثیراتی را پذیرفته است .

از میان هنر های نو ا ح ی مختلف هنر باختر به گو نه بارز با لای هنر کوشا نی اثر گذاشته که این سخن در اثر کشفیات اخیر روشن گردیده است . در باختر برای نخستین بار هسته های هنر کوشا نی بارور شده و بعد در دیگر نقاط به رشد خود ادامه داده و باعث ایجاد مکاتب متنوع هنری شده است . هنر و فرهنگ کوشا نی بعد از اینکه مدت ها بعد از سقوط سلالة کوشانی هویدا و شکوفان گردید . دیگر نقاط ازین پدیده متبازر استغاده نمود و هنر کوشا نی منبع الهام بین مردمان آسیای مرکزی ، هندوستان و شرق دور شده است چنانچه این نفوذ هنری را می توان در پیکره های گوپتا ، یعنی مجسمه سازی هندی و نقاشی های دیواری در سغد یانه و شرق ترکستان مشاهد نمود .

دانشمندان کوشا نشناس اکنون در پهلوی شناخت و کشف دیگر جوانب تمدن وسیع کوشا نی درین اندتا نفوذ هنر کوشا نی را در فلسفه و دیانت های مذهبی مردمان هند ، پاکستان ، افغانستان و آسیای میانه دریابند و ارتباط فکری این نقاط را از روی شواهد سکه یی کتیبه یی و اسناد چینی و هندی روشن نمایند .

در پایان سخن باید افزود که فرهنگ و تمدن کوشا نی با پشتکار و کاوش باستان شناسان افغانستان ، هند ، اتحاد شوروی ، فرانسه ، ایتالوی و دیگر کشورها و در نتیجه مطالعات دانشمندان این کشور در دو قرن اخیر روشنی بیش از پیش یافته ، همین مطالعات نشان دهند ه آنست ، که باید این جستجو ها وسعت بیشتر یا بد . زیرا که نقاط مبهم در زمینه هنر و فرهنگ کوشا نی به ویژه ابعاد کرونولوژیک این تمدن وجود دارد ، که هنوز نا روشن باقی مانده و زمان بروشنی آنها خواهد افزود .

مآخذ :

- ۱- باستانشناسی افغانستان، تالیف داکتر اکتم بابایوف و پوهیالی غلام احمد واک صفحات (۸۶- ۹۰)
- ۲- مجله ژوندون- شماره ۱۲۰ سال ۱۳۵۲ صفحات ۱۲- ۱۴
- ۳- مجله تحقیقات کوشانی شماره اول سال پنجم سرطان ۱۳۶۱ صفحات ۳۲- ۴۱
- ۴- هنر دوره کوشانی اثر م. روزنفلد - ترجمه استاد سرور همایون
- ۵- مجله تحقیقات کوشانی شماره دوم سال دوم حوت ۱۳۵۸ صفحات ۸۰- ۸۸

د پرو فیسور احمد حسن دانی لیکنه
د زمري محقق ژباړه

د کوشانيانو هنر او مدنيت ته يوه لنده کتنه

کوشانيانو د تاريخ په اوږدو کې ډيرې مهمې برخې اشغال کېدې لکه څنگه چې په لرغونې نړۍ کې کيساريانو Casars او خسرو يانو Khosroes دا ډول دريځ درلودی په داسې حال کې چې دهغوی رسم روا جو نه او خاطرې لاتراوسه پورې زموږ په ذهنو نو کې ساتل شوی دی لاکن د کوشانيانو امپرا طورې تر ډيره وخته پورې تقريباً په بشپړه توگه هيره شوی وه خو چې په وروستيو وختو نو کې دلرغون پيژندني د کيندنو او څيړنو له مخې اوياهم د ماتو او نامکمله خطي نسخو او تصادفي موندلو شونو سیکو په اساس زموږ زياته پاملرنه دې برخې ته رااوښتې او هڅه موکړېده چې دغه اوږدې مودې امپرا طورې ته دهيريدو څخه نجات ورکړو چې ددې امپرا طورې پراخوالي د مسيحي عصر د لومړيو دريو پيړيو په اوږدو کې د شهنشاه شانووشو Shaonshao په دوران کې د مرکزي آسيا آلتاي د غره څخه دعر بو تر سمندرگي پورې اود کسپين د بحيرې څخه د بنګال تر خليج پورې رسيدې.

په دغه باب معلومات ورځ په ورځ مخ په زياتيدو دي اود کوشانيانو په هکله په نړيواله سطحه د پوهانو او عالمانو جدي پاملرنه را اړول شوی ده د لومړي ځل له پاره د يو نسکو د پروگرام په چوکاټ کې د مرکزي آسيا د مدد نيت په باب څيړنه پيل شوه چې نن ورځ په

نړیواله توگه دمرکزی آسیا د کلتور څیړنې ته د یوې مهمې برخې په ډول جدې پام را او نښتلی دی.

په همدې اساس اود همدغه هدف د پراختیا او پرمختیا په مقصد د یو نسکو له خوا په افغانستان کابل کې د کوشاني مطالعاتو او څیړنو مرکز تاسیس شوی دی اود هغه ترمراتبت او پاملرنې لاندې د کوشانیانو یو شمیر نړیوال سیمینارونه په ترتیب سره د ۱۹۷۰ کال په پسرلي کې د ۱۹۷۸ کال په مني او په ۱۹۸۲ کال کې په کابل کې جوړ شوي دي .

برسیره پردې د ۱۹۶۰ کال د اپریل په میاشت کې د کوشا نني څیړنو په هکله دنړی د یو هانو او عالمانو په گډون په لندن کې یو سمپوزیم جوړ شو چې په هغه کې د کنشکا د عصر دیپل په باب آزادانه بحثونه او مناقشې وشوې چې په نتیجه کې زیاتره پوهان په دې معتقد شول چې دغه نېټه د ۱۹۱۳ کال څخه مخکې زمانه پورې اړه لري . په دې توگه په بیلابیلو هیوادونو کې په ډول ډول ژبو باندې د کوشانیانو د دوران او دهغه د مدنیت په هکله یولړ زیاتې مقالې او مونوگرافونه چاپ او خپاره شول . چې وروسته له هغه په دغه باب یو لړ زیات نور معلوماتونه هم تهیه او وړاندې شوي دي هغوی خپلې ټولې هلې ځلې د یوې ټکي ته متوجه کړې چې د کوشا نني دوران دمرکزي آسیا د خلکو د کلتور او مدنیت ستره امپراتوري څرگنده او روښانه کړي . کوشانیانو په تاریخ کې د یو سترې ځل له پاره یو داسې دوران را منځ ته کړی چې د درولو یو سیمو لکه اکسوس اندوس او د گنگاد خلکو د یووالي له پاره یې لاره اواره کړه اود شمالي دښتونو او بیدیاوو د کوچي او سیدو نکو اود ځای په ځای میشته خلکو تر مینځ یې دنوی ډول اړیکو درا منځ ته کیدو او پیاوړتیا له پاره ښه زمینه برابره کړه په دې توگه یې ، د لویدیځ او ختیځ ترمنځ دورینمو د مشهورې لاری څخه دسولې او اقتصادي ودې په اساس د گټې اخیستلو دپالیسي کلک بنسټ کینود .

دآسیا په تاریخ کې هېڅکله د دومر ه پراخو سیمو پر گڼي د یوې

وا کداری تر تسلط لاندی نه وی سره متحدی شوی . دیوا کداری و کپرای شوی دبشری اې یکووتینگښت ته لا وده او پیاوړتیا ور کړې . برسیره په دی یی یوشمیر کلتوری او هنری ارزښتونه وساتل اود را تلونکی ودی او پرمختیا له پاره یی لاره اواره کړه . دغه راز لوست لیک او زده کړو په بساری توگه وده وکړه . اودپخوا په خلاف چی یوازی محدودشمیر خلک به دلوست او لیک د نعمت څخه بر خورداره وه ، درو حانی اومذ هبی ساز ما نو نو په چوکامپکی لوست لیک زده کړه د خلکو په منځ کی عامه او زیاته پراخه شوه . چی په روحانی چوکاټو نو کی دا ډول منل شوی او رواج شوی زده کړی دلومړی ځل له پاره را مینځ ته شوی دی . راهبانو او راهبو بهدم هغوخت مذ هبی بسوونی او اخلاقی منل شوی مقررات تبلیغول .

کوشانیان په همدغه دوران کی دنداره چیانو دریځ ته در لودبلکی هغوی دهنری او کلتوری ژوند په جوړښت کی اغیزه نا که ونه . لرله اوس کهڅه هم دوی مړه دی خوددی دوری د تاریخ بیلابیلی نښی بنا نی دمرکزی آسیا دکونج او کنار څخه دهغوی دتاریخ دپیژندنی په مقصد یوپه بل پسې کشف او راټولین دی ددوی سوانح د هغو ډبرو اولرغونو آثارو څخه ترلاسه کین ی چی د لرغون پیژندو نکوبه وسیله موندل شوی دی دا ټول هغه هنری آثار اونمو نی دی چی دمرکزی آسیا د لرغونی تاریخ په روښانتیا کی لویه ونډه لری .

هغوی دمرکزی آسیا دکارگرانو هنر مندانو ، کسبکرو ، فنی کارگرانو ، اوبدو نکو ، کللا نوبزگرانو ، پوها نو او نوروز یار ایستو نکو پرمگنو دگهو هلو څلویه نتیجه کی یو نوی مدنیت رامنځ ته کی او په دی ډول یی نړیوا لو ته څرگنده کړه . چی دوی دبربریزم څخه رالور شوی اودسو له بیزاوغوړیدلی ژوند دجوړښت په لور زیات قوت او نبوغ لری .

دچین دلویدیڅو سرحدونو څخه دیو چی کوچیانو دکوشانیا نو دیوه ښاخ په توگه را منځ ته شو چی دفراغانی په ښکلی او سمسور کلی کی خپاره شول اودسغدین څخه هم تیر شول او په پای کی یی

دخپلې استوگنځي په توگه داکوسوسدسیند په هغه اړخ با ختـــر
 کی استوگنه غوره کړه د هم هغه ځای څخه دوی وکوچیدل او د
 هندو کش څخه کښته شول او د لرغو نی پاراپا میزاد اوپه او سنی
 افغانستا ن اراکوز یا کی ځای په ځای شول چی دغه سیمه یی دخپلو
 کلتور ی فعالیتونو دمر کز په توگه غوره کړه او ترکندهاراپوری
 خپاره شول دغه سیمه دبودیزم ددوهم کورپه نوم یاده شوه ورو سته له
 هغه دوی دگانجتيك Gangatic دواډی په لور په مخ ولاړل او هغه
 برخه یی هم دخپلې امپرا طور ی سره یو ځای کړه دهمالیا په برخه کی
 هغوی چی پن (کشمیر) ونیو او خپل پر مختگ ته یی د
 اندوس دلوړ کلی او سیمی په لوردوام ورکړ لکه څنگه چی او سرلر-
 غونی پیژندو نکر دهغوی ډیر پن تصویرو نه او لاسی لیکونه په
 چیلاس (Chilas) گلکیستهنزه Hnza او نورو
 سیمو کی موندلی دی او په پای کی په سینکنگ یعنی دچین په سیمه کی
 بهان دامپرا طور ی سره مخامخ شول په دی ډول نو هغوی دعر بو
 تر بحیری پوری داندوس ټوله سیمه ((اوسنی پاکستان)) په خپل
 کنترول او واک کی راوستلې وه.

ددوی دهنری شکلو نو لرغو نی بقایاو ی په کالجین کی دارگ ډوله
 وړانو شوو ودانیوو څخه لاس ته راغلی دی ددوی دپاته شوو بتا نو
 څخه بنسکاری چی کوشا نی پاچهانواوددوی ملکی په دلاوری او نه
 تسلیمیدو نکی توگه د خپل دیوان او مذ هبی عقایدو څخه دفاع کړی
 او راتلو نکی پاچهان یی هم دغی لاری ته رابللی دی. چی دیواپتـــرا
 (دخدای زوی) دخطی نسخو اوکتیبوڅخه په څرگنده درک شویدی ددی
 پاچهی شکوه او جلال دومره زیاتشو چی حتی پر نورو امپرا طور یو
 باندی یی هم خپله اغیزه و بنسند لددی مفکوروی په ارتباط ترټولو
 ځلانده او څرگند مثال دادی موزوینو چی په دوکولا (Devakula)
 (دخدای کور) کی د متهوراپه شیر څه ډول شاهانه مجسمی او معبدونه
 لیدل کیږی چی هغه دیوه مقدس سیند گنگایو بنا څخه جمناسیند په
 برخه کی دډوبا (Doaba) (هغه سمسوره او خړو به مڅکه ده
 چی د دوو سیندو نو په مینځ کی واقع شوی ده) په سیمه کی واقع

دی. چی دغه سیمی دکوشانیا نوله خوا خوشی شوی خو بیا هم هغوی د دغه خای پر کلتوری فورمو نو (په پخوا نی روم کی دیوه بنبار میدا ن بازار یاد خلکو دراغونپه ولو خای ته ویل کین ی چی جرگه خای هم ورته ویلای شو. مترجم) باندی خپدی اغیزی و بنبدلی. د دوی د خپلوا کی او آزادی مفکوری په کلکه سره په هندی عنعناتو کی دوام وموند اود پارام پاچا په وخت کی لوپ پراو ته ورسیده او وروسته بیادگویتا پاچا په وخت کی لوپ پراو ته ورسیده او وروسته بیادگویتا دامپراطورله خوا هم دغه لاره تعقیب شوه په گندهارا کی دکابل دوا دی په کبنتو بر خو کی کوشا نیانو د پورو شاپورا (اوسنی پېشور) په نوم دیوه نوی بنبار بنسټ کیښود او په دغه سیمه کی یی د کنشکا (کنیشکا و یسهارا) عبادت گاه جوړه کړه چی دا وو پیرویو په اوږدو کی د زیاتی سام لرنی وپ گرځیدلی ده لکه څنگه چی چنایی زایر هیون تسنگ څر گنده کړی ده په دغه خای کی یو شمیر زیاتو بودایی پوها نو زیات آنا رلیکلی چی وروسته بیادغه لیکنی په بیلا بیلو ژبو باندی ژباړل شوی او یوشمیر زیاتو هیوادو نو اوسیمو ته انتقال شوی دی چی په دی جمله کی مرکزی آسیا، چین، منگو لیا، منچوریا، او جاپان دیدادو نی وپدی پوروشا پورا یود هغو بنبارو نو دجملی څخه وو چی د چین دنوی بنبارو مدنی سیستم سره یی اړیکی در لودی او پدی ډول دکوشا نی دوران په اوږدو کی د داډول اړیکو په نتیجه کی ټو لنیزو اقتصادی فعالیتونو پراختیا او پرمختیا وموندله دغه راز دگندهارا لرغونی بنبارونه (پوشکا لاوا تی) (اوسنی چارسده) او تاکشا ریل (اوتاکشا ریل) او ورسره سم یی دسمسور تیا او غوړیدو په لور روان شول او ورسره سم یی کلتوری فعالیتونو هم پیاوړتیا موندله. د پشکلاواتی د (راجر) دپاچهی قصر په سیمه کی لاتراوسه دکوشانی خزانی زیاته برخه تر خاورو لاندی پته پاته شوی ده. همدا رنگه دتکسیلا په شان دکو شانیانو دسیر سوخ (Sirsukh) بنبار د لرغو نو موادو او آثارو دلرلو ډیره غنی منطقه گنل شوی ده.

په حقیقت کی دتکسیلا څخه تر پشکلاواتی پوری دغزیدلی سړک

خواته موز د سفولا ستوپه اود هغه برج لرو نکی گنبده وینو. نوموړی سړک د کاپیسا په خوا اوږد شوی دی یعنی هغه ځای چې کوشانیانو نوی قصر پکې تاسیس کړ او ښایي چې دوی دکابل سیندته نږدی دکابل دنوی ښار بنسټ ایښی وی چې دبالا حصار کلا یی په دوا مداره ډول دتار یخ جریان تعقیب کړی دی چې ددی کلا په مقابل لوری کی دمر نجان غونډی پرته ده چې تراوسه پوری دکوشانی دوری په زړه پوری هنری آثار ځینی تر لاسه شوی دی. پر سیره په دی دافغانستان په شمالی دهندو کښ په اخوا سیمو کی د لرغون پیژندو نکو دکیند نو اوځیرنو په لړ کی یو لړ زیات لرغونی آثار تر لاسه شوی دی چې ددی جملی څخه په شبرغان پوری مربوط دیمشی غونډی دیوی برخی یعنی طلاپی څخه په پراخه پیمانته دسرو زرو زیورات او لوښی لاس ته راغلی دی. دغه راز په بغلان کی د لرغون پیژندنی مشهوره سیمه سرخ کو تل او نور مرکزونه لکه دلبر جان کمسار ټوپرک کلا او دلبر جان کمسار ټوپرک کلا او زال غونډی دیادونی وړ دی کله چی موز دکوشانیانو بلولا یته باختړته نظر اچوو وینو چی زاړه ښارونه یی په پراخه پیمانته بدل شوی دی.

همدا رنگه دلرغو نو آوارو او ودانیو دمو ندلو په غرض دمربوطو کیندنو او ځیر نو په نتیجه کی تراوسه دجندی په ولا یست
Janda Valyat خیر آباد-غونډی او

اسماعیل غونډی کی چی په جنو بی از بکستان او
Saksanakur پوری اړه لری یو لرغونی ودانی
ښکاره شوی ده. همدا رنگه د تاجکستان په جنوب کم کلا

کیقبادشاه او یاون (Yavan) کی دا ډول فعالیتونه سر ته رسیدلی دی. د مروی په مشهور زاړه ښار چی په ترکمنستان پوری اړه لری او د مرکنډ (Markand) (سمرکنده) په افسانوی ښار کی داډول هلی-ځلی اوس هم دوام لری هغه د او کسو س دشمال په سیمه کی مو قعیت لری په هغه ځای کی چی چینیانو دیو لړ شوا هډو له مخی څرگنده کړی ده چی ددوی لرغونی

اوسور ته سیتیا (Hodzo) چی ددلبرجین د غو نه ی په نوم یادین ی په تاریخ کی ۶۰۰ هوروسته بیا بلخ (دبنار ونو مور، چی اکسوس دسیند په جنوب کی مو قعیت لری دار مینیرد منابعو له مخی دکوشا نیانو دامپراطور ی داو سیدلو په رنبتینی بنار باندی بدل شو. همدغه بنارو چی د گاونډیو هیوادو دسیا لیوپاچهانود امیدسترگی بی خا نته را جلب کړی، دایران دساسانیانو پاچاه شاهپور وغوښتل چی دکوشانیانو سره وجنگیر ی دغه راز همدغه بنارو چی دپیرو پیرو یو په اوبدوکی بودایی عبادتگاه پکی و سا تل شوه. دختیخ څخه ډیر لری بناری او مدنی مرکز و نو د سیندسرک تعقیب کړی چی موږ ددی لاندی بنار ونو د رامنځ ته کیدو شاهدان یو متهور اکو زامبی، وارا ناسی (Varanasi) سر او یستی (Sravasti) بود گیا او بنایی چی دتا میرا پیتی

دپخوانی بنار چی او سنی بناری تمک (Tamuk) نو مین ی څخه لوړه برخه چی دبنگال سیند په غاړه واقع ده هغه ځای چی کوشانیا نو بی دخلکو سره دسودا گری اړیکې لری داندو س دسیند په پاسنی لوړو سیمو کی د ویرا سما نور (Vira-Samanor) بنار په پاکستان کی دکرا کرم دلو یسی لاری دجوړ نبت به جریان کی په دی وروسته وختو نو کی پیژندل شویدی دا هغه بنار دی چی دکو-شانیانو پاچا اود هغه منکه دهغری دنظامی سامان او لوازمو سره دعا مه خلکو سره څنگ پر څنگ اوسیدل اودتفریح څخه ډک سو له ییژو ندی در لود اومذ هبی مراسم پی ترسره کول چی تصو یرو نه او ستوی بی پر پیرو باندی حکا کی شوی دی. دجنوب خواته دتو چی دسیند په لور دباتو په دبنته کی یوستر مدنی مرکز رامنځ ته شو. او په هغه وړانو شوو ودانیو کی چی داندو س څخه لری کبسته سیمو دبهاولپور دسنیو هار (Snivihar) په برخه کی موجود دی دکنشکا دلا س لیک موندل شوی دی او داندو س د دلتا په اخوا سیمه چی اوس ورت ته (سیتیا) چی ددی کتاب (Periplus of the Eryfdaer- nsea) مولف په دغه باب څرگندو نی کړی اودبار بار کم

دښار اود کښتیاو په وسیله د سمندری سوداگری په هکله زیات معلومات تهیه او وړاندی کړییدی.

په ټوله امپرا طوری کی د حکومت او سوداگری چاری په بیلا بیلو ژبو او رسم الخط سره تر سره کینی نو دا گران کار دی چی ووايو چی آیا هلته دی یوه رسمی ژبه موجوده وه او که نه لاکن په دی وروستیو وختونو کی دافغانستان د سرخ-کول د کتیبی او پدغه هیواد کی د نورو سیمو څخه دمروبو طو اسنادوله مخی دکوشا نی ژبی دروښانتیا په هکله یوبل گام پورته شوی ا وداسی څرگنده شوی ده چی دغه ژبه دی د زری ایرانی ژبی د ختیځ ښاخ سره نږدی اړیکی اویو ند ولری.

دباختریونان دلرغونی ژبی اودهغه دلیکنی استعمال دامپرا طوری په مرکزی برخه کی دوام در لودیداسی حال کی چی دگندها را پراکرت په پراخه پیمانته مروجو وه چی ددی کار علت هم دبودایسی را هینو دتبلیغ او فعالیته څخه عبارت وه. هغه په خړشتی رسم الخط بانندی لیکل شوی وه کوم چی پخوالا دمحللی ژبی سره دسمون په مقصد دتدریجی تکامل په نتیجه کی دآرامی څخه راپیله شوی ده هر چیری چی بودایسی مبلغین تللی دی نو ورسره سم دغه ژبه اود هغی رسم الخط هم وپل شویدی چی ددی ډول لیک مربوطی کتیبی دنوموړی امپرا طوری په بیلا بیلو برخو کی موندل شویدی لاکن داخبره دا معنا نه ورکوی چی حتما یا پراکرت اویا هم خړشتی دی دهغه وخت د مفا هیمو دانتقال رسمی وسیله وی. دهندوستان دگانجیتیک په کلی کی دبرهمی رسم الخط استعمال دوام لری. دی که څه هم ژبی یی دپراکرت سره دمحللی پلوه بدلون در لود خودغه لیک په رښتیا سره دیونان دوروستی ډول لیکنی تر اغیزی لاندی راغلی چی په هغه وخت کی په همدغه سیمه کی لیدل شوی دی. دکوشا نی پراهمنی لیک زاویه لرونکی ډول په لوړوده وموندله چی دکنیشکا چی بی سره مجسمه مهورا (Mahura) کی په څرگنده ښکاری که څه هم دلیک دلیکلوددآسا نتیاوپه برخه کی یوه بله اغیزه هم موجوده وه چی دسوداگری دمقصدو نو له پاره دپسه او یوازگری په پوستکو بانندی د دا ډول

آسانه لیکلو په پراخه پیمانانه روا چ وموند چي په نتیجه کی د سره مښتو حرو فو لیکنه باب شوه چي اوس یی هم موږ په خرشتی او برهمی کی لید لسی شو.

دکاغذ ، رنگ یادو نی دناز کونبا خو نو په وسیله لیکنه دکوشانی دوری په ورو ستیو و ختو نو کی رامنځته شوه یعنی هغه وخت چي لیکنی ته په پراخه پیمانانه اړ تیا احساس شوه دبور (Bower) بخشالی (Bakhali) او کلیگیت دورو ستنی چاپی نسخی دکشفید و له مخی د داډول نوی تما یل دپیدا اینست په باب غوره دلیل تر لاسه شو . دکوشانیانو دد غی ورو ستنی دوری په او ږدو کی برهمی لیکنه په گندهارا اود مر کزی آسیا په نورو سیمو کی عامه او باب شوه داد کوشا نیانو دورو ستنی دوری په سکو کی په ډاگه ښکاری لکن دبر همی رسم الخط کتیبی حتی دکارا (Kara) په غونډی کی هم موندل شوی دی . ښا یی هندی بودایی را هبینو اولیکوالا نو دلیکنی داډول او سبک ته په زیاده اندازه پراختیا او عمومیت ورکړی وی موږ په رښتینی توگه پوهیږو چي دسانسکریت نامتو شاعر اسواغوشا (Asvaghusha) چي په تکسیلا کی یی دکنیشکا په دربار کی کار کاوه بودایی ادبیاتو ته زیات خدمت کړی او هغه ته یی په پراخه پیمانانه وده ورکړی ده . کوشانی کلتور د خلکو دژوندانه په ټولو برخو کی وده وکړه چي د لباس په برخه کی تر ټولو ښکاره توپیر داو چي اوږده او لوی پرتوگونه اوږدی کړتی چي تر زنگنو پوری رسیدی او په یوه زاویه لرونکی ډول پری شوی وی بسا ب شول.

چي داډول لباس دساویان یا پیک لرونکی خولی دبر سر کولو سره دپاکستان ، افغانستان اودشو روی اتحاد دمر کزی آسیا په جمهوریتو نو کی دخلکو دعننوی جا مو په توگه تر ډیره وخته پوری پاته شوو دشر یفو او معتبرو ښځو جا می به لکه څنگه چي د هغه وخت په هنری آثارو کی ښکاری دهغو اوږدو چینو په شان وی چي اوږدوالی یی تر بجلکو پوری رسیدی چي داډول جا می دواده په مراسمو کی رواج شوی اود منځنیو پیړیو په دوران کی په ټول هندوستان کی

باب شوی او حتی اوس هم په پاکستان کې رواج دی لکه څنگه چې دهغه وخت په هنر کې منعکس او انځور شوی دی د بندڅو دسر وینستا نو جوړښت دپه زړه پورې فیشنو نو دجملې څخه گنل کیده او دامپرا طور یې په گوټ گوټ کې دسر دوینستا نو جوړښت دپه زړه پورې فیشنو نو دجملې څخه گنل کیده او د امپراطور یې په گوټ گوټ کې دسر دوینستا نو داوډ لو یو لړ عام ډولونه رواج شول . په همغه وخت کې دوی په دی برخه کې د زیاتو شیانو او وسایلو څخه گټه اخیستل چې دهغې جملې څخه چې په پراخه پیمانه استعمالیدل ، د هنداری، د عاج یاد فیل دهیو کې څخه جوړی شوی ښ منځی ، جلا لرو نکی فلزی یاد لرگی سیخان، بوتلونه او یوشمیر نور وسایل او وسلې دی چې د کیندنو په نتیجه کې ترلاسه شوی او دهغه سیمې او دهغه زما نی دکلتور نمایندگی کولی لکن تر ټولو دپا ملر نی اود تبصری وړتکی دادی چې هغوی څرنگه د انجنیری او مهندسی زده کړی او دهغه مربوطو پر نسیبو نو ته د ویره وده ورکړی چې دکورسامان آلات او فرنیچر هم ددغه کار څخه مستثنا کیدای نه شی او په پای کې دکوشانیانو خاص ډول چو کې دیوه په زړه پورې سوغات په توگه افغانستان او پاکستان ته راوړل شوی او رواج شوی دی . برسیره پردغو موادو او شیانو دبشری ژوند برخه یې هم په خاص ډول دپا ملر نی وړده سر تیرو ، عامو خلکو او اشرافو دخوښی ډک ژوند درلود چې هغوی د شرابو، موسیقی او نڅاوو سره زیاته مینه لرله اودغه مسایل ددوی د عنعنې جز گرځیدلی و په همدې

اسا ————— ریی د موسیقی خاص عنعنوی آلې درلودی چې حتی د موسیقی په اوسنی زما نه کې هم دنو موږو ډولونو څخه گټه اخیستل کېږی برسیره په دی دغیر نیو لو لوبه ددوی په منځ کې دپه زړه پورې لوبې په توگه روا چدرلود.

چې دانسانې ژوند د سطحی دغه راز لوړوالی پرته دنوی ټولنیز- اقتصادي بنسټو نو اوموسساتو دمو جودیت او تنظیم څخه نه شی ممکن کیدای دټولنی دپیاوړی و نی په برخه کې موږو ینو چې هغوی د سوداگری او صناعت په باب بسترگا مونه اخیستی اودیو شمیر

مسلمکی خلکو خخه چی په بیلابیلو برخو کی یی تخصص در لود زیا ته گټه اخیستی ده چی په همدی اساس یی دمخکو دخړوبولو له پاره دیو لړ کاناو نو دجوړ بنسټ او په وچو د بنسټونو کی دڅاگانو د کیند لو او په غرنی او غونډی لرو نکوسیموکی دطبیعی چینو دموند لو په وسیله یی دکر نی دپراختیا په هکله د لیدو وړ گامونه پور ته کړی دی په هغوی کی دبودیزم دمذ هب دآسانه خپر یډو له پاره څکه زمینه برابر وه چی هغوی به تل سپارښتنه کو له چی د کسب او کار خاوندانو ته باید په درنده سترگه وکتل شی دهغوی خلک دغذا یسی موادو په تولید برسیره پرمذ هبی ، تجارتي ، کسبی اود مذ هبی ډو له حکومت پر اداره کوو نکو ډ لوبانندی و یشل شوی وه .

داگران کار دی چی ددی بیلابیلو ډلو او گروپونو تر منځ اړیکسی څرگندی کړو خودا یقینی خبره ده چی کوشانی فاتحانو اود هغوی د قبیلی خلکو پر زحمت کښو پرگنوبانندی لوړ لاس در لود او پر هغوی یی حکمروایی کو له . پدغه زما نه کی دهغوی اقتصاد ی حالت بد نه و څکه چی په ټو له امپرا طور ی کی دسوداگری په برخه کی داآسانتیا موجوده وه چی دیوی سیمی خخه بلی سیمی ته دسوداگری په چارو کی هیش ډو لځنډ او خنډ مو جود نه و بلکی دغی پروسی په آزادا نه ډول جریان در لود.

دامپرا طور ی په دننه کی دسوداگری دمو جودیت او پراختیا ثبوت دهغه شوا هډو خخه عبارت دی چی دلرغون پیژند نی دخپړ نو او کیندنو په نتیجه کی دبیلا بیلوسیمو خخه ترلاسه شوی دی دمثال په توگه دبگرام دعا جو خخه دجوړشوو شیانو ډک گدام او همدا رنگه دافغانستان مربوط طلا تپی خخه دسرورزو دزیوراتو او شیانو تر لاسه کیدل دنمو نی په توگه یادولای شو . لاکن بهر نی سوداگری حتی زیات اهمیت در لودڅکه چی دبهرنی سوداگری په اساس نه یوازی داچی دبهر خخه دلوکسومالونو په واریدیدو سره زیا ته پانگه ترلاسه کیده بلکی دتخنیکي وده او انکشاف هم دیوه هیوادخخه بل هیواد ته نقلیده ، چی تخنیکي وسایلو وده داو سپنی خخه دلاسی صنایعو په توگه دبیلا بیلوشیانو او وسلو په جوړ بنسټ کی

لیدل کیزی چی داډول و سا یل دگندهارا په بیلا بیلو صناعتی مرکزو نو کی موندل شوی دی . برسیره په دی هلته ددوی دمهندسی یاانجنیری او دبنکلو لاسی صنایعو او هنری ارزښتو نو په برخه کی په کار اچول شوی مهارتونه او شپکاری ښکاری ، دغه راز اضافه پردی ټولو د هغو معیاری سکی چی دامپرا طور ی په دننه اودباندی کی دسوداگری چاری او معاملی په کنترول کیدی ، دپا ملرنی وپدی چی دغه سکی په عین حال کی ددباندی سره د سوداگری دپیاوړتیا سبب گرځیدلی وی دکوشانیانو دوهم امپرا طورو یما کله فیزس چی د کوشانیانو دسرو زرو معیاری سکی یی رامنځ ته کی دغه معیاری پیسیدرومیانو دپیسو دسیستم په ارتباط دلویدیځو پیژندونکو په وسیله تر تحقیق اوڅیړنی لاندی راغلی دی . هغوی څرگنده کړی ده چی د کوشانیانو دچلنده پیسو په سیستم کی دپتوسترگو تقلید ښکاری په داسی حال کی چی دچلنده پیسو ددوی دو سیستمو نو تر مینځ توپیر دسکوپه مربوط فصل کی توضیح شویدی . یووخت دکوشانیانو دسکی معیار د بازار دغوښتنی له مخی تاسیس شوی چی هغه په ټوله امپرا طور ی کی دور ځنی فیشن په توگه پاته شو .

دایوازی دسرو زرو سکی دی چی دسوداگری داندول داتکاله مخی دزمانی په اوږدو کی دیوه حالت څخه بل حالت ته بدلی شوی دی . د او یو کوشانیانو د شهرت او محبوبیت له مخی دکوشانیانو د پیسو سیستم په بی ساری توگه رواج وموند او دکوشانیانو دامپرا طور ی په ټولو سیمو کی دروم د پیسو دسیستم په لغوه کیدو سره دکو - شانیانو دپیسو ځانگړی سیستم رواج شو .

ددی سیستم یوه نتیجه داوه چی داډول سکو دسوداگری پسر کو نو په تیره بیا پر هر هغه لویه لاره چی په تاریخ کی دورینمو په لار شهرت لری ، کی یی چلیدل آزاد او آسانه وه او هم یی کریدت کوشانیانو ته انتقالیده .

چی داډول اقتصادی ودی او پیاوړتیا له امله دامپرا طور ی په ساحه کی بیلابیلو هنری مکتبونو پراختیا او پرمختیا وکړه . کوشا -

نیانو هیڅکله دقصدي قوما ندی په وسیله را مینځ ته شوی میځا نیکی یووالی نه غوښت او نه یی هم حتی دهنر یوه خاص او ځا نگری شکل او بنی ته ترجیح ورکوله هغوی په دی عقیده وو چی هنر دانسانا نو تخلیق دی اود آزاد ټولنیز حرکت او نهضت دافکارو ښکار ندوی دی چی دغه ډول تمایل په څر گنده دهنر ډډول ډول مکتبونو په بر خه کی رامینځته شو او دانسانانو داستعدادونو دودی او حتی نبوغ ته درسیدو په لاره کی ډیر غوره او هڅوو نکسی عا ملو دگندهارا باختر او متبو را دری بیلا بیل هنری ښو ونځسی دجوړ ښت او ابتکار ددا خلی محرکه قوی په توگه پیژندل شویدی . او همدا رنگه و سایل او تخنیک یی هم دیوی سیمی او بلی سیمی تر مینځ توپیر سره لری د دنی اړتیا له مخی په دی ټینگار کیدی چی په هنر کی باید د خلکو ور ځنی ژو ند منعکس شی اود ټو لو زحمت کښا نودژوند او هلوځلو نماینده گی وکی هغه هم په دی ځا طر چی داخلا قوله پاره لکه څنگه چی دبودا دژ وند په داستان کی ښکاری یو معیار ترلا سه شی بو دی ستوا او نوری دتمشیل کوو نکو گالری او مجسمو نندار تو نو نه جوړ کړی وو . چی داډول هنری کارو نه دلویدیځوودهنری مسایلو کره کتو نکو له خوا دکلاسیکی نړی د هلنستکی هنرو نو د دور نماله مخی تر نظر تیرشوی دی .

Phid - hellene Parthians

لکه څنگه چی دباختریو نان یادفیل، هیلن ، پار تیانو دخپلو هنری میرا ڼو نو غنی شتمنی ژوندی ساتلو ته دوام ورکړ ددی هنری تولیدات هم دا رنگه دلویدیځ انکشاف په رڼا کی تجلیل شویدی .

داهیره شوی ده چی ښا یی دتیر نسل عنعنات په ټولنیز جریان کی دنوی نسل دراپیداکیدو له امله پیارا ژ ونډی شوی او اصلاح شوی وی . دغه نوی مسایل دټو لنیز بدلون سره سم د هنر په څیره کی په نو یو شرایطو او محیط کی رامنځ ته شول چی دارنگه یوه نوی روحیه رښتیا هم دکوشانیانو دامپرا طوری په دننه کی په کوشا نی دوران کی راپیدا شوه که چیری دغه ځانگری دور نما په نظر کی ونیسو هغه وخت نوددی ستر نهضت ارز ښت ټاکلی او ویلای شو چی په هغه وخت کی

دافغانېستان ، پاکستان ، هندوستان اودشوروی سو سیالیستی جمهوریتو نو هیواد دمرکز ی آسیا دجمهوریتو نو اوسیدونکو خلکو دهغه څخه الهام اخیستی دی چی پیل یی په باختری مکتب کی لیدل کیدای شی خو دپخیدو او غوریدو وروستی تکاملی بڼه یی په کوشا- نیانو یابل پراخه پیمانهمشهورد گندهارا په هنرونو کی ، په اډاگه ښکاری اود هغه سره نژادی اړیکی لری.

هغه د سره گډ شوو خلکو د تقاضا اود هغوی ددی ادعا څخه سرچینه اخیستل چی دخلکو له پاره باید دچیری بڼی مفکوری دموندلو تلاش وشی . د هندوستان په اړخ کی د متهورا هنری بڼو نڅی نوی محرکه قوه ترلاسه کړی . کله چی دی بیلابیلو مکتبونو یو له بله سره د نږدو اړیکو چانس وموندنو د دوه اړخیزو او متقابلو اغیزو پدیده اودنوی کیدو اود پخیدو په لور د هنروده اود هغه نوی بڼی ولیدلی . دبشری مفکوری له پاره دنننی الهام په بنسټ تلاش عام شوی و هلته په څرگنده دموضو عاتوبه هکله گډ عام خصوصیات ښکاری خودوخت په تیریدو سره ، هنر دخلکو په ارتباط دیلا بیلو نژادونو او مفکورو په چوکاټ کی راښکیل شو په دی ډول کوشانی هنرد هغه وخت دخوشحال ټولنیز او توافق لرونکی ژوند انعکاس وسیله وه چی د دوو رگه **Hybride** د هنر د طبیعت او خصوصیت څخه لری واقع شوی و.

د هنر په باب لکه څنگه چی لیدل شوی ده عمومی تمایل په دی خواوو چی د ژوند بیلابیل اړخونه او شرایط پکی منعکس شی . په دی توگه نووینو چی په هنری چوکاټونو کی دبشری عقایدو او تخیلاتو مختلف ډولونه حتی هغه انسانی او حیوانی شکلونه چی دبشر دعلاقی وړ گرځیدلی وه ، په پراخه پیمانها نځور شوی دی . دنورو پدیدو په څیر هنر هم دمذاهب تراغیزی لاندی راغلی چی د محرکه قوی په توگه یی دعالی خلقت په لور هڅولی دی . چی په همپهغه زمانه کی په دی برخه کی دمرستندوی عامل په توگه په انسانی څیر کی دبودا دمجسمی د تصویر رامینځ ته کیدل وه چی تر هغه وخته پوری نوموړی دسمبو- لونو په توگه څرگند شوی و دا ډول تکوین په همدغه دوران کی دگند-

هارا او مشهورا به هنری سبکو نوکی هم لیدل شوی وی.

دغه تکوین دبهر نی الهام ا و انگیزی په اساس نه و را منځ ته شوی بلکی داپه حقیقت کی دهغهغو بنسټنی او تمایل زین نده و کوم چی دبدلون په لور یی دنوی پرو سی دایجاد غوښتنه کوله چی دغه جریان دبودیزم پر بنی باندی هم اغیزه وښیندله.

نوی اخلاقی عقاید چی دټو لنیز نظم دهما هنگی داپه تیاله مخی رامنځ ته شوی وه د بودیزم دبدلیدو نکو افکارو سره یو ځای شول په داسی حال کی چی بودا اود هغه لارښووننی منل شوی وی او هغوی دبشر غوښتننی په لور دپرمختگ په برخه کی فعاله ونه واخیسته.

هغه بودیزم چی نن ورځ د مهایانا په بڼه کی پیژندل شوی دی دبدلون دسلسلی هغه پړاو دی چی بودا یی مذهب دواړه بدلون پکی موندلی دی که څه هم دغه مذهب دبشر دنننی ژوند په لور گام پورته کړی خو بیایی هم خپل خصوصیت وساته. باید وویل شی چی دکوشا نیانو په امپراطوری کی یوازی بودیزم نه و موجود بلکی موږو ینو چی کوشا نی سکی دلومړی ځل له پاره دبیلو بیلو الهو (الوهیتونه) دخپرو په لرلو سره رامنځ ته شوی چی نو موږو الهو د امپراطوری دبیلا بیلو څپرو شوو عقایدو نما یندگی کو له دکوشانیانو زړه دومره پراخو چی دهغه وخت ټول مذهبی تمایلات په کی راجذب شوی وو هغوی پرته له دی چی دیوه نوی مذهب په تکوین لاس پوری کړی ، هغوی دتوافق او تحمل درو حیی دپراختیاله پاره لاره اواره کړه نو له همدی امله بشر دو سټی دژوند ځلانده هدف وگرځید چی هغه په حقیقت کی دله منځه نه تلونکی درس په توگه دکوشانیانو پر هنر ، کلتور او مدنیت باندی خپله اغیزه او ټا په وښندل.

کتابشناسی کوشک

نویسنده : دکتر باجج نات پوری بر گرداننده : حمیدالله صدیقی

بخش چهارم

فهرست مقالات :

اگراوال . ر . س : شواهد سکه شناسی در اسناد غروشتی ، *JNSI* ، XIV ، صفحه ۱۰۳۴۴
 در این اثر که ام اسطلاح بوسی (آسیای مرکزی) به صورت ششگانه برای ضرب پول مرچ بین
 قرن دم تا چهارم میلادی وجود ندارد . همچنان در این اثر توضیح داده شده که پول مروچس
 خارجی از حوزه گندهارا به آسیای مرکزی انتشار یافت . علاوه بر این اثر توسط دیده شود : لاستا
 تیرویاتی در کشتی مرکزی (*JRAS* ، ۱۹۲۶) در هم دستاورد رختن ، *JRAS* ، ۱۹۲۴ ،
 صفحات ۲۷۱-۲۷۲ ؛ ستین کتو :

« در هم دستاورد رکتیبه های غروشتی ، » ۷۱ ، ۸۰ ، ۲۵۵ ، ۴۴

اگراوال . و . اس : « یک قالب سکه کوشانی از زروختک » ، *JNSI* ، XV (۱) ، صفحات
 ۶۸-۶۹

این قالب سکه که از زروختک باز یافت گردیده چهره دختری را در حالت استاده نشان میدهد .
 بدست چپ وی که بلند میباشد شاخه را حکم گرفته بدست راست وی به دم دروازه قرار دارد . وی
 دستار بزرگ آویزه هایی در گوشها ، جاکت آستین دار بر تن و دارای دهوش نیز میباشد . نوشته
 که بر قستی از طرف راست آن دیده میشود کلمه ارد و کشواست .

تصور میگردد که این پارچه قالبین از سکه های طلا این هویشکا خواهد بود . در باره تخنیک کار
 آن شرحی بعمل نیامده است .

اگراوال . و . اس : « یک سکه کوشکا یا تنصیر بود » ، *JNSI* ، ۱۹۴۰ ، صفحه (۶۱) .

این سکه سی ، بود ازاد رحالت چهارزانو نشسته بر روی تخت بدون سکا دارای پایه های
 از هم دور واقع شده نشان میدهد .

تحقیقات کوهانی

این سکه از جمله سکه های خیلی نایاب بشمار میرود .

لان . جی : ((یک سکه جدید کوهانی)) : (نشریه سه ماهه سپتامبر لندن . VII ، ۱۹۲۳) .

این سکه جالب طلایی و سیاه که بیزنس را سوار بر تپل نشان میدهد و طبق نظریه نویسنده این حالت

برای رفع لغو هندوستان از جانب بی دلالت میکند .

التیکار . ۱۰ اس : ((سکه های کوهانی ها که از ذخیره گاه بیکسرا)) (JNSI ، ۱۱۰ ، ۱۹۵۰)

(۱۲۱-۱۲۲) صفحات

این خزینه از بیکسرا واقع بهار کشف گردیده که شامل ۲۳ عدد سکه و سیاه بیزنس ، ۱۱۵۹ از کشتکا

۱۷۲ از هوشکابوده و در حالیکه ۲۸ عدد دیگر آنها مجهول و ده عدد آنها سکه های ایزد میا از سلسله

Cock و Bull میباشد .

التیکار . ۱۰ اس : ((بعضی سکه های تازه باز یافت شده در هروما یوک - کو بولوئید بیزنس))

JNSI ، ۱۱۰ ، (۱۹۲۷) . صفحه ۶

این سکه ها به اصطلاح هروما یوک و کو بولوئید بیزنس شعبه حکمروایی آنها میباشد . اینها صرف

کاپی بیلتانیک از تپ سکه های هروما یوک اند که در هوزو تاپل شهرت داشت .

بعضی از سکه های سی این نوع از تپ کشف گردیده که بزنجیر متروقدان تشابه قابل رویت

در چهره هارچه صورت موی بر بریز نوشته و تانی در روی آنها اشاره میکند . طبق نظریه نویسنده اینها

به حد سکه های شترک هروما یوک بولاکه بیزنس انتشار یافته است و تنها بعد از حکمروایی اند و کوسک

کولوئید بیزنس این سکه های که در هوزو تاپل معمول بود تولید کرد .

التیکار . ۱۰ اس : ((بوداد سکه های اندورستی)) (JNSI ، ۱۱۷ ، ۱۹۵۲) صفحه ۱۱

بر سکه های مویس بود است نه باد شاه در حال نشسته بزنجیر که از جانب گارد نرم طرح گردیده است .

التیکار با نقل قول از آنها کاگتا - نید انا جاگتا کا بیان میدارد که گوتا ما معروض بران بود که قبل از شستن

بران باشتی از سبزه امرا پشانید ، بود ایمیشلک بنوا جراسا تاد روی سکه و نیل در حالت جسته و

خیزه رفب ان دیده میشود .

التیکار . ۱۰ اس . ((دوازده سکه ساختگی و جعلی کوهانی ها)) (JNSI ، ۱۱۷ ، ۱۹۲۴) این

سکه ها که از تیره میباشند از طرف آقای ری در یافت شده است و تصور گردیده که آنها ساختگی بوده و

از روی قالب های سکه های طلایی ساخته شده اند . و آنها مطابقی با معیار میزند های سکه های

تیره سابق نمائند .

التیکار . ۱۰ اس : ((دو سکه دیگر هوشکابوده امرا یوک)) (JNSI ، ۱۱۰ ، ۱۹۵۰)

طبق نظریه یولف، سکه های اصلی کوشانی ها بصورت عمود مستقیم ضرب شده اند نه از روی گسدام نمونه دیگر. وی دو سکه طلايي هوشکارا با هم مقایسه نموده آنها را شرح میدهد که یکی از آنها ساختگی میباشد مانند سکه ۰ اهورا مزدايي سابق در ضرب این سکه ها بنظر میخورد .

التیکار ۰۱۰ اس : «سکه های کشتکا از نوع ارد و خشو» *JNSI* VIII، صفحه (۶۰) نویسنده یاد آور میشود که این یکی از سکه های کتاب دروزنم پرتانیاست که وزن آن (۱۲۱) گرانیس و سایر (۷۵) میباشد .

التیکار ۰۱۰ اس : ((یاد داشت در باره سکه های طلايي کوشانی از سیسوالاگار)) هندستان (نمبر ۵) صفحات ۱۰۰-۱۰۱ *JNSI* XXX، ۱۹۰-۵۱ صفحات ۱-۴ . که طلايي که در جریان حفريات باستانشناسی از سیسوالاگار دریافت شده به نسبت اینکه پگانه پارچه طلايي به تقلید از سکه های کوشانی میباشد با ارزش شود . میشود . طبق بیان نویسنده نام ناشی (د هاما راما د هارا) بود که وی در ضرب سکه خود نوع يك روئی را انتخاب میکند . تاریخ این سکه بعدتر از صروا سپید پڑی اول (۲۰۰ میلادی) که در روی این سکه ها تقلیدي از سکه های عمل اده میباشد .

التیکار ۰۱۰ اس : ((يك سکه طلايي جدید و منحصر بفرد متعلق به وابسود بود)) *JNSI* XXX، ۲۰۰ .

التیکار یاد ما : هوشکار یکد ام زمان تعیین میکرد *JNSI* XIV، ۶۲ .
مطالعه نه پیرامون نیم تنه حکمروایان در روی سکه های طلايي متعلق به مجموعه پ پوتد اریسه عمل اده نشان میدهد که هوشکار تا عمر (۷۰) سالگی حکمروایی نمود و مرگ وی در رین سالهای ۷۰ و ۷۴ صر کوشانی اتفاق افتاد . بود .

بیوار ۰۱۰ اس : سکه های یکتا نو ساسانی *JNSI* XVIII، (۱) صفحات ۱۲-۱۱ .

مؤلف سکه های متعدد که های کوشانی نو ساسانی را طبق قرائین موجود در آنها بر اساس کروئولوژی مرتب میزند . این سکه ها به پنج دسته تقسیم شده اند : سکه های طلايي به خط پیچیده کوشانی که های طلايي زنگنه ساخت ساسانی با خطوط پهلوی با سکه های کوچک برونزی با خطوط شکسته کوشانی یا پهلوی با سکه های بزرگ برونزی صرف با خطوط شکسته کوشانی و سکه های نقره کپواری که با آنها انتشار سکه های کوشانی شاه و اراهران در م خاتمه میباشد .

در سلسله سکه های ساسانی ها هر که ام از حکمروایان یا کلا های جالب شان طرح ریزی شده اند که اینها علامه معنی برای تشخیص چهره حکمروایان در این سکه ها بشمار میرود .

دارم. ل: ((سکه جدید نقره هوشکا))، *JNSI*، II، ۱۱۳.

اصلیت این سکه از طرف ا. ک. ن. نراین مورد تردید قرار گرفته است.

کیرشن، ر: *Un decadrachme Kouchina medit, Extraitoksp*،
Melanges Louis Maesignon, Institute, Francais de Damas
1957, P.P. 259-267.

این دیکاد رهم مربوط به مجموعه «عزیز بیگلر از تهران» دارای وزن (۲۴ر۴) گرم (۲۷۸) گرمی است
قطر (۳۰) ملی متر و ضخامت (۴) ملی متر میباشد. در روی این سکه جهره «و ساکد نیزس بالقب باسیلوس
باسیلوس به زبان یونانی و در عقب آن شعزاد» در حالت آساره با نوشته «باسیلوس کنشکاید» مینویسد.
روی آن دارای دوجهره بد جهت مخالف میباشد. در این پارچه آثار متعدد انتشارت وجود دارد.
گهوس ۱۰۰ حیت: ((سه سکه طلایی کویاب کوشانی)) *JRASB*، سلسله حدیسی
XLV، ۱۹۳۴.

گیل، ر: ((الگوهای روسی سکه های کوشانی)) *JNSI*، XXII، (1970) صفحات ۶-۲۵.
موضوع اصلی این مقاله مبارزات از تعییب حدی و آنکه کدام انواع ایکونوگرافیک امپراطوری روسی
به علت تجارت بین المللی بر انواع مشخص سکه های کوشانی اثر گذارند. و اینها را تعیین کرد ماست.
هیچنان که: «از سکه های کد نیزس شد اخل در هندی روابط نزدیکی را با اسکندریه های مهم فرسی
که در آنجا نمایندگی های تجارت رهم با هندی واقع بود برقرار ساخت. نویسنده» در ضمن آنکه راجع به بیان
اصلیت شاه کوشانی در ایجاد نام گذارن دینارها «دینار و چند نصف دینار نوع دینار اشاره میکند.
انواع اشتقاق یافته سکه های حکمرانان منفرد را نیز شرح میدهد. اینها همه پژوهش روسی اشاره میدارند
هیچنان انواع دینارها یا کجولا از سکه های کلاسیک اول یا اگوستوس گرفته شد ماند. انواع سکه های
که در آنجا پدید آمدند، بهیچ اندک «قبل آمد» (روما و هوشکا) از روی سکه های نوع نمایشی امپراطوری های
روسی نقل گردید ماست. طبق نظر نویسنده اینها بین توحات و صادر رهند میباشد. انواع دیگری که
از جانب نویسنده شرح یافته است عبارت است از: نانا است با نیم حیوان در قسمت بالای «ارد حشو»
شیوا و گاوش، نمایش خدایان یونان و رهم فرسی.

سیرا پیس، هلیوس، سالیسی (سلیسی)، هیفاسیتوس و نامایا، هیراکلیس، رشتو، شهرسوار
وانند و میباشد. از روی سلسله شاهان و شواهد ارتباط بین رهم و انواع سکه های کوشانی، نویسنده
همچنین کجولا اگوستوس، دیوانیسوس تانراجان و بین و کشکا و هوشکا از کسو، هدمین ویوس از سو
د بگوشمین بنماید. در این مقاله یک جدول مختصر و خلاصه مختصری که راجع به این جدول توضیحاتی

ارائه میدارد و دنبال آن یکپارده است. های توضیحی نیز ضمیمه گردیده و گنجینه‌ها و سده‌هاست گویا جهره‌ها
های الهه اردخسوراکه حاوی تاجی از شاخه‌هاست نبات میباشد با انواع روسی آن قاپسه میکند در حالیکه
کار در ایران بهمان اروها اگر بیاورای صاحب شوایمید اند .

هفتم انرا انشیا بی پارس تصور بنماید . و نیز تصور شده که این الهه یکشی، الهه خوشبختی
هند نیز میباشد (BHC، شماره ۲۴)، نقشه‌های سکه‌های کوشانی در ارتباط با نقشه‌های سکه‌های
روسی نیز از جانب عددهم بگری از دانشمندان توضیح گردیده است . اینها عبارتند از گیرشمن (پگرام) صفحه
۱۲۲ . پروموتزسد ویلارد (Le monete dei Kushana el Impero Romano)

دورناتالیا XVII (۱۹۴۸، ۲۲۴، ۲) . ر. گویا هجتنان در مقاله‌ها بگریش نیز تحت

عنوان ذیل به این موضوع اشاره میدارد .

Die Münzprägung de Kusan von Vima Kadphises vis Bahram, IV

هجتنان مقاله‌ها بگری گویا تحت عنوان ذیل دریده شود : (گویا و شواهد سکه‌شناسی مربوط به
سده‌ها کشنکا، مقالات در باره‌ها کشنکا صفحات (۱۰۳، ۱۱۴) .

گوتیا . پ . ل . (سکه‌ها گیاب هوشنکا) JNSI ، XIII ، ۱۹۵۱، صفحه ۱۴۸ . این
مقاله به نوشته‌ها ید و سکه‌ها نمونش بهار اتیا کالایهاوان واراناسی . انکا «دار» اول آن نوع سوار کار نیل و در
ان نوع سکاند اکومار او شاخا میباشد .

کلاک موزیم برناتالیا (پلیت XXVII ۱۲۰ و خصوصاً XXVII ۲۲۰ سکه‌ها دیگری از نوع
در هجتنان از طرف ف . بر . مارتین در S.N. JAST ، مجله XLIV ، صفحه (۸) نشر
گردیده است اندازه سکه‌ها نوع در ، در میان ستاتیریکس آن ربع ستاتیریکس که در موزیم برناتالیا موجود
میباشد .

گوتیا . پ . ل . (سکه ربع ستاتیریکس به شاهان کوشانی) ، JNSI ، XIII ،
۱۹۵۱ - ۵۲ ، صفحه ۱۷۸ ، ۳۰ شکل .

این مقاله به سکه‌ها طلا این ربع ستاتیریکس در موزیم بهارات کالا «واراناسی» وجود دارد اشاره میکند . یکی
از آنها شامل سکه‌ها کشنکا میباشد که در عقبان ایزد مردانه فارو . (باعظمت شاعانه) دریده میشود . دیگری
ان سکه‌ها و اسب و یواستکه در عقبان شیوا پاد و ساعد تشکیل گردیده و سوس ان از کشنکا در موزیم یاسم است با
حروف تکامل یونانی ESHKKO ویراهسی ga در قسمت چپ پای شاه در عقبان شیوا پاد و
بازو تشکیل گردیده ، اندازه آن ۵،۵ وزن آن ۲۲٫۵ گرامین میباشد . طبق نظر نویسندگان ستاتیریکس

کشکای در مراسم هروقات اما ربع ستائیر شعلق به وی شناخته نشد ماست .

گزیبا . پ ۰ ل : ((سنه جبرانیول کشکاد رهند شرقی)) *JNSI* . XV صفحات

۰۱۲-۱۸۰

همچنان مقاله دیگر نویسنده راجع به سمت شرقی ((ابراطوری کوشانی ها)) *IXA* . XIX

۰۲۲۱ - صفحات ۲۰۵

نویسنده ۱۰۴۰۰ سکه های کوشانی را شرح میدهد که از ساحه حفريات و غیره مناطق در رنگسال ، بهار ، و اوریسه باز یافت گردید ماست . طبق نظریی شواهد زیاد وجود دارد که بر حسب آن موجودیت سکه های کوشانی در شرق هند در نتیجه پیارند بهای اقتصاد مردم در سر کوشانی های ناخر وجود آمده بود و وجود این سکه های با نگر نمودن سیاسی کوشانی ها در شرق کانیا کوشانی ها . در باره این مقاله مد . بنرجم *IXA* ، *XVII* ، صفحات ۲۹۴-۳۰۳) طوری بیان میکند که اوترا پراش ، بهار و سکن ، دلسانی - گنگا و همچنان اوریسه روز گاری چندین شامل ابراطوری کوشانی باشد .

کهارکات پ ۰ م : ((راجع به شناختنام ارد و خشود رسکه های کوشانی)) *JNSI* . X . (۱)

صفحات ۲۰-۲۷

که د اول . د اوند . دو همبار وزن سکه های طلائی و مسی از سر و ساقا و اسپید بود) *JNSI* .

XII ۱۱۶۰۰ صفحات ۲۶-۲۷

سین چارلز : ((یادداشت در باره سکه های قدیمی باز یافت شده از گرا واقع در کوهستان

کابل « *JAS B* . III . (۱۸۳۴) صفحات ۱۰۳-۱۲۰

د بتار طلائی بود که از جانب و سانشایهت . و از نظریون و اندازه ابدی روس العالم گرفته بود . احتمالاً از سکه های قبلی در بعضی جهت شاهر گردید . بود اما اختلافی بین سکه های طلائی نیم و کوشانی نیز وجود دارد . د بتار کوشانی معیار وزن ابراطوری معلول روس را اقتباس نکرده بود . وزن ثابت (۷۰ و ۸) گرام را حفظ نمود اما مدت در جریان زمان اتبه کیفیت طذبان گاشته شد . ایجاد سکه های بزرگ مسی ، با اجزای کوچک آن سکه های مسی هم شکل را اختوا میکردند .

بکه های بزرگ مسی به معیار وزن (۱۷) گرام ضرب شده بود . کشکا انتشار سلسله سکه های مسی در روسی و در روسی و سه در روسی را د اد و همچنان یک چیز کوچک نیم در روسی های پشیراد نیال کرد . سکه های مسی هوشکاسلسله وسیع و جالبی را در بر میگردد و از جهت معیاره که ام قاعده سکی نیگرددند . معیار تهراد روسی های وی تا صبر و اسپید بود اما سه یافت . در جریان قرن حکمروایی کوشانی ها بین و مسار

و اسبود بواجوفین و خصوصیت ارزش فلزیکه های مس تنراد رهی تقریباً ۵۰۰ (نیمد تقبیل بعمل
اید و بود ۰ اینکه سکه های مس در قلمرو کوشانی هاد اراپ پشتروانه سکه های طلائی نسبتاً تابست
بودند ممکن بشمار برهفت *

مگر چس ۰ ب ۰ ن : ((الگوهای طرح عقب سکه های کوشانی)) JNSI ، XXII ، ۱۹۶۰ صفحات

۱۰۱-۱۱۲

شاه و در حال ایستاد و ضربانی چیزی در یک قریانگه از طرح های محسول سکه های کوشانی میباشد .
نویسنده این سکه ها را با انواع سکه های کوشانی شاه پارتی که حکمروایی وی از ۴۰-۴۱ تا ۵۱ میلادی
در وام کرد بنامش نموده توضیح میدارد که امپراطور کوشانی هاتا که در قلمه توسعه یافته بود (مطالعات
هند در گذشته و حال ۱ نمر ۱) و شامل بعضی از نشت های قلمرو حکمروایان پارتی باشد *

نراین ۰ ک ۰ : ((يك سکه منحصر فرد طلائی و د سکه نقره هوشکا)) JNSI ، XXII ،

۱۹۶۰ صفحات ۱۷-۱۰۲

نویسنده در این مقاله خصوصاً يك سکه طلائی و د سکه نقره هوشکارا که در موزیم مونیخ ویرلین
موجود است شرح میدهد . این سکه طلائی برای بار اول پادشاه رابه طرف راست در حالیکه دستار
بسر دارد نشان میدهد . وی ریش و سبیل های انبوه خود را پیراسته است . معلوم میشود که این سکه در زمان
انتهای سلطنت ویانتشار یافته بود . د سکه نقره که نمای اصلی تصویرش است . خصوصیت مهم این سکه ها
در وجود حد اقل (۷) حرف خروشی این میباشد و هم از لحاظ اینکه سکه های منتشره به دوزبان
میباشد هم تلقی میشود *

رلم چند ران ۰ س ۰ ن : ((بازمانده سکه های پوری کوشان یا اوریا کوشان از ستا بهانجی ، دست

کبونجهار و اویسه)) JNSI ، XIII ، ۱۹۵۱-۵۲ صفحات ۱۹-۲۲

در روی این سکه ها چهره بسیار ابتد این شاه کوشانی . در حالت ایستاده و عقبان کاپی یکس از
ایزدانی راکه سکن ایزد ماه باشند و سکه های کوشانی اده تشکیل گردید است *

وی چود ری ۰ س ۰ ر : ((يك سکه ستا باب که فیروز م)) JNSI ، XXI ، (۱۹۵۱) صفحه ۲۹

این سکه که در سوط به موزیم استورشد اشگاه کلکته میباشد در رویان در یک چوکات بورتیست
(ائدا) حکمروا دیده میشود و مانند پادشاه از کلمین قورشنگا میکند . این نمونه که با
طوری معلوم میشود که از روی چهره ۴ بزدي (ومانا) که از کلکین قوری در هشت نگه میکند العمام
گرفته است *

سویاستاوا ۰ ک ۰ : ((يك ذخیره سکه های طلائی کوشانی از دست چنورا)) نشریه موزیم

اوتراپردیش • شماره (۷۷) ۱۹۹۱ صفحات ۲۷-۳۰

د رسال ۱۹۶۸-۶۹ يك ذخیره (۲۴) عدد ازسکه های طلايي ازین قریه د هلیپور واقع در سمت جنیور دریافت گردید. این ذخیره شامل سکه های ضرب شد ماست که در ان از کشکای اول يك عدد واسود پوا د نه عدد کشکای سوم (چهار عدد) واز واسویا واسود پوا ي دم چهار عدد پوا سربواستوا ۱۰۰ ك : سکه های طلايي کوشانی ها از ایالت یارایانکی ((JNSI • XXX (۱) ۱۹۹۱.

این اثر ذخیره (۱۲) سکه طلايي را که از قریه ساهاوال مربوط ایالت یارایانکی کشف گردید و د رسال ۱۹۹۱ به موزیم دولتی انتقال یافت شرح مید هد. تمام این سکه های هوشکات متعلق میگردد. سربواستوا ۱۰۰ ك : ((سکه های طلايي کوشانی ها از ناحیه وناو)) ندریه موزیم ریاستان شناسی اوتراپردیش شماره (۶۰) جون رد سپهر ۷۰ صفحات ۲۱-۲۳.

این مقاله (۱۲) عدد سکه های پادشاهی که در کوشانی را که عبارتند از: (واسود پوا • کشکای سوم و واسود پوا میباشند شرح مید همد (۰) سه سکه واسود پوا از نوعیت که پادشاه در حالیکه نیم تنه پورتن دارد و در مقابل اشده ان نذری را تقدیم میکند. از جمله سه سکه کشکای سوم دویان پادشاه را در نیم تنه زهد اروا نمود میسازد. در رشتن سکه واسود پوا پادشاه در روی سکه بحالت ایستاده و - ارد و خشو د رغب ان تشیل گردید هاست.

سربواستوا ۱۰۰ ك : ((محلات کشف سکه های کوشانی د ر اوتراپردیش)) ندریه موزیم هاو

باستان شناسی د ر اوتراپردیش شماره ۳ د سپهر ۷۱ صفحات ۲۷-۴۲.

در این اثر نویسنده میگوید تا شواهد تازه را که د رسال ۱۳۷۸ د ر اثر حفريات و تفحصات کشف گردید و همچنان انهای را که د گزارش سروی باستان شناسی ضمیمه سکه شناسی و گزارش سالیانسه موزیم دولتی لکهنو فهرست شد. مطالعه نمایه این فهرست سکه ها شامل سیزده نوع سکه طلايي و (۲۰) عدد سکه قریه میگردد.

طبق نظر نویسنده نقاط بازیافت سکه های کوشانی د لالت بروست قلعه کوشانی های بعدی مینماید.

قلعه کوشانی از سمرقند تا گور اخیرو امتداد داشت. تپه های جنوبی ان منطقه خارج از حوزه نفوذ شان قرار داشت در حالیکه جلگه های غربی تماما د ر تحت نفوذ اربت انعمابود.

سربواستوا ۱۰۰ ك : اس : ((ذخیره سکوکات کوشانی از اوتراپردیش)) ندریه موزیم ریاستان

شناسی ۱۹۶۸

در ایالت اوتراپردیش تعداد زیادی از سکه‌های کوشانی از سده ۳-۴ میلادی کشف گردیده است. از قبیل
 اعظم کوه ۳ جیونپور در شرق ۳ جیروت در غرب و ستاپور در شمال ۳ از این مناطق اقلاً پیش از (۲۰۰) سکه
 کوشانی کشف گردیده است. هیرتل پان‌دخیره ۳ حاوی (۱۲۰) سکه را در جریان حفاریات از منطقه سونک
 در (۸) مایل گواران هانا و شهر کشف کرد. محققان این تعجب آور است که در این میان سکه‌های طلائی از
 این منطقه با ساخت تلخاش کوشانی هاد رتاً مگردیده ۳ در حالیکه از جیروت ۳ بارابانکی و جیونپور صرف
 (۲۲-۱۲ و ۱۳) سکه طلائی بدست آمده است.

ستین ۱۰- : ((ایزدان زرد : نی بسکه ۳ پای هند و سیتی)) استاد نرس ویا جلی اگست ۱۸۸۷ م
 جتان در سنیقه : ناس هند ۳ VII (۱۸۸۱) صفحات ۸۶ و تجدید چاپ در رکویزیکل سکه شناسی
 هند جلد اول .

این یک مقاله بسیار جامع در این مورد میباشد اما اکنون تا آنکه از سکه‌ها به بحث نرسیده است نتیجه گیری
 ستین ناکفته نماند که حاوی اهمیت بسیار پرورد .

نویسنده وی : لاج ۳ : ((یادداشتی دربارهٔ برادرسکه های هند و سیتی)) JNSI ، (ii) ،
 صفحات ۱۰۰-۱۰۸ .

نویسنده اشارات البتکاران دربارهٔ چهره بود در سکه های موس مورد تردید قرار میدهد . طبق
 نظریه این چهره در سکه های بلندی تکه داده و چیزی را که بدست گرفته نشی از سکه است که شابه شاخه
 برگ یا dropery اویزان میباشد . این مطلب قابل گفت است که هر یکی از شاهان اند و سیتی و خصوصاً
 موپس اینگونه سکه‌ها را منتشر ساخته باشد .

اوتاماسنگ رآو : ((سکه های س کوشانی)) JNSI ، XVI ، f 196 .

پنک دخیرو (۵۰۰) سکه سی و سی و یکم نیز روکشها از ناط نامعلومی در این مقاله شرح یافته است .
 این سکه‌ها حاوی یک ام اهمیت خاص نمیباشد .

هنر معماران

صحرکوهانی ها از لحاظ سعادت به زینت های هنر و معماری مانند سایر زینت های صورت همان
 حاوی اهمیت است. در این عصر و جریان مختلف مربوط به رسم حد اگانه از دو جانب شرق و غرب دو جهت
 امپراطوری کوهانی ها را احتوانود. این جریانات بناها را مکتب هنری کند ها را با اگر کوچک بود و هنر
 شهرها معروفند.

این جریانات هنر از لحاظ خجصیت جامع در ارای جلوه خاص و اشتقاق یافته از منابع مختلف
 میباشد. فرارود های هنری این مکتب از لحاظ موضوع هنری بغیر از تشبیل تصاویر بود. در استان
 های که ارتباط به زندگی و دید ارد و ایجاد رستن بود این و چنانکه ثابت گردید ماند. با تصنیف این
 تشریحک بشکل درک نیروانایتهای و همچنان ظهور قبلی بود اجیزد بگری نیباید.

مجسمه سازان هرد و این مناطق مجسمه های بود. بود بساتواها با بود اد رحال نیز سازو
 راهبان مربوط به طریقه بود بزوجه مضربین آنها برها اند را با ناکا ه هاریتی بیباید ترانید ه
 اند دران هنگامیکه مکتب کند ها را صرف به پودینم جسد ه بود مجسمه سازان منطقه شهر رادر
 خدمت برهن و جن قرار داشتند.

شاهان کوهانی خود مشوقین و حمایه کنندگان هنر بودند که این مطلب از روی مجسمه های خود
 شان و نمایشگاه های هنر صرشان واضح میباشد و همچنان از شان خود رابه يك پیمان وسیع مکلف بر
 انکشاف ورشد هرد و مکتب هنری میداشتند. بسیار احتمال میرود که هنرمندان خارجی بنا بر دستور
 مشوقین خود توانایی و استعداد خود را در مناطق شمال غرب اشکار ساختند که به این صورت بعضی از
 فرارود های هنری نتیجه منطقی تحرك درونی شان نسبت به پذیرش بودیم میباشد.

صحر هرد و مکتب صرف محدود به دوران کشکان میباشد. هرد و مکتب قبل از کشکا ظهرو تا بعد از
 ختم دوره کشکا ادامه یافتند. در واقعیت امر تاریخ مکتب شهر و بعد از کشکا يك تعداد از کشورها را
 در بر میگیرد که با احتمال تا قرن ششم و هفتم میلاد یا تا دیامت.

هنر گند ها را :

اصطلاح هنر گند ها را به تمام فرارود های هنری ساحه جغرافیایی که به این نام مسمی بود و این
 ساحه افغانستان شرقی ناحیه کوهستانی سوت و نیرنجاب شرقی ایالات سرحد شمال غرب
 (اکتوبر پشاور) را احتوا میکند. در یک مدت زمانی معین و کاربرد مواد مخصوصه که عبارت بود از نیست
 این اطلاق میگردد. این هنر بدون شک بی مانند ولی در همین حال از لحاظ تاریخی مغلق میباشد. این

طلب درست اشاره شد که این هنر دوره تاریخی را احتوا میکند که مشخص نمودن آن کار بسیاری از دانشمندی را که آنها نظرات مغایر هم را جمع به تعیین تاریخ آن ارائه داشته به نتیجه ساخته است و برهمن های این زمینه گمان منظر حل هستند متعدد * شکوک و ظاهراً غیر قابل حل میباشند * در طول صد سال گذشته و با بیشتر از آن راجع به تاریخ مربوط به عصر کوشانی ها دانشمندی آن نظراتی ارائه نکرده است * کنگم اولین دانشمندی است که تاریخ انرا تعیین و انرا اصطلاحی در آن حکم و بیان کوشانی کشکوا و جانشینانش و انمود ساخت (*ASR. III. P. 39*) نیرگوسن صرشتگوفانی انرا در حوالی (۱۰۰) میلادی و در آن انرا از قرن اول قبل از میلاد تا قرن (۵) میلادی تعیین نمود (تاریخ معاری هند و شرق ۱۸۷۶ صفحات ۱۸۱-۲) و ۱۰۰ ست. منصور روسی و یوتانی انرا از هم جدا و تاریخ دوران نهایی انرا بین (۵-۱۵۰) و ۲۰۰ میلادی تعیین کردند (تاریخ هنر های زیبا در هند و سیلون جلد ۱ صفحات ۵۲-۵۳) گرونویدل و نوشمرد و تاریخ آغازین هنر راد قرن اول میلادی و انمود ساختند و همچنان گرونویدل و لاسر در نشان انرا در قرن میلادی میداند *

Budhistisch Kunst, 1980 در حالیکه نوشته در دوره شگوفانی انرا در قرن اول میلادی و انحطاط انرا در نیمه دوم آن قرن پیشنهاد نمود ماست *art Greco-Buddhique II* پنجمه ۱۹۶۶ و گسل در این زمینه یافته موافق است (*The Buddhistisch Kunst* ۱۹۱۳) اما کورماراسوامی صرشتگوفانی این هنر راد عصر کنگکا قرار میدهد *

(تاریخ هنر هند وستان واند و نیز باصفحه ۵۳) رولاند قابسه * یک شناسی بین هنر روسی و گند هارا پیشتر کشیده و توضیح میکند که آغاز آن زندگی بعد از نیمه اول قرن اول میلادی و دوره شگوفانی آن بعد از قرن اول میلادی تا قرن چهارم پیش از هنر و معاری هند صفحه ۷۵) طبق نظر مارشال * این هنر در قرن اول ق.م.م آغاز شد * (هنر روسی گند هارا صفحه ۱۷) اما تا زمان پیشرفت کوشانی ها در نیمه دوم قرن اول میلادی به پختگی خود نایل نمرید *

این هنر که در قرن دوم میلادی در حال شگوفانی خود بود با سلطنت واسیوود و انند کی رویه انحطاط نهاد و بارک و یک منجر به غیبت کوشانی ها در هند میشود به نقطه پایانی بیکاری من انجاند (*JRAS* *اپریل ۱۹۴۷* ، ص ۱۶) و همچنان در اثرش تحت عنوان ((هنر گند هارا)) ۱۹۶۰ توضیح میکند که در گند هارا و مکتب حد اگاهانه هنر وجود داشت * اولی آن در قرن اول و دوم میلادی در حال رشد و انکشاف بود و ویس آن در رساله یا اخیر قرن چهارم و پنجم میلادی * این هنر و مکتب نه تنها از لحاظ خصوصیات هنری بلکه از لحاظ مواد بکه پیکر سازان بکار میبردند نیز صرحاً از هم متمایز بودند * یعنی در مرحله اول از سنگ و در دوم آن از گچ و سونک استفاده میشد *

از این مورد و سبک اولی آنستکه در این کتاب مورد علاقه و دلچسپی مقرر گردید. گویشمن همچنان یک دوره بسیار کوتاهی را برای هنرگردانان پیشنهاد میکند که طبق نظریه در قرن اول میلادی آغاز ساخت سرامیک نیمه در قرن دوم میلادی پیشرفت و سرانجام در نیمه دوم قرن سوم میلادی پیرویه انحطاط نهاد. (بگرام صفحات ۱۵۲-۱۵۴) بخونوقیلا شماره نموده. این سبک احتمال دارد که در اواسط قرن اول میلادی وجود نیابد. بود (JAOS دسامبر ۱۹۱۱) توسط مارشال نقل قول گردید. (Cit. op صفحه ۱۶) در اثر دیگر تحت عنوان ((هنرگردانان در پاکستان)) پائینین نیوسارک (۱۹۵۷) مرالدشچ میدهد که فعالیت در سبک هنرگردانان بعد از فتوحات ساسانیان در حواله (۲۵۰) میلادی قوت داشت. این نظریست که از جانب ر. ا. پوپلر تائید گردید. (مقیه شناسی. XXXIII. ۱۹۴۹. صفحات ۱۷-۱۸)

و همچنان توسط سر رنیز شیبیان گردید. (نشریه پاستان شناسی آمریکا ۱۹۵۱ صفحه ۳۱۴) و نیز از جانب نوشته (La Vieille Route de l'Inde ۲۲۱-۲۴۲) تبیین فاطم تاریخ هنرگردانان به شکل بسیار است. در این مورد اثر او هووین دیلیویدید. نمود: (مجموعه صفحات ۷۵) خلاصه نظرات مختلف در این باره به یولوگرافی بیشتر در باره هنرگردانان راه ساده چغرنایه پاستان شناسی و تاریخ اند را اثر هنر گردانان در تحت عنوان ذیل ارائه شد است:

(Contribution a l'etude de l'art du Grandhara) پاریس

سال ۱۹۵۰.

نفسود یونان رومی:

راجع به سبک هنرگردانان در سوره ریاض است که این هنرآهزده از اتمکال هنر یونان - روم و هند است که در دوره بین قرن دوم تا چهارم میلادی غرضه سبک های مشخص کلاسیک بود که بعداً بصورت کامل به شکل هنر گردانان (رولاند: بولتن هنر XVII (۱۹۴۶) صفحه ۱۳۷).

همچنان مطلبی از طرف دانشمندان پیشنهاد گردید که هنرگردانان از لحاظ خصوصیات صورت شناسی در مجسمه ها تقریباً یک مرحله محلی هلنستیک بود. نه رومی، مرحله دومی آن یک بکریم سد پی بود. نه بد رهنده آن بنا بر این این هنر به صورت شکل توسعه یافته شرقی از تمدن هلنستیک و امپراتور آن با عناصر هند پیترج گردید. ماستویا اینکه بعضی ها آنرا توسعه فرهنگ هند یا لباس خارجی در غرب میداند. موتیف های هلنستیک بدون تردید بحیث بخش از هنرگردانان قبول شده بود. اینها عبارت بودند از: مهرهای پرسبولتن *merdon crenellates* و حیوانات عجیب انسانی مثل ایلوالهول *gryphon* که در سبک هنر گردانان قدیم شبه سازیشده بود. همچنان عناصر دیگر یا زقبیل

(*gerlandu. v. & bearing erotis de lantids*) و مخلوقات شبه انسان مثل اشکال نیمه اسب و نیمه انسان *shippocamp triton Centaur* هم اجزای مربوط به هنر هلنستیک بودند و به صورت روتیزه آن از جانب هنرمندان اسپانیا و ارمنی که در دربار کوشانی ها کار میکردند پیکار کرده شده بود. بعضی از آثار یکجدا و بزرگ خارجه میباشد از ساحه هند هارا در ریاست کردیده که شامل مجسمه های هرپو کرک و دیونیزوس است که از تانکس بلاکف شد مانند.

مجسمه پرتوی هراگلس (که اکنون در موزیم لندن میباشد) و *Plaque, steatite*

و *Cosmetic trays* که به تعداد زیاد در کابلاد ست اید ماست.

گیلاس های نفوذه و مجسمه های فلزی و سونکی که از کرام کشف شده اند اشاره بر روابط بین هند و روم تلقی کرده است. در حالیکه شکل است تاد ریمان مجموعه بازمانده های هنری کد هارا محصول هنری روم را که مقارن به هنرهای الوین و کشکا با بسیار تمدن تر از آن در قرن چهارم میلادی باشد در ریاست کردید. این مطلب کشف یونانی بازمانده های قدیمی هنر کد هارا و بسیار ریاضات هنری شده و متعلق به دوره بعدی میباشد و در این میان شواهدی از تنوع سبک های محلی که زیاد پاکسم در سراسر این ناحیه همانند پیدا شده باشند در ریمان نیست تمام مجسمه سازان این دوره بود این اند و تصور بود انتم زینته هارا احتوا نموده بود تمام انشده اتی که صرف تحقیقات در ریمان هنرمندان نفوذ خارجی را در هنر کد هارا شرح داد مانند در این ارتباط و مقاله ای بوختال بیان مطلب توجه بخصوصی بند و دل استعانت اینها عبارتند از نشانه مشترک کلاسیک هنر روایتی بود این و بعضی که این مقاله در نشریه انجمن شاهای شرق شناسی سال ۱۹۴۳ صفحه (۱۳۲) چاپ شد ماست و مقاله تحت عنوان «زینته های غیر مجسمه سازی کد هارا» که در مجموعه «آکادمی انگلستان» XXXI، ۱۹۴۵ به چاپ رسیده است.

بوختال همچنان مقاله «بار» (پایه های کروئولوژی مجسمه سازی کد هارا) در جزوه های انجمن سرامیک شرقی XXXI به چاپ رسانیده است. طبق نظر روی ایجاد تصویر بود آن را آغاز اکتشافین مکتب قرار میگردد یعنی با تغییر مسلسل معنات

این مرحله نشانهای اولی نفوذ رومین در هند میباشد. روابط صلح امیز بین روم و شرق یکی از آرزوهای خواستهای مقدم سیاست تجاری امپراطور ویشمار بررفت و از اواسط قرن اول میلادی شرایط سیاسی استفاده راه خنک مدیترانه را از طریق پالمیرا مساعد ساخته بود که این کوتاهترین راه ارتباطی بین هند و روم بود. و چون راه کسب اهمیت نمود مردمان مناطق اند و سرباطلات هنری مردم اینان حاصل نمودند. پرستش تصویر بود همی اشاره بعد از طبع مجسمه شاهای و مجسمه های بحالت نشسته

ضمیمه آن بسیار زود به نیالان ایجاد گردید که پیش هرد و مجسمه هاتوری که نویسنده ارائه نمود و اندکی قبل از جلوس کشتکا بوجود آمد (سدر در ۳۰م قرن در ۳۰ میلادی) و کشتکاد و پارما بن مجسمه هارا در روی سکه هایش نقر نمود. تمام انکشافات اینده ۳۰م مکتب بر بنیاد این نوآوری استوار میباشد. این عامل قاطعی در تشکیل هنرید هاب روایتی در کشور های بود این بشمار میرفت که بسوی ظهور دوره محاسباتی کشاند و شد به صورت آرایش فرسی بی که وابسته به شرح حوادث زندگی بود ایجاب نمود. نویسنده انکشاف موازی در دوره های راکه حیات بود و صبح پنج میکند با هم قرار میدهند. هرد و بر اساسات ایکونوگرافس مجسمه سازیتاریخی که در روز ظهور نمود. بود استوار میباشد. موازات بین موتیف های عبوسی بود ای وجود دارد. دیده شود:

« Buddha und Jesus in ihren parallel texten »
 Zusammengestellt von J. B. Aufhäuser, Bonn, 1926
 (Kleine Texte für Vorlesungen, U. Übungen 157), pp. 12-11

این مطلب در مقاله ای بوختال نقل قول شده است. *JRAS*, 1943 (صفحه ۱۳۷)

همچنان در این باره تصور متعدد در شرح دهند و محققه های نقابوسی وجود دارد.
 ماخذ بیشترید باره هنرگند هارا:

هیراس. ای: ((منشاء بعضی اصطلاح مکتب کریکود بست گند هارا)) *JBBRAS*, XII,
 صفحات ۷۱-۹۷ - PL.

مکتب گند هارا طبق نظر نویسنده صرف اداهه رسم هنری مکتب را میدید که اولین نمونه های معروفان از هر چه و موهنجود ارید ستاند. مرکز این مکتب طوریکه معلوم میشود در هده واقع در جلگه جلال آباد واقع بود که در متصرفات یونانی هاد در شرق این هنریه هیچوجه نمونه هاد یا اختیلات یونانی تاثیر نند و بود و رشد آن وابسته بود به حمایت و تشویق کشتکاشاه کوشانی.

رولاند. بنجامن: ((کرونولوژی تصحیح شده مجسمه سازی گند هارا)) بولتن هنر، *XVIII*،
 صفحات ۳۸۷-۴۰۰. بایست تصویر.

نویسنده در حالیکه سابل روایتی را مورد تردید قرار میدهد بر اساس شواهد سبک شناسی آثار توضیح میدارد که مکتب گند هارا در نوعیت خود امیزه از انکشاف کریکور و من و هندی است که در جریان عصری بین قرن ۳۰م تا چهارم میلادی به سبک مشخص کلاسیک پایان داد. سبک نیرومند رومن-پالمیرین در مرحله آخرین هنر کریکود بست در نوع مجسمه سازی کاملاً هندی که تا کارهای هنری مصر کورتا آمد ادیافت مسزوج

گردید.

کردن ۵۰ اج : ((العماد رازگند هارا)) حقیقه شناسی ۳۴۱ صفحات ۲۰-۸۰ هـ
 و تصویر در این اثر جامع بالمعمم کند هارا که شعلق به قرن سوم قبل از میلاد تا اخیر قرن سوم میلاد بی
 میباشد و تمام چهره های اثار زیراکوئا ها و تاکسیلا و مناطق مربوط به ناحیه پشاور بدست آمده ماخذ بی
 ارائه شد ماست .

تصنیف و کرونولوژی هنرگند هارا :

دانشندان ان کوشش های زیاد ینمود ماند تا هنرگند هارا را تصنیف و کرونولوژی انرا تثبیت نمایند .
 مارشال کوشنر نمود تا کرونولوژی کند هارا را بر اساس انواع معماری ساختنهای تاکسیلا تعیین کند . بنا بر
 این rubble در این ساختمانها قبل از کوشانی ها بکار بررفت . در زمان کوشانی ها *diaper*
 و *ashlar* در میان هر دو نقشه *diaper, rubble* استعمال گردیده بود (هنرگند هارا) .
 هرال دانولک در اثرش تحت عنوان « *magnum opus-Gandhara art in Pakistan* »
 (پانزینم - نیچارک ۱۹۵۲ صفحه ۴۰) هنرگند هارا را تصنیف و انرا به چهار بخش تقسیم نموده است .
 بخش اول تصو ر میشود که از سالهای ۱۴۴-۲۴۰ میلاد بی ادامه داشت با از جلوس کشکانا تا فتح
 شاپور اول . بخش دوم دوره کوشانی را در بر داشت از سالهای ۲۴۰-۳۰۰ . بخش سوم تمام فاصله زمانی
 بین سالهای ۳۰۰-۴۰۰ را در بر داشت و بخش چهارم شصت سال اخیر ازاد یان مناطق را احتوا
 میکرد . در جریان دوره اول که هنرا را لحاظ خصوصیات نفوذ هلنستیک از طریق اروپا تا پارتی راه یافتند
 بود مشخص میشود . در دوره دوم نفوذ ساسانی پیش رو در دوره سوم جریان نفوذ در این منطقه از هندورا
 وارد گردید . در دوره چهارم باره بگرتفون ساسانی در بارضا هر میشود . در همین حال تعیین تاریخ اثار
 مجسمه ساز یگند هارا بر اساس خصوصیات سبک شناسی یا بر اساس بعض مجسمه های حیوانی سته شکل است .
 این مطلب تا جایی واضح است که ارتباط کشکانا با هنرگند هارا بیشتر و ایسته به مرحله شکوفانی استقامت مرحله
 افاز و انجام ان چنین فعالیت هنری در یک ساحه وسیع صرف در یک عصر صلح امیر و مساعدت تحت حمایت
 حکمرانان بود با رومریان ممکن بود میتواند .

مناطق گند هارا :

مناطق مهم گند هارا شامل این نقاط میگردد : سکر ، چهارسده ، شهر هلول ، تخت باس ، جمال
 گره ، شهباز گره ، کاپیسا ، بگرام ، تاکسیلا ، هده و سایر مناطق درجه دوم ماخذ در باره باز یافته های
 از این مناطق عبارتند از :

نوشته ۱۰ : « *Les bas-reliefs du stupa de Siki (Gandhara)* , JA. Sep-Oct, 1903, PP. 185-133 . ۱۹۰۳ تصویر

با تصحیح Sep-Oct, 1903, PP. 185-330.

مارسال ۶ جی و دکل جی ۰ قی:

((حفريات چهارمده)) ASI . An . Rep . 1901 - 1930 صفحات
۱۸۴-۴۱ پليت XXIV - XXVIII این اثر تاریخ منطقه و حفريات انوار ريش ها يباحصار
پوزيات ۶ پالاتود هری و فار د هری شرح میدهد .

سيوتر ۰ د - ب :

((حفريات شهر معلول)) ASI . An . Rep ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷ صفحات ۱۱۰۲ - ۱۱۸۰ ياده
پليت ۰ این گزارش بسيار از جمله هاي به صورت آزاد استاد و راگاز این منطقه کند هاراد ريانست
شده با تعداد بیشمار از بارجه هاي معماری شرح میدهد .

سيوتر ۰ د - ب :

((حفريات شهر معلول)) ASI . An . Rep ۱۱۰۱ - ۱۱۱۰ صفحات ۴۱ - ۱۱۰
پليت XIV - XIX
ستين ۰ م ۰۱ :

حفريات شهر معلول)) ASI . An . Rep ۱۹۰۶ - ۱۹۱۰ صفحات ۱۱۹ - ۱۱۹ پليت

توسنده در این اثر ميکوند ثابيت ناييد که هانيت کند هار انبعض اخلاقيات سرزند بايستود
در اينجا بعض از ريليف هاي از نظر موزيما هرات به کوفتاني هاي کيد ارن ثبت شده است .
سيوتر ۰ د - ب :

((حفريات تخت باهي)) ASI . An . Rep ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸ صفحات ۱۳۲ - ۱۳۸ پليت ۶ - ۷

بازيافته هاي زياد ياز جسم هاي ستوکي و بعض از ريليف هاد راين اثر شرح کرده است .
هارکيويس ۰ اج :

حفريات در تخت باهي ASI . An . ۱۹۱۱ - ۱۹۱۲ صفحات ۲۲ - ۲۱

پليت XVII - XXII این اثر ريليف هاي يراکه شامل ريليف احضار کويراوهارتي ميگردد
توضیح ميکند .

هارکيويس ۰ اج :

((حفريات درد ابرو)) N.W.F. يرحدات شمال غربي ASI . An . Rep ۱۹۲۲ - ۱۹۲۳

صفحات ۸۷ - ۱۰ پليت X

این اثر ريليفي يراکه تغيير ناند ارانسان يده هدا ز تخت باهي بازيات کرده به بالهاتر اکيون

دهری راجع بدهد .

پیونر . د ۰ ب :

((حفريات در شاهيچکي د هري)) ASI . An . Rep . ۱۹۰۸-۱۹۰۹ صفحات

۲۸-۵۹ پليټ X-XIV .

د راین اثرات مکحفريات د راین منطقه تشخیص هويتانرا بريت شهر مربوط به کشاکه از جانب
فوشه در (I . BEFFO . صفحه ۲۲۲) پیشنهاد شده . بود تا بید بکند . در جمله کشفیات این
منطقه بازمانده کتیبه کاسیت مربوط عصر کشتگان نیز شامل ب . (سال اول تاریخ زده شده) .
هارگریوس . ا ج :

((حفريات شاهيچکي د هري)) ASI . An . Rep . ۱۹۱۲-۱۹۱۱ صفحات ۲۵-۳۲ :

باسه پليټ . د راین اثر پیش از همه استو به کوچک واقع در نزد یک استو به کلان شرح داده شده است .
هارگریوس . ا ج :

((حفريات جمال گرمي)) ASI . An . Rep . ۱۹۲۱-۱۹۲۲ صفحات ۵۴-۶۴ پليټ

XXV-XXII .

این منطقه قبلاً توسط کنگم حفريات کردید . بود که از آن تعداد زیاد ب مجسمه هادست آمد و
فهرست آنها توسط هي در (ASR . V . ۱۹۲۵ . صفحه ۱۹۷) ارائه شده است . حفريات
این منطقه تعداد زیاد ي از بلیف هارا از تبه خاک بیرون آورد که آنها به زندگی و با اختصار دارند .
ماراود خورش نیز در اینها نشان داده شده است .
کنگم . ا :

گزارشات تفصیلات باستانشناسی . V . صفحات ۸-۲۳ د راین اثر خرابه های شهر تشریح

کردید است این شهر از جانب فوشه همان پیلور جا زابریچینای تشخیص گردید است (BEFFO .

I . صفحات ۳۵۰-۵۹) از این منطقه همچنان قرمان اشوکاکه نبشته در روی سنگ میباشد کشف گردید .
علاوئاً تعداد از بارجه های مجسمه سازی گند هارا و مسکوکات همگند نیز با نیز یافت شده است .

فوشه . ا :

((مجسمه سازی گرکیو بودیک)) (موزیم لور) م . م . اکادمی . VII . فیبر . I . ۱۹۰۰ ایسا

۳۲ صفحه . پليټ ۴ .

Hackin, J. : :

« Reschech archaologiques d Begram Chanlier, No. 2, 1937 », Memoires de la Delegation Archaologique. Francois en Afghanistan tome 1x Editions d'Art et d' Histoire, Paris, 1939, 266.

Hackin, J. : « Fouilles de Begram, Kabul, mai 1939, 70P.

Chirshman, R. : : « Begram Rescherches archaologiques et historiques sur les Kouchans Memoires de la Delegation Archaologique Francaise en Afghanistan. XII, Le Caire, 1946, 230P, 39 Fig, Pl. 54.

این اثر یک گزارش جامعی از کارهای یک دهه در بگرام (کاپیسا قدیم) واقع در افغانستان بحمل است. و
بیانند. این سالنامه از لحاظ تاریخی حار و ارزشمندی میباشد. طبق نظرنویسنده هنرگر کبود بسک
گد هارا نو آوری کوشانی هانبود و نیز نشانها ان خود را برهن هنرمند ان هنری نمید اند.
مارشال. جی. :

((تاکیلا - یک شرح صور از حفیرات باستان شناسی می که بین سالهای ۱۱۱۲ و ۱۱۲۴ در تاکیلا
انجام یافت)) کامیج ۱۱۵۷ (در سه جلد).

طبق گفته نویسنده (مقدمه صفحه ۷۷۷) بسیار از مطالبیکه در این کتاب آمده قبلا در گزارش
سالنامه و بین سالهای ۱۱۱۲ و ۱۱۲۴ به نشر رسیده است. بنا بر این مطالب برای خوانندگان (محلین)
اشنا میباشد. تمام اجزای اسناد در این اثر تجدید نظر و مرتب ساخته شد. موشج جامعی از اشیاء و اختیار
باستان شناسان و مورخین قرار داده شد است. در همان اثر و قبیل از همه اشاره میدارد که حفیرات برای
اولین بار تاریخ و مکتب بزرگ هنر براد شمال غرب گد هارا و اوند و افغان اشکار ساخت و نشان داده شده
که چگونه هرد و میان در زحمت حمایت کوشانی هار شد نمود. اولی ان در زحمت حمایت کوشانی هار یاری از
همه پاک نیز س و او اسبود پروا و دومی اند و افغان در زحمت حمایت کوشانی هار یکدیگر را انکشاف کرد.
مارشال. جی. :

((هنر بود این گد هارا)) اثر تاریخ مکتب اولی. موجود اند در نشد و انحطاط ان کامیج ۱۱۱۶.

نویسنده دلایل انتخاب این برنامه را بعد از کار استادانه الفرید فوشه روی آثار بدست آمده ارائه میکند. طبق گفته وی هنرگند ها را جوانی ریختگی خود را در دوران کوشانی ها که آنها پارتی ها را در سیریا در سال ۱۶ میلادی شکست دادند گفت می‌تواند. «و این هنر به انحطاط بیکارگی در دوره - سلطنت واسپود بویا اول مواجه شد. «و این زمانی بود که معابد بودایی در سراسر شمال غرب تسلط خود را از دست داده. * انحطاط یافته بودند».

نوشته: ۰۱:

« L' Art Gréco Bouddhique » Gandhara, Etude sur les origines de L' influence classique dans L' art Buddhique de L' Inde et de L' extreme orient, Tome, Troi Sieme Fascicule.

Additions et corrections, Indes, Hanoi, 1951.

در این مطالعه منشأ نفوذ کلاسیک در هنر بودایی هند و شرق در نویسنده بعضی از صحیحات و تدقیقات را در اثرتاریخ اثر راجع به هنرگند ها را در دو جلد (پاریس ۱۹۰۵ - ۱۹۲۰) بعد از سال ۱۹۰۵ حمل آورد است. و بعد از این اثر بودا پیرا که به اثرفحقیات در تاکیلا وجود آمده علاوه نمود است.

نوشته: ۰۱:

« Etudes sur L' Art Buddhique de L' Inde Tokyo, 1949 »

این اثر به پنج موضوع تقسیم میگردد. نویسنده درباره هر کدام تعدادی روی تصویرش جاپان سال ۱۹۲۶ لکچر داد که اینها شامل مطالب ذیل اند: مقدمه، تحولات هنر بودایی هند، نخستین تصویر بودا، بازدید اخیر از خرابه های انکورو خط السیر هیوانتسنگ در افغانستان.

نوشته: ۱۰:

((آغاز هنر بودایی و موضوعات)) (پاریس و لندن ۱۹۱۷) توسط مارین ۱۰۰ و ۱۰۰۰ و ق. م. - نوماسر ترجمه گردید است.

هالادی ۰۰ م:

((سلیک گند ها را و هنر بودایی)) توسط دبانی امیرازفرانسوی ترجمه گردید. ۱۹۶۸. این اثر به بخش های ذیل تقسیم گردید است: (طبیعت جغرافیایی منطقه و رابطه آن با خراج) و حادثات تاریخ. چونند های فرهنگی، تاسیر آنها بالا پ هنر، هنرگند ها را، مکتب‌تاریخ، مکتبیت، مکانیتون، تحول

تحقیقات کوشانی

هنراند و - ساسانی * ارتباطات بین هنرگد هارا با ایران بود پست و دیگر کتب های هند ی پسا
ضمیمه مربوطه .

هارکریوس . اچ :

((رهنمای آثارجمعه سازیموزم پشاور)) د هل جدید ۱۹۳۰ .

این اثرک کلاک تجصیفی پارجمها یزیا ی هنرگد هارا د رموزپشاورمیباشد .

هاکریوس . اچ :

((یاد او پیبود اد رسنگ)) د هل جدید ۱۹۳۱ .

این کتاب حیات و فعالیتها یچود اراکند رانارجمه ساز ی ثبت شده شرح مید هد . این کتاب

هجنان حیاتی و پیرا که د رجاتا کاه شرح یافته بیان میکند .

ماجود ارن . ن . ج : « رهنمای آثارجمعه سازیموزم هند » بخش دوم « منتخب از رموز و کتب کلاک » ۱۹۳۶ .

این اثرک کلاک آثارجمه ساز یگد هارا گد د رموزم هند کلاک ، موجد میباند . حاوی مجموعه کتکهم

د لندن - کاد یوانها که از روی بیاستاناسی هند اقتباس شده میگردد .

د راین کتاب فصلی د باره « هنرگد هارا موجود است » که عملاً تمام کتابها ی راکه د باره « هنرهند

وجود د ارد احتوا میکند . اینها شامل آثار جیوفردل ، محسن ساز یگد بهترند ، جلد های I - II ، کلاک پاریس ،

۱۹۲۹ ، اناند کوما رگوامی : ((تاریخ هنو هند واند ونیزیا)) لندن ۱۹۲۷ ، و ۱۰ - ست : ((تاریخ

هنرها ی زیبا د هند)) ، برما ، سیلون ، آگفور د - ۱۹۱۱ ، گروست . د : ((لندن شرق)) لندن ، ۱۹۳۲ ،

گرانچرول : ر : ((هنر یود این د ر هند)) لندن ، ۱۹۰۱ ، وگل . جی . سی : ((هنر یود این د ر هنر)) سیلون ،

و حوا « که از مرضی توسط ا . جی . برنو ترجمه شد ماست ، آگفور د ، ۱۹۳۶ ، د راین کتاب هجنان فصلی

د باره « هنرگد هارا با راجی نسبت به حمایت کوشانی ازان که د اثر جی . ا . پی . ون لوهفرین د ی

لیونند کار یافته وجه د ارد . اثر مند کومبارت است از ((محرسیتی)) هجنان اثر جی . تم . روزنیفیلد ((هنر

صحر کوشانی)) و اثر ب . ن . جوری هنر تحت اثر کوشانی هانیز د راین کتاب یاد د اشت کردید ماست .

هنر هندو

نراورد ه های هنر هندو را د صحر کوشانی هاپرویند و فراوان بود . علاوه بر حکمروایان که حاجبان هنر

بودند کسان دیگر نیز وجود داشت که به هنر یار میبساند . هنر مند ان کوشانی آثار ی را بوجود آوردند که

با سقوی نیازمند یتامند ا هب بود . آنها جمعه های زیبا ی بودا ، بود پستوا ، ایزاد ان برهنسی

مانند و شنو ، مس و باوشیوا ، ایزاد ان جنی ، ترناکارا ، کویرا ، یکشی و تاگاها زنان پیرو کها را تراشیدند .

اینها قبلاً رسمت هنر زمان قبل از خود راه ارت بردند . د راین صحر برای اولین بار جمعه بود از سنگ

سخن تراشیده شد * ته مانند هنرگند هارا که دارای چهره مانند اپولون موهایی موجدار و خفته * تسرخ چین دار * بلکه مانند یک راهبی که سرش تراشیده در تپای *Sarghātī* در حالیکه سلاخی عالم را با شخصیت بزرگ و باقارش اهدا میکند * هنرمندان شعور *Shahānāhā* مکتور اخبار * بودا - بودیستو رایه سرت * سراواستی رایه دیگر مناطق معرفی ساختند * آثار مجسمه سازی در این جاهای متاع های وارداتی از شعور بودیا هنرمندان محلات شعور آنها را تولید و مناطق دیگر آنها را وارد ساختند *

نقود بیرونی :

این مطلب قبلاً از جانب کنگهم شبلیافته که تعداد محدودی از هنرمندان باختری در جهان بود بیان شمول شعور را پیشه یافتند (*ASI*, صفحات ۲۲۱-۲۴۴؛ III, صفحات ۱۲-۱۶۶؛ *XV*, صفحات ۱۰۷-۱۱۲) پرنسپت از اصطلاح «*Silenus*» شباهت بارجه که ویجاخندی برای شولوزی یونانی میباشد سخن گفت (*JASB*, ۱۸۳۶، ۷، صفحات ۵۶۷-۵۷۰) طبق گفته نوشته مکتب شعور در روز حالت قبلی نقود یونان * روح کلاسیک خود رایه صورت غیر مستقیم از طریق گند هارا دریافت * («هنرگر کیوبیک» I, صفحه ۲۱۲) ونسنت ست نظریه را ارائه ندهد که طبق آن مجسمه سازان شعور رایجه مشترک بسیاری با هنرمندان گند هارا داشت (تاریخ هنرها ی زیبا صفحه ۴۲) و هر حالیکه کوما را سوامی تذکار داد که آثار مجسمه سازان عصر نقود هلنستیک را نشان میدهد * جمع کردن آنها یک بخش کوچک مجموعه این مکتب را میسازد (تاریخ هنرها ی واند و نیز صفحه ۶۰) طبق نظر تریس زبانی که شعور نقود هنری هلنستیک را گرفت این پیهود ماست که تصور شود دیگر بعد از آن مردم نپید آنستند که یونانی حاجه میکنند * (یونانی ها در باختر و هند صفحه ۴۰۴) * گروس در این مورد نظریه کنگهم را رد نموده ماست * طبق نظریه شعور مکتب هنری یی را بوجود آورده که بر فضیلت محل استوار بود * صدور هنرمندان از شعور صرف در صورتی ممکن خواهد بود که مرکز هنری یی با فضیلت آنها وجود داشته باشد * هنر شعور در مصر کوشانی ها ادامه مستقیم هنرها ی قدیم یعنی هنرها ی هرت و سانس بود (گروس : شعور یی وگل : کلاک، موزیم شعور صفحه ۱۶) بعضی از بازماند های نقود خارج مانند سلینوس که کاسون در موزیم گلکته هند وجود دارد * مجسمه * بلکه از سنگ نیستایی * مجسمه * شاه کشتار و امانکشا * شاهای منفرد ی هستند که تاسار آنها را هنرگند هارا و سخ کوتل نشان میدهد * س * م * کيفر مظالمه * پیرامون هنرها ی کر ستانی و مجسمه های تاریخی مکت (هند) و سرخ کوتل (افغانستان) نپید ماست (سارگه *XV*, شماره ۲، صفحات ۴۳-۴۸) اختلاف در موارد بین مکت (شعور) و سرخ کوتل (سنگ اهنک) صرف اختلاف جغرافیایی این هر دو منطقه را انعکاس میدهد * شباهت نزدیکی این هر دو نتواند از * در وضعیت و لباس وجود دارد * جن * م * روزنقلید * پورتیت های سلطنتی کوشانی ها و ایرانی ها و هجرتها *

تحقیقات کوشانی

سیک زینه های ایگزوتگرانی پورتریت های شاهی شعورا رامطالع نمود ماست (تصل VII و VIII)، اثرش تحت عنوان ((گنرصرکوشانی)) هنرکوشانی هادرت شعورا رابنجامین رولاند درضیبه اشترش تحت عنوان ((هنرومعماریهند))، فصل دهم مورد ارزیابی قرار داد ماست. وی اقامه نموده که نفوذ خارجی در رطب صنایع دستی و نصب مجسمه های پورتریت در شعورا وابسته به درك گوشانی هاست ازصل رومن ها که ارتباطی ربا الوهیت قیصر و انمود میازد میامل به یادگار گذاشتن یاد شاهان قدیم از جانب پارسی ها. از نظرسیک شناسی، امکانات اخیر بسیار محتمل بنظر میخورد.

مجسمه بودا :

مجسمه سازان شعورا بدین شك از لحاظ ایجاد بسیار قبل و کاملاً هندی پیشیل تصویر بودا کسب اعتبار میکنند. با انکاین مجسمه ها قدیم یابند یا بعد ی یقیناً معاصر اولین مجسمه گند هاراست و سولیت که پیرامون آن مباحثات فراوانی صورت گرفته است. هنرمندان شعورا آقا یزی بین بودا و پوشتوا چنانکه از جانب هنکاران شان در گذ هارام صورت میگرفت بعمل نیاروندند. قدیمترین مجسمه های بودا که در شعورا تراش شده تصویریشود یک مجسمه آواره بعاند از به بیشتر از حالت طبیعی در سرت است که حاوی یک کیه میباند که در سال ۱۸۸۰ کشتگان تاریخ زد شده است. مجسمه های بودا - بود بستوا بیشتر شبیه به مجسمه های یکشای شعورا قبل از کوشانی هاست که جهت قرار دایسری و خصوصیت مرد انگ شان یادگار گذاشته شده بود. طبق نظروکل خصوصیت این مجسمه از روی کدام نوع مجسمه های شناخته نشده گند هارا اتخاذ نگردد. بود. این یک فراورد ه هنری محلی بود که به عنعنات محلی ارتباط دارد. هنرمندان مواد یکدیگر گند هارا تهیه میشد استفاده نمیکردند (وکل : مکتب مجسمه ساز شعورا) ASI, Rep. An, صفحه ۱۶ کومار اسوالی : تاریخ هند هند وایند و نیز صفحه ۵۲؛ همچنان این مقاله ویدید ه شود پنهان هندی مجسمه بودا))، JAOS, ۳۷/۱, صفحه ۱۱۵) پروفیسور لوهوزین د پلچو، مراحل مختلف انکشاف هنر در این راد شعورا بر اساس انکشاف سیک شناسی بودا - بود بستوا از لباسی شکل متناسب، پارچه های زینتی، ازیا های تراشیده و صاف تا تراشیده و از ایش به با تخنیک، خطوط نیمه دایروی تا حلقه های پوست حزنون ارائه میدارد. طبق نظری وی مجسمه سازان شعورا در مجموع یک بخش کوچک نفوذ هلنستیک را انتخاب کردند (عصرتی، صفحه ۲۲۹). هنرمندان هندید شعورا نسبت به هنرمندان معاصر شان در گذ هارا صفت گزایندند.

مجسمه های دیگر :

هنرمندان شعورا همچنان مجسمه های چن، ترانکاراس و ابزدان برهنی را تراشیدند.

جن ها که صورت جسمه نیمه برهنه و بر روی یک صفحه صورت (*āyāpata*) نشیل شده حالت تفکر (*dhyanāmudra*) را وانمود میسازند. این مطلب از روی تعداد زیاد مجسمه های جن ولواج، بخشندگان جن را - به صورت قابل ملاحظه مجسمه سازان شعورآلود حمایت میکردند واضح میشود. این مجسمه ها، نشسته، ایستاده یا لخت نشیل شده، معمولاً در (*Sarvatobhadra, Padmas*) یاد تعداد رحالت پایین آهیزان مانند (*Sarvatobhadra, Padmas*) در چهار جهت تراشیده شده حاوی سیمول (*Srivatsa*) در روی سینه و (*Cakra*) در گفادست و پامیانشند. قاعده این مجسمه ها را میساخته های از اخلاصند پی مانند آنکه در مجسمه های بود این دیده میشود هستند. شعور امر کریم مذهب جن بود که واستوعبا چن در انجا پیا گردید. قد بترین اثر که به این موضوع مربوط عبارت است از اثر ۱۰ ست: (استوبه های جن و دیگر آثار طبقه شعور)، *ASI* نهاد اپریل سال سهر، *XX* اله ایاد، ۱۹۰۱، مجسمه های جن ولواج صورت این مذهب در این اثر چن ۱۰ الف - وگل - یاد داشت گردید ماست: کتلاک موزیم شعورا اله ایاد، ۱۹۰۱، *Rep. An. ASI* (کتک مجسمه سازین شعورا)، *Rep. An. ASI*، ۱۹۰۶

۷- صفحات ۱۲۷-۱۷۰؛ ۱۹۰۶ صفحات ۲۲-۷۹.
Les sculptures de Mathura, Art Asiatique, Tome XV, Paris, 1930.
 و اثر اگروال: کتلاک موزیم شعور بخش سوم به *Tirthankaras*

جن و دیگر مجسمه های گوناگون اختصار دارد.

مجموعه های برهنه و پوشیده دیگر:

مجسمه های برهنه شعورا تا سفاهه ناند سه بود و ارتباط ان با صرکوشانی ها صرف از روی - خصوصیت سیک شناسی تشریح شد میتوانند. مجسمه های شامل شو او همنشین و پیا روای و ششور و صاحبش لکشی، برهما، اگنی یا بود، هاپوشا، بالارا، سوا بیکرتیکا و گانیشا میگردد.

کو براتل همیشه همنجان به صورت باز از *śava* (نوشابه) خود در حالت لذت بردن است همنجان در این میان ایند ان موکت (الفه ها) به اشکال مختلف وجود دارند از قبیل: واسوند هارا کاتیاپانی، ماهیشاسورا مار دیتی و گاجالکشی. مجسمه های ناگاه همنجان در هنر شعورا یا صرکوشانی هاتشیل گردید ماست. یکی از زیافته های یا نجا همنجان صحنه پاجانالین را که معاشقه و عریان بودن را وانمود میسازد باشد.

مجسمه های زنان عریان و نیمه عریان در شرکت با عشاق شان بطریقه شعورانی یاد رخنه و پزندگانی چون طوطی نشیل گردید اند. به اساس نظریه گلومار اسوالی این مجسمه های زنان و دختران نبود بلکه یکی هارد پرواتا های پری و حور چنگی میباشد که نشانه های خوبی بیبارداری را وانمود میسازد.

این طلب از تعداد معموله اشتقاق یافته بود .

پارچه های معماری « تورانا » « نریز » « زینعلی » « شش های متقاطع » « تعداد های سنگ پایه ها » حرکت های دروازه « سرستونی ها » « ارد وا » « پاتاس همچنان یادگارهای معماری معمول سرکوشانی است . علاوه بر اینها پارچه های تیرا کونا ها یا این صورت نیز قابل توجه میباشد .

اینها کار راه عین شکل و محیطت ولی به شیوه دیگری بیان میکند . قالب ها بوجود آمدن پارچه های سفالین پخته شد . این پارچه ها برای اطفال ساخته شده . نیز حاوی ارزش زیاد یا از جهت حصول آگاهی نسبت به زندگی فرهنگ آن عصر میباشد .

ساخت :

اگر اوال . و س :

کلاک موزیم شعورا : بخش اول مجسمه های بود بود بستوا . بخش م - مجسمه های بیرهنی
بخش سوم تیرا کونا را س جن و مجسمه های کونا کون دیگر . بخش چهارم - آثار معماری - نشریه
انجمن تاریخ و آثار ایران پیش ۱۹۴۸ ، صفحه ۴۴۲ ، ۱۹۴۹ ، صفحه ۴۴۱-۲ ، ۱۹۵۰ ، صفحه ۳۵ ،
۱۹۵۱ ، صفحه ۱ .

- مجسمه های بیرهنی در شعورا ، « JISOA ، V (۱۹۳۷) صفحات ۱۰۲-۲۰ .
 - « بود اها ، بود بستوا ها یا دیدنیانی » ، JUPHS ، XI ، ۱۹۳۸ ، صفحات ۱-۱۳ .
 - (فرورد ماهی بیشتره موزیم شعورا) ، JUPHS ، X ، ۱۹۳۷ ، صفحه ۸۸ .
 - آثار مجسمه سازیتازه از شعورا ، « JUPHS ، XI ، ۱۹۳۸ ، ۶۸-۷۶ .
 - آثار مجسمه سازی بی که در این مقاله شرح یافته از تقریباً ماهرولو واقع در ایالت شعورا ظاهر شده
و به سرکوشانی هاتعلق میگردد . این آثار شامل بود بستوا بزرگ و دستمالین میباشد .
 - « رلیف پیشین شعورا » ، JUPHS ، X ، ۱۹۳۷ ، صفحات ۳۰-۴۰ .
 - « بود بستوا دستمالین کانا لین تازه از شعورا » ، JUPHS ، XII ، ۱۹۳۸ ، صفحه ۶۸-۴۴ .
 - « یک مجسمه تازه نوشته دارکاسیا بود از شعورا » ، JUPHS ، X ، ۱۹۳۷ ، ۲۵-۳۸ .
 - نیمای تصویر بستون پایه شعورا در موزیم لکهور ، « JUPHS ، XIX ، ۱۹۴۶ ، صفحات ۵۰-۶۰ .
 - نیمای تصویر قاب تیرا کونا در موزیم شعورا ، « JISOA ، X ، ۱۹۴۶ ، صفحات ۶۹-۶۳ .
 - هنرمند سیروید رهنر شعورا ، « JUPHS ، XVII ، ۱۹۴۴ ، صفحات ۷۱-۷۲ .
 - « تیرا کونا های شعورا » ، « JUPHS ، IX ، ۱۹۳۶ ، صفحات ۶-۲۸ .
- نویسنده در این اثر تاریخ تیرا کونا های شعورا را به پنج دوره تقسیم نمود که شامل نوع کوشانی ها

- صفحات ۲۲-۲۴) مختص به مقاصد مذهب و مسایل دینوی میگردد .
 بخوفرسوديك :
 ((مجسمه سازي هند قدیم)) جلد هاي اول و دوم پاریس ۱۹۲۶ .
 باجپای ۰ ک . ۰ د . :
 ((مجسمه تریای تهورا)) مجسمه I. H. کانگریس یازدهمین جلسه ، ۱۹۲۸ صفحه ۹۵ ff .
 گزارش کورناتی تهورا)) مارک ، XV ، ۱۹۲۲ صفحات ۲۸-۴۲ .
 بشرح ۰ ر . ۰ د . :
 ((سه اثر مجسمه سازي از موزیم لکنو)) ASI . An . Rep . ۱۹۰۹ - ۱۹۱۰ صفحه ۱۴۶ .
 بوهلر . ج . ۰ :
 ((نمونه های مجسمه سازي جنیاد رتهورا)) ، EF - II ، صفحه ۲۱۱ .
 چند رارامپراسادا :
 ((مکتب مجسمه سازي تهورا)) ، ASI ، Rep . An ، ۱۹۲۲-۱۹۲۳ صفحه ۱۶۴ ff : ۱۹۲۳
 ۲۴ صفحه ۱۰۱ .
 کوماراسوامی ۰ ک . ۰ د . :
 ((تاریخ هنر هند واندونزی)) لندن ، ۱۹۲۷ (در باره هنر تهورا صفحه ۵۶ دیده شود) .
 « پینشاه هندی مجسمه بودا)) ، JBRS ، XLVI ، ۱۹۲۶ صفحه ۱۶۵ .
 « ظهور مجسمه بودا)) ، بولتن هنر ، IX ، ۱۹۲۶ شماره ۴ .
 د شکالکار . د . ۰ ب . :
 ((بعضی از آثار مجسمه سازي برهمنی در موزیم تهورا)) JBORS ، VI ، ۱۹۲۰
 صفحه ۴۷۰ ff .
 کانگولی ۰ او . ۰ بر :
 ((ستون یایه کورناتی مجسمه زن از تهورا)) ، Rep . An ، XXXI ، جولای ۱۹۲۷ صفحه ۷۲ ff .
 گروس . اف . ۰ ار :
 ((تهورایک ایالت یادگار)) باغ و بستانها)) جلد اول ۱۹۲۴ .
 « مجسمه سازي یونانی قبول شده در تهورا)) ، XLIV . JASB ، ۱۹۲۵ صفحه ۲۱۱ ff .
 کرانودل ۰ ا . ۰ :
 ((هنر یادی در هند)) ترجمه انگیز ۰ سر . گیسیون « تجدید نظر توسعه » جی . بروجیسر (لندن)

۰ (۱۹۰۱)

گوتیا ۰ یا ۰ ر :

• (تصویر ناگزر موزیم شعورا)) ، EI . XVII . صفحه ۱۰

لوهورین د یلیو ۰ جی ۰ یا ۰ ون :

• (عربیسی) لندن ۱۹۴۹

• مجسمه های پید اوچن در هنر کوفیانی شعورا)) همین اثر صفحه ۱۴۰

• هنر ادیبالا :

• (عاشق مجسمه سازی کوفیانی از اهیچترا)) ، JASB . Letters . XXI

• ۶۲ (۱۹۰۰) صفحه

• پدی ۰ ب ۰ ن :

• (هند تحت کوفیانی ها)) پیشی ۱۹۶۰ در این اثر هنر شعورا پایاد د اشتها و تصاویر تیسروح

• یافته صفحه ۱۶۶

• روزنفلد ۰ جی ۰ م :

• (هنر صر کوفیانی ها)) برکیلی ۱۹۶۲

• ماخذ مربوط به هنر شعورا با اساس قره بون چهره ها پنا هانه زینه های سیک شناسی و ایکونو

• گرافی انعام رسه فصل این اثر اد ماست صفحات ۱۲۸-۱۲۳

• رولاند بنجامین :

• (هنر و معمار ی هند)) پتگیونز ۱۹۵۳

• هنر تحت حمایت کوفیانی هاد ر شعورا د فصل جد اگانه این اثر تیسروح داده شد ماست صفحات

• ۱۰۱-۱۶

• ست ۰ و ۰ ا :

• (استوبه های جن و دیگر آثار قدیم شعورا)) سروبیاستا شناسی هند شیوا میرال سچوس . xx

• اله آباد

• (تاریخ هنر های پید ر هند وسیلین از روزگاران قدیم تا امروزه) (۱۹۱۸ چاپ اول) فصل پنجم آن

• به مجسمه سازی صر کوفیانی به غیر از کتب کند هارا اختصار دارد

• شامی ۰ د ۰ ر :

• (کلان موزیم باستان شناسی سرت ۰ کلکه ۱۹۱۴)

۸۷

کتاب شناسی ...

۲۷

— ((مجسمہ ناکا داد ہیکارنامہ بوط ضرکوتانی ہا از شہورا))، *Rep. An. ASI*، ص ۱۲۷

۱۹۲۴ — ۲۵ صفحہ ۱۴۹

وگل . جی . اف :

— ((کتلاک موزیم باستان شناسی شہورا)) الہ آباد ۱۹۱۲ .

— ((مکتب مجسمہ سازب شہورا))، *Rep. An. ASI*، ۱۹۰۶ — ۷ صفحہ ۱۲۷

۱۹۰۹ — ۱۰ صفحہ ۶۵

وگل . جی . اف :

— ((پرستش ناکا د ر شہورا بقدم))، *Rep. An. ASI*، ۱۹۰۷ — ۸ صفحہ ۱۰۹

— ((جاہنگا ہا یا اعوانیا قمرانی انابور))، *Rep. An. ASI*، ۱۹۱۰ — ۱۱ صفحہ ۴۰

— ((تفحصات در شہورا))، *ibid*، ۱۹۱۱ — ۱۲ صفحہ ۱۲۰

— ((مجسمہ شاہ کنیکا))، نشریہ انجمن تاریخ پنجاب، *Ih*، صفحہ ۳۹

— اندین سویت مسور لندن، ۱۹۲۷

بیابان

ACKNOWLEDGEMENT

SECULAR ARCHITECTURE OF THE KUSANA PERIOD

AMITA RAY



INTERNATIONAL SEMINAR ON THE ART
OF THE KUSANA AGE, STATE MUSEUM, LUC-
KNPW, DECEMBER 16-22, 1984.

The analysis and discussion of secular architecture of the Kusanas should be understood in two broad ways: the first is Kusana's connection with the Achaemenid-Hellenistic-parthian Greco-Roman cultures in Central Asia and Afghanistan, the second theme concerns with the wider question of Kusana architecture in India with Intermixture between indigenous tradition and the inherited traditions. The whole problem thus moves around local features resulting in the formation of regional variations from the geographical positions occupied by each section. A number of archaeologists have been engaged in recent years in excavating central Asian provinces and Afghanistan. As a result of the large scale excavations conducted by various sources much information has now been made available, and it is possible to appreciate the various developments which occurred either simultaneously in different areas of Kusanas occupation, or which succeeded each other. Indeed, in course of these excavations it has become increasingly clear that any attempt to reconstruct the secular architecture of the Kusanas is possible only when a clear picture of the contributory tradition is attained. The aim of this paper is to show how far different contributory traditions find reflections in the planning

and structures of the Kusanas who have spread over a wide area from the Aral sea on the one side and the Gangetic region on the other. The discussion along this line may not be definitive at the present stage of knowledge, but we prefer to attempt this to pin point the regional characteristics in terms of manner in which these can be seen to have affected the Kusana architecture of secular types. Virtually the task is enormous, and for that the available date are limited. Let me therefore confess that what is being attempted is to offer a tentative framework for such study which may undergo change in the light of detailed study and analysis.

II

The whole problem when viewed together introduces a number of relevant questions in connection with its heritage. Could we accept secular architecture sponsored by the Kusanas as a distinct school? To what extent Kusana's connection with Achaemenid - Hellenistic - Parthian Greco-Roman Bactrian and Indian elements helped them to evolve an

architectural style of its own, which could be termed as valid for the whole of the region the Kusanas came to control?

To understand the settlement pattern and secular architectural complexes of the Kusanas one has to picture its antecedent history. But there, the problem lies, which one should be considered as antecedent in respect of the Kusanas? Is it one, or more? History tells us that the Yuch che invaders who had settled in Central Asia under the name of the major clan Kusanas and its leader Heroos by about second first century B.C. were till then contended to live in tents as the other fellow nomads did in the steppe region of Uresia. Thus the historical frame work within which the nomadic Kusanas developed its urbanism is admittedly much relevant to the environment of its setting. Proceeding archaeologically the basic cultural forces that the Kusanas were exposed to in this region, seem to have been the Achaemnid, the Hellenistic Greeks, the Indo-Greeks, and the Parthians. The understanding of the secular arch-

picture of the Kusanas thus has to be attempted from the point of view of Kusanas connection with the pre-existing cultural strata. The Achaemenids acted here as an effective drop which remained current even after the Bactrian and other central Asian satrapies of the Achaemenid empire passed under the Seleucid rule. It remained as

substratum even when the region showed a total hold of Hellenism. The thread was then picked up by the Parthians who became legal heirs to the Achaemenid-Hellenistic tradition. The Kusanas like the Parthians underwent similar process of intermingling between Achaemenid tradition and Hellenism. The high built citadels and the fortified cities built by the Kusanas in the different regions of Central Asia and Afghanistan including Gandhara region, seem indeed to be frowning upon with a hint of influences of pre-existing urban population of the region.

Let us see how it all began, and on this point there is no better evi-

dence than what is provided by archaeology. It is a fact of history that the absence of a developed indigenous tradition in Central Asia have exposed the region to be responsive to any civilised culture that had penetrated into it. The region as early as the 5th century B. C. is found to have been dotted with a chain of Achaemenid towns and fortresses. This was overlaid with Hellenistic culture which entered here primarily through the Hellenistic people, and then with the Parthians. The cultural pattern shows thus an intermingling, and at times even co-existence of several trends-Achaemenid, Seleucid Greeks, the Hellenistic, the Parthians. If this was the total aerial view, how did it affect its architectural style? Let us have a closer look at it through examples taken from each trend. The first is the Achaemenid, represented by a carefully planned fortified town laid bare near the branches of the Helmand river delta in modern Seistan. For the purpose of the present theme it is not necessary to go into details of the entire arc-

Q1

archaeological materials of the city as we are concerned with those features which had effect on the town planning of the later period in the region namely, the lavish use of columns, predominance of square rooms around large central court, at times diversified by porticoes on each side and the material which was either mud brick or pressed earth. the second cultural phase of this region was Hellenistic, represented by Aikhanum - a well fortified city in north eastern Afghanistan near the confluence of the Kokcha and Oxus. Aikhanum planned in typical grid pattern and containing an acropolis, a palace, a tripple stepped temple, mausoleum, propylon, stadium, theatre, Gymnasium is a typical Hellenistic city. The method of construction involving mud brick masonry technique, at times having a basement of baked brick is the reminiscence of Oriental technique. yet the use of stone blocks laid dry without mortar tightly fitted and fastened together by metal dowels and cramps seem to have followed the Greek architectural

tradition. The house plans, big or small consist of rooms arranged around one or more than one colonnaded courtyards conforming with the overall design of the Achaemenian- West Asian pattern. The tradition of composing the base of a column as a three stepped plinth below, and so called teras above is also similar to Achaemenian types. Though a typical Hellenic town Aikhanum was one of the surviving examples of the transitional art and architecture of that epoch.

Another architectural example of this region was Nysa, roughly contemporary with Aikhanum, but continued through the Parthians. The city is divided into two - the old or the imperial city comprising fortified castle, a central hall built on a tripple aisled plan and the walls being divided up into a series of niches containing males and females apparently served as religious shrine possibly for dynastic worship a heritage found from king-based culture of West Asia. South of the palace lay the so called square house with four iwans or barrel vaulted

chambers with single opening in four corners of the room - a device which is said to have been related to nomad tent. The new Nysa was a huge walled and densely populated town with various buildings, halls and an acropolis.

Broadly speaking the city of Nysa shows a perfect amalgam of the Greco-Iranian architectural traditions.

The aforesaid survey would show architectural links between West Asia, Hellenism and indigenous culture in regard to secular architecture of Central Asia, Afghanistan. The natural sequel itecture which developed in Central Afghanistan and Gandhara region followed the same complexity of its make up. Generally speaking the Kusanas like the Parthians had no wish to disrupt th existing arder. Iranian elements are found to have been influenced by Western currents to which was joined an element peculiar to the parthions from the steppes.

Let us examine how and in which way these get reflections in Kusana towns.

III

The Kusana remains are found abundantly in Western or Soviet Turkistan, the fertile tract of Soghdiana on the banks of Sukhadaria-marching on the north west with Charasmia and extending over the lower reaches of Amudarya. (4) Small and big Kusana settlements varying in sizes from hundred hector to less than one hector are found to have been scattered over this region. A look into settlement pattern would reveal haw each site is a fortified townshp having a citadel and located around it multiroomed dwelling complexes including a temple. In planning these settlements show a fragmented society living in varying degree isolated and self sufficient entitles prepared to assume defensive or offensive position. One may observe how this structural imagination was roted in the already existing types practised by semi feudal partian clans before they established themselves in the large cities like Nysa, Merv and Hatra.

By about the second century B. C. the Kusanas

had reared up a number of small and big settlements along the silk routes. (5) This was the time when the empire was administered from large capital cities. Khalchayan a fortified town in southern Uzbekistan, near the river Surkhan Darya, dated between first century B. C. and the first century A.D. marked the rise of Kusana power under the leadership of Heraos. Pugachenkova while excavating the site laid bare a building of palace type which is "rectangular in plan and consists of a five bayed hexastyle iwan, an oblong hall beyond it, a room with two columns, and a number of adjoining apartments with linking Corridors".

A total of eight rooms supported by wooden columns erected on stone bases. The roofing material is fire baked tile. The walls of the hall and iwans were divided up into a series of niches which contained a large number of sculptures, some of which were in high relief. The sculptures relating themes of the ruling dynasty no doubt represented a dynastic style whose main stream seems to ha-

ve centred on Nysa. The stone bases for the wooden columns, the use of unbaked brick as the material, the adoption of iwans or barrel vaulted chambers, the square hall and sculptures for decorating the walls with figures of classical gods and goddesses- show how west Asiatic culture was conserved along with Hellenistic and Grece Iranian elements.

Dalverzen tepe (7) on the right bank of Amudarya, a sprawling fortified area was another bustling capital of the Kusanas from the end of the 1st century B.C. to the 2nd century A.D. Dalverzene shows the process of growth which other Kusana towans had: a king centered city, its urban development centered temple. The burgeoning apoears in public build-around palacecitadel and commercial atmosphere appears in public buildings.

The city of Toprak-kala (8) is a brilliant example of Kusana type fortified township founded in the first century A.D. Built of Adobe brick the houses consist fointernal courtyard surrounded by a number of rooms.



Alarge columned of 3000 square feet having niches and grilles fixed across carrying notable series of sculptures of the kings, queens and the patron deities of the Khorozm family, demonstrastrate dynastic cult features which characterized the cities of the region.

The city of Aikhanum seems to have had direct vestiges in some Kusana towns. Outstanding amongst them is the city of Shakshanur, 9 situated in the north of parkhar river in south Tadzikstan, The central portion of the city consists of a palace and a temple complex, separated from each other by columnaded portic. At least one public building consisting of rooms arranged around a courtyard opening into hall including a portico infrant with columns and pilasters seems to demonstrastrate the normal urban amenities of the Kusana township.

Broadly speaking the Kusana architecture in Central Asia, Bactria was influen by more than one streams. There main external source lay within the West Asiat-

ic world; the stream flowing through Achaemenians persian on the one side and the Hellenistic Indo - Greek on the other.

Among the Kusana town sites laid bare in Afghanistan and North-west frontier Provinces of India and Pakistan Begram 10 identified with Kapisa, (11) the summer capital of the Kusanas is an outstanding survivor. It was one of the other towns built by the Kusanas on the older foundation on the line of the west Asiatic Hellenistic pattern. The plan of the city was a combination of the type of Central Asian nomadic camp with variaus mediterranean complexes. But the ruins provide somewhat of a dispersed architectural pattern, revealing three areas, a castle with four round towers, the town preper having a large number of houses and a suburban settlement which also included a bazar. Excavations reveal different phases of habitation. Out of these the second phase seems to be the most flourishing laying bare the mud brick houses on stone basos. Apecially fortified hou-

se within enclosed wall has been laid bare at the very heart of the town. The city is rectangular in size and enclosed by impressively thick fortification of mud brick wall. Aditch is found encircling the wall. Archaeologically the houses made of above bricks, blocks of beaten clay seem to follow the usual architectural types found in Bactria and Central Asia. But from representations of richer dwellings on the ivory work of Begram one may form a picture of the elegant looking palace like buildings, the vast gateways, besides ordinary houses made of wood and bamboo. One may wonder how far the rich dwelling houses made of wood, bamboo or brick with lattice windows and open windowed balconies engraved on the carvings were suitable to the local requirements.

The diggings at Kandahar provide another imposing Kusana site. It is not possible to pursue the civic idea through the details. But there is no doubt that the early growth was associated with Greek occupation

in the region. The planning of a chess board kind appeared from the very beginning. The city was divided length wise and breadth wise by streets. The blocks formed by the streets were filled with dwellings. The town was given the defensive walls which were to serve it for the remainder of its days. Excavations have been very causee at this place but there is no doubt that the structural imagination of the city was rooted to the contemporary Hellenistic planning, reminding one in this connection of Isodore of Charex who around end of the first century A.D. observed that the city of Aracosea was Greek in character.

The north west part of India which culturally was an extension of the steepe region of Urasia has laid bare evidence of occupation parallel to the growth pattern of Central Asia and Afghanistan. The region from remote period fell within the economic orbit of perso - Hellenistic complex. The social stabilisation necessary for the rapid spread vrbarism was accensuated further du-

ring the time of the Mauryas. But the succeeding Kusanas gave this urban core a new pattern. The basic importance of this stage is that during this period a series of towns grew up all along the caravan routes in response to trade with West Asia and Roman world on the one hand, and with Central Asia and China on the other. Both at Shaikan and Sirkap the Kusanas chose in their urban quest new sites where the principles of chess board planning drawn from the contemporary Hellenistic world could be given clear and logical shapes. The lay out of the main and side streets remained the same throughout its history, from the time of the Greeks down to the Kusanas. The principles of houses planned around open courtyard continued to be followed down to the latest period. Kusana phase at Shaikan (12) have revealed a number of houses; amongst them a complex called house of Narakhs is particularly interesting. It lays bare a complete house consisting of four rooms, a kitchen,

a bath and an elaborate entrance room, all around a central courtyard.

Sirkap (13) the second city of Taxilacan rightly be compared with that of the city of Shaikan. The physical magnitude of this city is reflected not merely in the areal spread, but also in a cardinal features of the city planning, the ramparts and its associated details. According to Marshall there are four centuries of occupation, stretching from pre-Indo Greek to the Kusanas. The excavated remains of Sirkap are mostly of the second stratum and this of the saka parthian period. The city seems to have shifted through ages. The first an Indo-Greek city of the second century situated on the river plain was fortified with mud brick defence, of which the Kachha Kot is fragment. The second Saka Parthian city centred further south "in order to comprise the impending ridges of Hathi".

The Saka parthian Sirkap is a compact specimen of grid planning. The evidence is sufficient

to indicate that the Greek chess board tradition, thoroughly naturalized in this region form several blocks of houses between which are found clusters of private dwellings and a few small stupas and at least two temples, one is an apsidal between the 5th & 6th streets. The house pattern centred around a courtyard. The preference for more than one open courts in a big house, dividing them into courts of private audience, public audience court of guard, zenana etc. bring close similarity with the khosabhad palace of Sargon. The inner line of fortification around the acropolis is typical of this site.

The Kusana site of Sirsukh (15) suggests also a fortified complex; the internal arrangement is not known well for limited excavations, but the remains of residence which have so far been exposed containing large building with two courts and attached chambers resemble the types commonly found in the earlier buildings in Sirkap. But fortification of Sirsukh when compared with Sirkap brings out certain differences, as for example Sirsukh walls are faced

with heavy diaper masonry- the traits of parthian and early Kusana type, as against the coursed rubble masonry of Sirkap which followed the characteristics of the Greek. Similarly Sirkap maintained the practice of using square of rectangular towers like the bastions of Hellenistic tradition, Sersukh city walls instead had semi circular towers- a practice which was commonly found by city builders of India in the early historic period.

IV

It is curious that Indo Hellenic Urban Culture which reached at its Zenith during the time of the Kusanas did not make any appreciable impact on this aspect of Indian civilization. Indeed, whatever archaeological evidence we have at our disposal clearly indicate that here too the Kusanas followed their usual practice of not disrupting the existing tradition. Even when a new city was built up by the Kusanas or over layed or rebuilt for some specific purposes the cities are found to have been developed with the traditional Indian nucleus, including its lay cut and house patterns. The newly

discovered town Khair-adih 16 on the right bank of the Ghagra for instance revealing a 130 Sq. meter excavated area complete with roads, lanes, elaborate drainage system, underground community storage and brick built dwelling units" shows definite advance of the traditional type, but the available materials do not indicate the imposition of any new pattern, yet there are certain architectural devices which may be considered as innovations of the period.

What are these devices? A bird's-eye-view of that happened in urban planning and structural activities during this period may give us some insight at this stage. A comprehensive analysis of the comparative stratigraphy of the scattered archaeological sites such as Sugh, (17) Rangmahal, (18) Indraprastha, (19) Ahichatra (20) Kausambi (21), Rajghat, (22) Patliputra (23), Vaisali 24 Bhita 25 and Chirand 26 would reveal clear Kusana depositions of more or less uniform character illustrated by well burnt bricks, antiquities and potteries. Admittedly the archaeological

evidence in regard to civil architecture is very scanty, but the accumulated evidence bring forth certain important points: firstly all the sites mentioned above give fresh evidence of fortification: either these were rebuilt or reinforced or enlarged during this period. Some additional structures also were found to have been built up during the Kusana level to reinforce the fortification wall as for example at Vaisali some barracks have been found to have been built up attached to fortification wall, which were used for military purpose. Two rings of fortification are particularly visible in some places, the inner fortification must have been used as citadel. One may imagine that the quadrangular shaped mud enclosure around Katra area in Mathura was the citadel area of the Kusana town of Mathura. (28) Raja is Val Ka Garh at Vaisali or fort of king Visal was possibly the acropolis of Vaisali town during the Kusana period as well. The fortified massive structure at Kausambi divided into eastern, Central and Western block

within the citadel is said to have been the palace complex of the Kusana times. Unfortunately not much is known about the building complex of the period, but there is enough evidence to indicate that a large scale building activities in bricks were present during this time.

Apart from kingly nobles and rich mercantile communities who preferred living within the safety and security of fortified enclosure there was greater spread of life during this period along the country side.

Consequently a number of towns, townships and perhaps village settlements had grown up either in the peripheral area of the big cities, or in the hinterlands. The city of Mathura for instance not only spread over beyond the fortification wall, but a large bulk of population preferred to stay out in the suburban area. Sonkh (30) one such suburban town of Mathura reveals a densely built up area of houses in about seven levels, of Kusana occupation.

But despite the appreciable increase of settlements due to increased agriculture, trade and commerce it is conceivable that the slow moving Indian society did not undergo basic changes. As a result, external influences seem to be almost trivial as to be ignored. The planning of houses and house patterns as found in certain sites, such as that of Sonkh offer no new innovation. It is either a compact block consisting of a row of houses, or a number of houses built in between two streets. Rajhat shows eight blocks of brick built buildings (31) separated by lanes and alleys. Chatuh-sala type of house, though was also the traditional homestead plan in India, but the Sirsukh type of house consisting of two courts flanked by rooms has not been reported from any site from the Gangetic valley as well. We have very little evidence of house types recovered from excavations. The rooms seem to have been rectangular in general varying in sizes. Sharma reports of rooms measuring 4.49m X 3.91 metres, 5.40 X 3.91 metres (Kausambi).

The narrative reliefs of Mathura and Taxila have enough to show us in terms of city buildings, walls ramparts, city gates, house doors, windows, method of brick laying for house walls and tile roofs etc. We have also glimpses of the kind of bourgeois urban life that was lived in such cities. but out site this complex what was the picture? Excavations have laid bare remains of settlements, smaller in sizes, crowded with wattle and daub constructions, using impermanent materials mud, bamboo, wood, reed and straw. The planning whether linear or agglomerated was in complete tune and harmony with landscape. Doubtless these were meant for people of humble means whose economy was agricultural in the main, supported by small scale manual crafts and industries Since India's traditional productive economy has been rural-agricultural it is not surprising that such types have been found more wide spread than a few cities which were built up for catering the requirements of urban dwellers.

But did the Kusanas try

to induce any major break through in the secular architecture of India? In respect of planning their contribution seems to be nominal. As a matter of fact both in planning and execution the cities of the Kusana period remained as they were during the earlier times. Like the traditional Indian cities, most of the Kusana settlements look irregular and haphazard with no planning of streets except the main one in cases of certain cities where rows of houses are found in two sides of it. The streets vary in width and are found running in winding curves in irregular alignment.

Despite the irregular streets, narrow lanes and unsystematic plan, elements of civic planning are noticed in certain components, namely organised sewage system and running water-channel found attached both to the private dwellings and public thoroughfares. 32 The ringwells of earlier times to have been completely replaced during this period by cess pools underground and surface drainage system. Excavations at Sonkh

reveal a combined bath room and toilet, carefully paved with baked bricks. "The water drained to the street, while the excrements of the toilet remained in a pit".³³ Drains have been reported from many sites, running either through the floors or along the streets.

In regard to fortification the Kusanas are said to have made a definite innovation, namely the introduction of circular towers on the walls of the city. Archaeologically this could be traced in Begram 111, where the royal sanctuary is found to have been encircled by wall with four circular towers in four corners of it.³⁴ One wonders whether the idea of acropolis of the Kusanas originated from the conception of a temple. Indeed, the epigraph in the temple of Surkhkotai categorically calls the temple as acropolis, "Ido Malizomo Kanishko Oaninac Bagolaggo" - This acropolis is called Kaniska Niketar's Sanctuary.³⁵ It is difficult to know from the evidence that

the Kusanas had ever attempted to make acropolis in India in the model of royal sanctuary. But excavations at Kausampi have revealed the remains of three towers, circular in plan, at the north eastern, north western and south eastern ends of the walls around palace complex.³⁶

But can we associate the "Semi elliptical vault, segmental arch and four centred pointed arch of Kausambi" as contributions of the advanced knowledge in architecture attained by the Kusanas in Central Asia, as claimed by Sharma? Nothing is improbable, technologically speaking, because the Kusanas were already conversant with the use of gypsum, a binding material with which the making of vault could have been possible. Be it or not, if the Kusanas were responsible for the origin of arch in India, this could be linked up with iwans-which the Kusanas had adopted in central Asia from the Parthians. Till a clear archaeological picture is obtained, the point however

will remain purely speculative.

The excavated evidence is not extensive enough to permit an-elaborate inference of secular architecture of the Kusanas. But if the Kusana architecture of Central Asia, Bactria, India are discussed thread bare it is difficult to establish a school of architecture that may be termed as the Kusanas. It expresses neither the dynastic character, not the ethnic traits. A comparison of the architectural styles of various regions of the Kusana empire leave no room to doubt that various regions reveal various traits. Indeed wherever the Kusanas have spread they are found to have adopted local idioms. But what is surprising is that nowhere they have tried to weld them into a cultural hole to create a distinctive school. Doubtlessly certain innovations could be seen in India during the period as stated earlier. But these remained as peripheral. When the question of planning came, they followed unhesitatingly the traditio-

nal pattern. It is curious to note that the Kusanas did not adopt the grid pattern in the towns of the Gangetic valley which was so popular to them while planning the cities in Afghanistan and Gandhara region. Had they done so, the character of the Indian cities would have been different to the style of overgrown villages which has remained the pattern until recent time.

1. Allchin, F.R and Hammond, N The Archaeology of Afghanistan page 214 - 15
2. Allchin Ibid pp 218-232; Bernard, p Aikhanum on the Oxus: A Hellenistic city in Central Asia, proceedings of the British Academy, Vol.53 pp 71-95
3. Encyclopedia of world art Vol IX pp 109-110
4. Central Asia in the Kushan period, Vol 1 (Moscow, 1974)
5. Bellenitsky, A The Ancient civilization of Central Asia pp 97 - 98
6. Pugachenkova, G. A and L.I Remoel, Istoriya iskusstva

- Uzbekistana p 50;
 Bellenitsky, Ibid p 100.
7. puga chemkova, G.A Les Tresors do Dalverzine Tepe liningard, 1978
 8. Tolstov. S.P. peodrevnim deltam oksa -i-ya ksarta. 210; Bellnitsky Oecit pp 101 - 102
 - 9.. Seavisky, B.Y Kushanskaya Baktriya: Baktriya problem Istori Knestri Moscow, 1977 pp 156
 10. Foucher, A. Lavi-ville route de l'inde de Bactress Taxila, M. D. A.F.A, Vol 1, pt 1 and 11; Ghirghman, R. Begram Richerches archaeologio-ies et historiques sur l es Kouchans, M.D.A.F. A Vol 12.
 11. Fussman, G 'Notes sur la lapographic de l'ancienne Kandahar' Ars Asiatidnes, Vol 13 pgs 33-57
 12. Dani, A.H. ' Shaikan Dheri Excavatieus 1963 and 1964' Ancient Pak-istan Vol 11 pp 17-214.
 - 13 Marshall, J Taxila, Vol 1 pgs 117-118, 171-176
 14. Ghash. A. 'Taxila, 1944-45' Ancient India, no 4, 1944-48. pp 41-84.
 15. Marshall, J. A Gu-ide to Texila, pp 91-94.
 16. Informtion gather-ed from a lectures giv-en by pefesser K.K. Sinha on Khauradih
 17. Cunnigham, A. The AAncint Geegraphy of India p. 291
 18. Pydh. H. Rangma-shal
 19. Indian Archaeolo-gy: A Review , 1954-55 pp 13-14; pp j 1970-71, p31
 20. Law B.C. Panchal-as and their capital Ah-ichessatra Ghash, A and panigrahy, The peetery of Ahichessatra Ancie-nt India, n 1.
 21. Ghash N.N. Early History of Kausambi ; sharma' G.R Excavations at Kausambi, 1949-50 (De-lhi 1969); Sinha, K.K. Strasigra hy and Chremology of early Kausambi- a Rea-ppraual ' International Symp sium on Radio Car-bon and Indian Archae-ology Bombay, 1972
 22. Indian Archaeolog-y-A Review, 1964-65 p 45
 23. Altekar, A.S. and Misre, V. Repert on Ku-mrahar excavation (1951 -55) pp 45-58.
 24. Krishna deva and Misra, V. Vaisali Excav-ations; Sinha, B.P. and Rey, S.R. Vaisali Excav-ation. pp 26-27,29.
 25. Marshall, J. Excav-ations at Bbita'- Annu-al Report Archseological Survey of India, 1911-12, pp 29-94

26. Sinha, B. P. and - Preliminary Report on Churand Verma, B. S. excavations for the year 1969, Patna University Journal no 3.
27. Sinha, B. P. and Roy-Vaisali excavations S. R.
28. Indian Archaeology A Review. 1973-74 pp 31-32
29. Sharma, G. R.-Kushan studies, pp 1-42.
30. Hartel, H.-Semeorsults of the excecvation at Sonkh pp 71-93.
31. A. B. I. HI III (1940) Vol XLIII.
32. Indian Archaeology-A Review-1964-65 pp 7; Hartel H pp; cit pp 74-76
33. Hartel, H. Ibid p. 75
34. Hartel, H. Ibid p. 75
34. Ghrishman, Begram: Recheres archeologique et histerqves sur 1946 pp 38-39.
35. Scheff. W. H. Parthion statious ley, Izidere Charax 1914 pp 8-9 Section 19.
36. Sharma, G. R. op. cit, plate III, IV.

مدیر مسوول : عبدالجلیل بولادیان

معاون : محمد داود نیاز

مستهم : مخدوم برهان

نشانی :

اکادمی علوم ج.د.ا.

مرکز بین المللی مطالعات کوشانی

مدیریت مجله تحقیقات کوشانی

Address:

Academy of Sciences
of Afghanistan

International center
for Kushas studies

ACKU

جلد
DS
451
73C



Tahqiqat-e-Kushani



D.R.A. Academy

Of Sciences

International

Center For Kushan

Studies

Editor: A Jalil Poladian

Vol. VIII, No. 3

March, 1986

Government Printing Press

104